

فصلنامه مطالعات ایلام‌شناسی

فصلنامه علمی تخصصی باستان‌شناسی، شماره ۲۱، سال ششم، زمستان ۱۴۰۰ خورشیدی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر حبیب‌اله محمودیان

سر‌دبیر: دکتر سیاوش یاری

مدیر اجرایی: مهندس آزاده محمودیان

ویراستار فارسی: مهندس علی محمدنیاکان

مدیر امور فنی و رسانه: مهندس امید محمودیان

مترجم انگلیسی: دکتر پریسا پورمحمدی

صفحه آرا: معصومه صفایی‌نیا

شماره پروهانه: ۷۸۸۰۹ - ۱۳۹۵/۱۰/۶

ناشر: انتشارات زاگرو، ایلام

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

بها: هفتاد و پنج هزار تومان



اعضای هیئت تحریریه:

دکتر شاهین حیدری استاد دانشگاه تهران

دکتر حاجی کریمی استاد دانشگاه ایلام

دکتر غلامحسین کریمی دوستان استاد دانشگاه تهران

دکتر سیاوش یاری دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه ایلام

دکتر رضا خانی دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه ایلام

دکتر کرم ادیبی فراز دانشگاه متروپولیتین ایالت دنور امریکا

دکتر محسن توکلی دانشیار دانشگاه ایلام

دکتر لیلی نیاکان استادیار گروه باستان شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی

دکتر لیلا خسروی استادیار گروه تاریخ پژوهشگاه میراث فرهنگی

دکتر فرنگیس درویشی استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کازرون

دکتر علی خاکی استادیار دانشگاه فرهنگیان

دکتر ابراهیم مرادی استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ایلام

دکتر خداکرم مظاهری استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ایلام

دکتر پریسا پورمحمدی مدرس دانشگاه هنر شیراز

ویژگی های کلی مقاله

- مقاله باید نتیجه تحقیقات نویسنده / نویسندگان باشد.
- نباید در نشریه دیگری منتشر شده باشد.
- انتشار مقاله، منوط به تأیید نهایی هیئت تحریریه فصلنامه است.
- مسئولیت مطالب و محتوای مقاله بر عهده نویسنده / نویسندگان است.
- مجله در ویرایش ادبی و فنی مقاله بدون تغییر محتوای آن آزاد است.
- نام کامل نویسنده، مرتبه علمی، دانشگاه محل تدریس یا تحصیل، رشته تحصیلی و شماره تلفن نویسنده در صفحه جداگانه‌ای ضمیمه شود.
- ارسال مقاله از طریق سامانه یا پست الکترونیک فصلنامه مطالعات ایلام شناسی امکان پذیر است.
- ساختار مقاله:** مقاله باید دارای چکیده، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، پی نوشت، منابع و چکیده انگلیسی باشد.
- عنوان:** نام کلی مقاله، به نحوی که گویا و بیانگر محتوای مقاله باشد.
- مشخصات نویسنده:** شامل نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی، رشته تحصیلی، دانشگاه محل تدریس و یا تحصیل وی باشد.
- چکیده:** شرح جامعی از مقاله با واژه‌های محدود شامل: بیان مسئله، هدف، روش تحقیق و یافته‌های پژوهش. در ضمن، چکیده مقاله نباید از ۲۰۰ واژه (۱۲ سطر) بیشتر باشد.
- واژگان کلیدی:** شامل ۴ تا ۷ واژه تخصصی باشد.
- مقدمه:** شامل طرح مسئله اصلی و هدف پژوهش است. در این بخش به اجمال سوابق پژوهشی در حیطه مسئله مورد نظر مطرح شود.
- متن اصلی:** شامل متن اصلی مقاله است و می‌تواند با جدول، تصویر و نمودار و ... همراه باشد.
- نتیجه گیری:** شامل خلاصه و نتیجه گیری است.
- پی نوشت:** توضیحات ضروری که پس از نتیجه گیری می‌آید.
- منابع و مآخذ:** فهرست نویسی ارجاعات مقاله بر مبنای شیوه نامه مجله.
- چکیده انگلیسی:** چکیده انگلیسی عیناً ترجمه چکیده فارسی باشد.

شیوه تنظیم متن: مقاله با قلم (فونت) B zar و اندازه ۱۳، فاصله بین خطوط ۱۵، ۱ (single) و در فرمت word نوشته شده باشد.

چکیده، واژه‌های کلیدی، منابع، ارجاعات داخل پرانتز، شعرها و هر مطلبی که درون پرانتز بیاید، باید با اندازه ۱۱ نوشته شود.

نقل قول‌های مستقیم بیش از پنج سطر، جدا از متن اصلی و با همان قلم، ولی با اندازه ۱۱ نوشته شود.
شیوه ارجاع به منابع: ارجاعات مندرج در مقاله، مستند و مبتنی بر منابع معتبر باشند. ارجاع داخل متن شامل: نام خانوادگی نویسنده، سال چاپ اثر: شماره صفحه یا صفحات. مثال فارسی: (نگهبان، ۱۳۷۶: ۵۴)، لاتین: (Smith1999: 33).

ارجاع به اسناد تاریخی: عنوان سند، شماره طبقه‌بندی و دسترسی، نام آرشیو کتاب.
ارجاع به کتاب در قسمت منابع پایانی: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ نشر، عنوان کتاب، نام و نام خانوادگی مترجم یا مصحح، جلد، نوبت چاپ، نام ناشر، محل نشر.
ارجاع به مقاله: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ نشر اثر (داخل پرانتز)، عنوان مقاله مورد استفاده (داخل گیومه)، نام و نام خانوادگی مصحح یا مترجم، عنوان اصلی دانشنامه یا فصلنامه و مجله، دوره یا سال انتشار، شماره صفحات مقاله.

ارجاع به پایان‌نامه: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، سال دفاع (داخل پرانتز)، عنوان رساله، مقطع دفاع شده، نام و نام خانوادگی استاد راهنما، نام دانشگاه و دانشکده محل تحصیل.

ارجاع به سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ درج مطلب در وبگاه (درون پرانتز)، عنوان مقاله یا اثر (داخل گیومه)، نشانی الکترونیکی وبگاه.

منابع مقاله به صورت الفبایی و براساس نام خانوادگی مؤلف تنظیم شود؛ منابعی که در پایان مقاله ذکر می‌شود، همان منابعی باشند که در داخل متن استفاده شده است. عنوان کتاب‌ها و مقاله‌ها در منابع پایان مقاله به طور کامل ذکر شود. منابع غیرفارسی، پس از منابع فارسی آورده شود.

توجه: تمام مقالات دریافتی، توسط دو داور، داوری خواهند شد.

فهرست مقالات

صفحه	عنوان
۶	بررسی تحولات تاریخی و باستان شناختی سرزمین دیوالا
۶	دکتر حبیب اله محمودیان
	نگاهی به کمان در دوره تاریخی با تأکید بر سه پیکان آهنی یافت شده در
۷۸	دشت میانکوهی آسمان آباد دکترعلی نوراللهی
	شناسایی ساختارهای سنگی در دشت مهران، به کمک تصاویر گوگل ارث
۱۱۴	یک بحث مقدماتی امیر خانمرادی
۱۳۲	بررسی خط و کتابت با تأکید بر تزیینات خط در آثار معماری
۱۳۲	(در قرون اولیه اسلامی) مهندس آزاده محمودیان
۱۵۷	بررسی باستان شناختی عنصر ستون در آثار معماری سنگی
۱۵۷	دکتر علی خاکی، دکتر پریسا پورمحمدی ، حبیب اله رشید بیگی
۱۷۷	بررسی هنر مقرنس کاری در آثار معماری ایران با تأکید بر دوره
۱۷۷	اسلامی مهندس زینب لطفی
۱۹۳	چکیده انگلیسی مقالات

بررسی تحولات تاریخی و باستان‌شناختی سرزمین دیوالا

دکتر حبیب‌الله محمودیان^۱

چکیده

براساس اسناد تاریخی و یافته‌های باستان‌شناسی آثار وابینه و محوطه‌های متعددی در منطقه زاگرس (غرب فلات ایران) از دوران مختلف زندگی انسان برجای مانده که استقرار و زندگی را از دوران غارنشینی تا دوران بعدی تأیید می‌نماید. بخشی از مهمترین سکونتگاه‌ها، شهرها و مراکز جمعیتی در مسیر ارتباطی کاروان‌ها یا معابر، جاده‌ها و ایل راه‌های باستانی تاکنون معرفی شده‌اند؛ اما، در مواردی برخی شهرها و مراکز جمعیتی و مکان اینگونه شهرها تاکنون شناخته نشده‌اند. در این نوشتار تلاش شده علاوه بر معرفی مختصر برخی شهرها از دوران تاریخی منطقه، در مورد سرزمین دیوالا و شهرالرز (ردین) و... مطالعاتی صورت پذیرد. در راستای دستیابی به این هدف مهم تلاش شده، جغرافیای زاگرس غربی و منابع حیاتی آن، جغرافیای تاریخی منطقه، راه‌ها و معابر تاریخی زاگرس نشینان و محوطه‌های شاخص باستانی مرتبط با موضوع، مطالعه و بررسی شود.

واژگان کلیدی: دیوالا، الرز (ردین)، منس، هلال سبز، گدارخوش.

^۱-عضو هیئت علمی دانشگاه

زاگرس غربی

رشته عظیم زاگرس و دره‌های میان کوهی آن از جمله ناهمواری‌های غرب فلات ایران به دلیل شرایط جغرافیایی مطلوب پناهگاه و سکونتگاه مهم انسان در دوران مختلف بوده که تحت عنوان زاگرس نشینان از آنان یاد شده است. بعضی معتقداند ریشه واژه زاگرس اوستایی است. در زبان اوستایی زاگر به معنای کوه بزرگ است؛ اما طبق نظری که بیشتر مورد تأیید است، این کلمه از نام مهاجران هند و اروپایی ساکن این منطقه (معروف به زاگارتی/ساگارتی) گرفته شده است. نام قدیمی این رشته کوه در زبان فارسی پاطاق و پیش از آن کهستان (جبال) و پهل‌ه بوده است. در منابع تاریخی، زبان باستانی ساکنان زاگرس را زاگرو-ایلامی معرفی نموده‌اند. همچنین، واژه Zagros/Zagrio را به عنوان «کوهی در دوران ماد» ذکر نموده‌اند. زاگرس غربی حائل بین فلات مرکزی و جلگه حاصلخیز و پر آب بین‌النهرین، از جمله مسیرهای دائمی ارتباط شرق و غرب محسوب می‌گردد. موقعیت جغرافیایی و مکانی منطقه موجب شده بسیاری از اقوام مهاجر در دوران مختلف زاگرس را به عنوان پناهگاه و مکان استقرار خود انتخاب نمایند. به همین دلیل، منطقه میانی زاگرس، مسیر ارتباطات شرق و غرب و در نتیجه، مسیر تبادل و تهاجم اقوام و ملت‌ها بوده است. در محدوده کوهستانی غرب زاگرس دو عارضه مهم جغرافیایی (رود سیمره «کرخه و شعبات آن و کبیرکوه» ملاحظه می‌شود. از سویی، سلسله جبال حمرین^۲ در ناحیه مرزی ایلام با عراق مهمترین ارتفاعات این بخش از زاگرس را تشکیل می‌دهد. و سرزمین دیوالا در این محدوده واقع شده است. دامنه این کوه‌ها بیشتر دارای آثار با ارزش تاریخی است و دره‌ها و پشته‌های آن‌ها از جمله مکان‌های تمرکز جمعیت در دنیای باستان بوده است. در نواحی کوهستانی شمال و شمال

1.Hamrin-

شرقی دیوالا، دشت‌های محدود میان کوهی قرار گرفته است. معابر و راه‌های منطقه‌ای در دنیای گذشته از این دره‌ها و دشت‌های میان کوهی عبور کرده است؛ اما دشت‌های غربی، جنوبی و جنوب شرقی از جمله دشت‌های دهلران، موسیان، مهران و هیژدانه عموماً وسیع گرمسیری هستند. غارهای کوهستان زاگرس و مطالعات انجام شده در بخش سکونتگاه‌ها و استقرار گاه‌های بشر در دوران سنگ اهمیت باستان شناختی این منطقه از هلال سبز را نشان می‌دهد. دیوالا در منطقه رویشی زاگرس غربی واقع شده است. ناحیه شمال و شرق منطقه دارای پوشش گیاهی مشجر و ناحیه جنوب و جنوب غربی دارای پوشش گیاهی مرتعی و گیاهان یک ساله است. مهم‌ترین و وسیع‌ترین پوشش جنگلی منطقه را گونه بلوط ایرانی^۳ تشکیل می‌دهد (پیری، ۱۳۹۰: ۱۸). علاوه بر گونه جنگلی بلوط، گونه‌های جنگلی دیگر در ارتفاعات نواحی کوهستانی مشاهده می‌شوند. سرو زرین با قدمت بیش از سه هزار و ۸۵۰ سال از جمله گونه‌های جنگلی غیربومی کوهستان زاگرس در محدوده غربی سرزمین دیوالا (چوار) است. گونه بنه از گونه‌های اقتصادی جنگل‌های زاگرس است. پوشش مرتعی جنگل‌ها و مناطق غرب ایران، عامل تحوّل و پیشرفت دامداری سنتی بوده و با زندگی مردم عجین شده است. از دامنه‌ها و دره‌های کوهستانی دیوالا، رودهای مختلفی جریان دارند که عمدتاً در نواحی مرزی وارد سرزمین عراق می‌شوند. موقعیت جغرافیایی محدوده غرب زاگرس (دیوالا) در کوهستان هلال سبز، موجب شده تا از آب و هوا و اقلیم مطلوبی برخوردار باشد.

سرزمین دیوالا

نام قدیمی شهر ایلام دیوالا بوده است. دیوالا محدوده جغرافیای نسبتاً وسیعی است و با محدوده یک محله، روستا، شهرک یا شهر تفاوت دارد؛ اما، ده محدوده کوچکتری

³-Qurcus persica

دارد. ده‌بالا یا ده‌پایین، واژه‌های علیا و سفلی و... به موقعیت یک روستا، در محدودهٔ جغرافیایی مشخص و محدود اطلاق می‌شود. بنابراین، واژهٔ دیوالا از گسترهٔ جغرافیایی وسیع‌تری نسبت به ده‌بالا و ده‌پایین برخوردار است. از این رو، سرزمین دیوالا محدوده جغرافیایی وسیعی شامل: نواحی شهرستان‌های چوار، ایلام، ملکشاهی و مهران را در نواحی غرب ایران و هم‌جوار با استان‌های شرقی عراق در مرز دو کشور در بر گرفته است. دیوالا پل ارتباطی سرزمین میان رودان با فلات مرکزی ایران بوده و بیشتر راه‌ها و جاده‌های باستانی از مناطق دیوالا می‌گذشته است. در گذشته نواحی مرتفع شرق میان رودان در مرزهای میانی با ایران را دیوالا می‌گفته‌اند. شهر الرز «ردین» «ایلام‌فعلی» مرکز سرزمین دیوالا در دشت میانکوهی ایلام (حد فاصل کوه‌های مانشت، سیوان، گچان، شکم و کمه ره) واقع شده و در دوره تاریخی وقرون اولیه اسلامی شهری آباد بوده است. این شهر به ده‌بالا نیز معروف بوده است.



نقشهٔ شهر ایلام در دههٔ ۱۳۳۰

مرکز سرزمین دیوالا

ایلام فعلی به عنوان مرکز سرزمین دیوالا در بخش کوهستانی این منطقه جغرافیایی واقع شده است. ناحیه کوهستانی نخجیر از جمله رشته کوه‌های مهم منطقه دیوالا در غرب و جنوب غربی شهرستان ایلام واقع شده است. این رشته کوه بلند بر دشت گرمسیری صالح آباد (هیژدانه) مشرف است. کوه‌های رنو (بین ایوان و چوار)، سیاه کوه در غرب شهر ایلام، قلّه مانشت، قلندر و گچان مهم‌ترین ارتفاعات شمال ایلام را تشکیل می‌دهند که به دلیل پوشش جنگلی مناسب و زیستگاه و حوش، برای حفظ و احیای منابع طبیعی آن مورد حفاظت واقع شده است (محمودیان، ۱۳۸۵: ۹). بلندترین قله‌های سرزمین دیوالا، قلّه کان صیفی از قله کبیرکوه با حدود سه هزار و ۶۲ متر ارتفاع و قله مانشت با حدود ۳۰۷۵ متر از سطح دریا را باید ذکر نمود. پست‌ترین مکان این منطقه ۱۹۶ متر از سطح دریا ارتفاع دارد (پیری، ۱۳۹۰: ۲۶).

گدارخوش (ویارخوش): این دشت در گذشته به وسیله چشمه‌های پرآب «سراب عطش» «بی بی» «قل قل» «باخه نام» «هفت چشمه» «بیلور» و... و نیز قنات‌های خُناخه، آزلوار، نام دنانان، کورگه چنار و فلاحتی آبیاری می‌شد. از بهم پیوستن این چشمه‌ها، رود گدارخوش در دشت دیوالا تشکیل شده که پس از طی مسافتی از مناطق صالح آباد و غرب دشت هیژدانه جریان داشته و از دامنه ارتفاعات مرزی میمک وارد جلگه بین‌النهرین می‌شود (محمودیان، ۱۳۸۳: ۱۳) درحاشیه این رودخانه آثار تاریخی متعددی وجود داشته که به دلیل توسعه شهر در طول پنجاه سال گذشته بیشتر آن‌ها از بین رفته‌اند. رودخانه گل‌گل نیز از ارتفاعات شمال «میش خاص» در محدوده «بان طولاب» از مناطق تابعه سرزمین دیوالا سرچشمه گرفته و عامل آبادانی دره میش خاص شده است. چون ایلام از سمت غرب با نواحی و شهرهای بین‌النهرین ارتباط داشته و حائل بین

سرزمین میان رودان و فلات مرکزی بوده است؛ بنابراین، الزاماً این ناحیه در این مسیر ارتباطی قرار گرفته است. نزدیکی این منطقه با تیسفون پایتخت ساسانی و مرکز حکومت خلفا در قرون اولیه اسلامی عامل پیشرفت ایلام در عهد باستان بوده است. در قرون بعد به دلیل انتقال مرکز حکومت به شرق کشور از اهمیت و موقعیت ایلام کاسته شده است. به طور خلاصه می‌توان گفت: چنین شرایطی موجب شده تا از قرن چهارم هجری تا عصر حاضر اطلاعاتی در مورد رویدادهای تاریخی منطقه دیوالا در منابع مختلف ثبت و منتشر نشود. از این رو، با حدود هزار سال سکوت در منابع تاریخی منطقه روبه رو هستیم.

قنات‌های دشت دیوالا

قنات کورگه چنار: این رشته قنات در محدوده مرکزی شهر ایلام امتداد داشته و بخشی از آب شرب شهر و باغات ایلام را تأمین می‌کرده است. سیستم آبرسانی شهری با بهره‌گیری از لوله‌های سفالی (تنبوشه) در بخش شمال غربی شهر ایلام در گذشته وجود داشته است. در سال‌های اخیر با توسعه شهر و ساخت و سازهای جدید مظهر قنات از بین رفته است.

قنات بی‌بی: این قنات در دشت میانکوهی ایلام جریان داشته و مظهر قنات در محدوده میدان سعدی ایلام مورد استفاده‌ی اهالی بوده است.

قنات آزلوار: این قنات در دشت ایلام ایجاد شده و آب مورد نیاز بخش کشاورزی ساکنان این منطقه را تأمین کرده است. مظهر قنات در محدوده خیابان کمربندی جنوبی شهر ایلام مورد استفاده بوده است.

قنات سراو (سراب): عطش در مسیر تنگ قوچعلی به میدان شهدای شهر ایلام و از مسیر گورستان عمومی شهر تا پارک سراب ایلام چشمه و مظهر قنات امتداد داشته است.

قنات فلاحتی: این قنات از جمله کانال‌های زیرزمینی تأمین آب شهر ایلام در قرون گذشته بوده است. حفر قنات فلاحتی به منظور تأمین آب مجموعه باغ ایرانی معروف به فلاحتی ایجاد شده است. کانال تاریخی قنات از شمال شهر ایلام محدوده ساختمان استانداری ایلام شروع شده و مظهر آن در محله شادآباد ایلام و در قسمت شمالی باغ ایرانی فلاحتی واقع شده است. این رشته قنات برای تأمین آب این مجموعه، عمارت مرکزی باغ و اهالی محله شادآباد حفر شده است.

قنات نام‌دنانان: اطلاعاتی از وجه تسمیه این قنات به دست نیامده است. چاه‌های قنات نام‌دنانان در جریان توسعه شهر ایلام تخریب شده است. تأسیسات این قنات با بهره‌گیری از روش‌های سنتی ایجاد شده و در محدوده مظهر آن کوره‌های آجر پزی سنتی ایلام قرار داشته‌اند.

قنات بیل ور: از سازه معماری قنات اطلاعاتی در دست نیست؛ اما چشمه مظهر این قنات در حاشیه رودخانه دشت ایلام در حد فاصل دو منطقه بانقلان و چالسرا قرار داشته است.

مناطق تابعه دیوالا

بخش مرکزی: مناطق بخش مرکزی ایلام فعلی شامل دهستان‌های مختلفی است که در غرب و جنوب غربی شهر ایلام واقع شده‌اند. بیشتر روستاها و مراکز جمعیتی بخش مرکزی ایلام در شمال شرقی دره‌های کوهستانی، حد فاصل کبیرکوه در جنوب غربی و کوه‌های شلم، انجیر و طولاب در شمال شرقی واقع شده‌اند. منطقه به دلیل کوهستانی بودن از اقلیم معتدل کوهستانی برخوردار است. درختان جنگلی بلوط بخش عمده‌ای از این محدوده را پوشانده‌اند. این شرایط موجب شده از دامنه‌های ارتفاعات، رودها و چشمه‌های متعددی سرچشمه گرفته و در دره‌های متعدد آن جاری شوند.

دره میش خاص: این ناحیه از جمله مناطق تابعه بخش مرکزی دیوالا بوده که امروزه به نام بخش سیوان در ساختار تقسیمات کشوری ملاحظه می‌شود. بیشتر این آبادی‌ها در امتداد درهٔ میش خاص، در جهت جنوب غربی - شمال شرقی در حواشی رودخانهٔ دائمی میش خاص (از ارتفاعات طولاب سرچشمه گرفته) واقع شده‌اند. روستای جعفرآباد از سطح دریا هزار و ۲۶۵ متر ارتفاع دارد که با محوطهٔ بان طولاب در بخش شمال شرقی درهٔ با هزار ۸۳۰ متر ارتفاع از سطح دریا، اختلاف زیادی دارد و این شرایط بر موقعیت اقلیمی منطقه اثر گذاشته است. شیب طبیعی این دره از شمال شرقی به سمت جنوب غربی است. بیشتر آثار بر روی تپه‌های طبیعی مشرف بر رودخانه و زمین‌های پست واقع شده‌اند.

شهرالرز(ردین)

در برخی منابع به وجود شهری به نام «رد» یا ردین در این منطقه اشاره شده است. سید صفر رجبی به نقل از مسعودی^۴ محل درگذشت مهدی..... هارون الرشید را در ولایت ماسبندان و در مکانی به نام «ردین» نوشته است (رجبی، ۱۳۶۸: ۵۶۹). او همچنین، در التنبیه به وفات مهدی در ماسبندان اشاره کرده؛ اما، موضع درگذشت او را در «رد» و «راق» متذکر شده است. رجبی در این مقاله به نقل از عمرانی و کتاب الانباء به مرگ مهدی در ولایت ماسبندان اشاره نموده و موضع مرگ او را در الزرد نوشته است (همان: ۵۶۹). ابودلف جهانگرد عرب موضع درگذشت مهدی را در «رد» و «براو» ذکر

^۴ - ابوالحسن علی بن الحسین بن علی المسعودی (۲۸۰-۳۴۶ / ۵۸۶-۹۵۷ م) تاریخ‌نویس و نویسنده، جغرافی‌دان و جهان‌گرد مسلمان و از اعضای دارالحکمه (دارالحکمه، بیت الحکمه و دارالترجمه از مراکز علمی مسلمانان در شهر بغداد و در دوران حاکمان عباسی بوده است). نسب وی به عبدالله بن مسعود یکی از یاران پیامبر اسلام می‌رسد.

کرده است. همچنین، در این مقاله واژگانی چون: ردین، رذ، الرذ، الرذ و راق ذکر شده که به نظر می رسد همه این نام‌ها نشانگر یک مکان باشد؛ همچنانکه نویسنده مقاله هم به این نکته اشاره نموده است. مینورسکی به استناد به یاقوت حموی آرامگاه مهدی را در ده بالا ذکر کرده است. یاقوت ده بالا را در مجاورت مازبذان در ناحیه الجبل نزدیک بندنیجین معرفی کرده و نوشته است: در آنجا قبر خلیفه المهدی وقتلگاه او (مشهد) قرار دارد و عده‌ای خدام وابسته بدانند و مقرری دریافت می کنند (همان: ۵۷۱).

پیشینه مطالعات دیوالا

منطقه به دلیل شرایط مساعد جغرافیایی و منابع آب، از سکونتگاه‌های مهم در دوران‌های مختلف بوده است. با توجه به فعالیت‌های باستان‌شناسی و اظهار نظر مورخان و سیاحان، خصوصاً جغرافی‌نویسان اسلامی، این منطقه در گذشته، آباد بوده است. دیوالا در زاگرس غربی واقع شده و از جمله نواحی ایلام باستان به شمار می آمده است. ویژگی‌های شاخص و مطلوب جغرافیایی در زاگرس غربی و منطقه دیوالا شرایط را برای زندگی و استقرار انسان در دوران باستان فراهم آورده است. جنوب غرب ایران و نواحی ایلام در هزاره سوم ق. م شاهد پدیدار شدن تمدن‌های بزرگی بوده است. اقوامی از سرزمین‌های شمالی به این منطقه مهاجرت نموده و از مواهب خدادادی آن استفاده نموده‌اند. تمدن‌های هم‌جوار در میان‌رودان نیز، دائماً در فکر تسلط بر سرزمین‌های حاشیه غربی زاگرس بوده‌اند. در این میان، بیشترین اطلاعات ما از منابع متون بابلی است. این منابع از اقوامی مانند: ایلامیان، کاسیان، لولوبی‌ها و گوتی‌ها بیشتر بحث می کند که در نواحی مرزی با میان‌رودان سکونت داشته‌اند. گیرشمن معتقد است که:

«همه این اقوام به یک دسته نژادی متعلق‌اند، زبان آنان به هم وابسته است» (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۳۸).

دیوالا بخشی از تمدن ایلام باستان

براساس اظهار نظر باستان شناسان تمدن ایلام باستان در جنوب و جنوب غربی فلات ایران واقع شده است. بنابر گزارش باستان شناسان، بخشی از ایلام باستان در محدوده استان ایلام واقع شده است. تپه‌های موسیان و علی کش در دهلران، چگا آهوان در مهران و ده‌ها منطقه و محوطه دیگر در سایر مناطق استان از جمله آثار متعلق به دوره ایلامیان بوده که در حدود سه هزار سال پیش از میلاد به فرمان «آشور بانی پال» منقرض شده است. در کتیبه‌های بابلی، ایلام را آلامتو (آلام) خوانده‌اند که به قولی به معنای کوهستان (کشور طلوع آفتاب) است. شهر ماداکتو یکی از پایتخت‌های دولت ایلام، احتمالاً در نواحی استان ایلام واقع شده باشد. علاوه بر ایلامی‌ها، اقوام دیگری مانند گوتی‌ها، کاسی‌ها و لولوبی‌ها در منطقه ساکن بوده یا برای مدتی در این محدوده سکونت داشته‌اند. حوزه جغرافیایی تمدن ایلام در دوران‌های پیش از تاریخ و تاریخی و اعصار اسلامی هم چنان بلا انقطاع تداوم تاریخی خود را سپری نموده و با وجود مطالعات اندک و محدودیت حفاری‌های علمی باستان شناسی، خوشبختانه شواهد کم نظیری از گستره تاریخ آن که قابلیت تعمیم را در سطح جوامع و حوزه‌های فرهنگی در طول قرون دارد، ارائه می‌دهد. ایلام یا عیلام نام یکی از تمدن‌های ایران است که از سال ۳۲۰۰ پیش از میلاد تا ۶۴۰ سال قبل از تولد مسیح، در بخش بزرگی از مناطق جنوب غربی فلات ایران استقرار داشته و یکی از قدیمی‌ترین و بزرگترین تمدن‌های باستانی ایران در شمال خلیج فارس بوده است. نام ایلام فعلی از نام تمدن ایلام و در راستای حفظ نام ایلام باستان اخذ شده است. آلامتو نام کهن ایلام به زبان سومری به

معنی سرزمین مرتفع است. در منابع مختلف، سلسله‌های حکومتی ایلام به نام‌های اوان^۵، سیماش^۶، اپارت^۷، ایکیهالکی^۸، شوتروک‌ها^۹، و ایلام نو معرفی شده‌اند. بر اساس اظهارات باستان‌شناسان از جمله فرانسواوالا، جورج کامرون، والترهینس و خانم اریکا آثار ایلامیان در مناطقی از قبیل: ارجان بهبهان، شوش، هفت تپه، چغامیش و چغازنبیل در استان خوزستان، ملیان، نقش رستم و حاجی‌آباد در استان فارس، لیان بوشهر، شهداد کرمان، تپه‌های موسیان، علی‌کش و بزمرد در دهلران، چگا آهوان مهران، سیلک کاشان، اشکفت سلمان، کول فره ذکر شده و پایتخت‌های مهم حاکمان ایلامی شوش و ماداکتو (احتمالاً در منطقه کوهستانی شمال شوش در نواحی جنوب شرقی استان ایلام) بوده‌اند و «قایدالو» یا «خایدالو» هم در برخی دوره‌ها مرکز حکومت ایلامیان بوده است. شهر باستانی شوش، تپه‌های باستانی موسیان، زیگورات چغازنبیل، ارجان بهبهان، سدها و پل‌های باستانی روی رودخانه‌های دز، سیمره و کرخه، نقوش برجسته ایلامی در اشکفت سلمان، کول فره و تنگ نوروزی و بسیاری تپه‌ها، بناها و محوطه‌های باستانی دیگر از جمله این آثار است که در محدوده زاگرس واقع شده است. در برخی مناطق باستانی استان ایلام، چون: تپه‌گلان مهران، چگاصیفور کارزان و... شواهدی از آثار عصر ایلامیان مشاهده شده است.

حوزه جنوبی دیوالا

در منطقه جنوبی دیوالا جلگه بین‌النهرین صغیر (منطقه آباد حوزه رودهای میمه و دویرج) قرار دارد که به دلیل وجود منابع آب و زمین‌های حاصلخیز از مناطق مهم استقراری

⁵ -Awân

⁶ -Simâsh

⁷ -Epârt

⁸ -Iki Hâlki

⁹ -Shutruk

و تمرکز جمعیت جنوب غرب فلات ایران و حوزه تمدن ایلام محسوب می‌گردد. خلیلیان نمونه‌ها و شواهد فرهنگی در حوزه‌های غربی زاگرس مورد بررسی قرار داده و در این رابطه نوشته است: «حوزه جنوبی که به عبارتی شمالی‌ترین جلگه رسوبی سرزمین خوزستان می‌باشد با نام دهلران که دارای یک حوزه فرهنگی مستقل به لحاظ وجود تفاوت‌های مختلف با فرهنگ‌های دامنه‌های شمالی خود ولی مرتبط و مشترک با سیمای عمومی فرهنگ‌های حوزه جنوبی و دشت خوزستان است. در واقع زندگی و استقرار و آثار حیات بشر در این حوزه فرهنگی و جلگه رسوبی آن که با آبرفت‌های زمین ساختی خود موجبات تجربه اندوزی و پیشرفت تکنولوژی در سیستم تولید و توزیع محصول را با بهره‌گیری از پیشرفت‌های قابل توجه در صنایع خورده سنگی و تهیه ابزارهای مورد نیاز فراهم نموده است. این روند آنچنان قابل توجه و در خور تعمق می‌باشد که گوئی انقلابی عظیم در تحول نظام معیشتی و شیوه ابزار سازی انسان و مآلاً سیستم تولید و توزیع و مبادله محصولات بومی یا سایر مناطق صورت گرفته است. این تحولات را می‌توان در تولید مواد ساختمانی، ذخیره مواد غذایی، نحوه ایجاد سر پناه، خانه سازی منظم، پیشرفت‌های خارق‌العاده در تهیه مصالح و مواد ساختمانی، تهیه انواع ظروف سفالی و سنگی، تحول در امر بهره‌گیری از منابع آبی و- کنترل جهت دادن آب‌های هرز برای کشاورزی، اصلاح نباتات، اضافه نمودن تولید، اهلی کردن حیوانات و استفاده از آنها، آشنائی با پرندگان بومی و مهاجر و نظایر آن و بهره‌گیری از مواد کانی و معدنی نظیر قیر طبیعی برای موارد عایق بندی مشاهده نمود. مهم‌ترین مکان‌های جلگه پست جنوب زاگرس در منطقه دهلران و موسیان است. در سال ۱۹۰۵ میلادی هیأت فرانسوی (گوتیه و لمپر) تپه‌های علی‌کُش، چغاسفید، تپه‌سبز فرخ‌آباد و موسیان را در این منطقه مورد بررسی قرار داد. در فاصله سال‌های ۱۹۶۲ تا

۱۹۷۳ فرانک هول، فلائری، جیمز نیلی، هنری رایت در تپه‌ها و محوطه‌های باستانی دهلران مانند: بزم‌رده، علی‌گش، محمدجعفر، چغاسفید، چغاسرخ به تحقیقات پرداختند. باستان‌شناسان تحقیقات گسترده‌ای در مناطق پشتکوه و لرستان (حد فاصل بین دشت دهلران تا نواحی کوهستانی) انجام داده‌اند و سایت‌های باستانی متعلق به این دوره را یافته‌اند. لوئیس واندنبرگ، سرپرست هیأت مشترک ایران و بلژیک، در جست‌وجوی معبدهایی از عصر مفرغ در دهه‌ی ۱۹۶۰ فعالیت‌های گسترده‌ای در غرب ایران انجام داد. بیشترین اطلاعات ما از این دوره استقرار، برگرفته از یافته‌های باستان‌شناختی این هیأت است. کشف گورستان‌های پرچینه و هکلان در منطقه زرین‌آباد و بسیاری گورستان‌ها و محوطه‌ها در مناطق ایلام و لرستان، حاصل تلاش‌های هیأت بلژیکی است. اشمیت، اورل استین نیز از جمله باستان‌شناسانی هستند که در مورد مکان‌های باستانی غرب ایران به تحقیق پرداخته‌اند. فرانک هول موقعیت مکان‌های استقرار غرب ایران را در دوره روستائینی به صورت زیر گاه‌نگاری کرده است (هول، ۱۳۸۱: ۱۳۴).

استقرارهای پیش از تاریخ

تمدن پیش از تاریخ ایران و استقرارهای اولیه بشری را می‌توان در دشت موسیان و حاشیه رودخانه‌های میمه و دویرج که میان رودان کوچک را پدید آورده‌اند جست‌وجو کرد؛ هرچند تحقیقات باستان‌شناسی بخشی از تاریخ و تمدن ایران و نیز مکان‌های باستانی متعلق به ایلام باستان را در این منطقه روشن نموده است. تپه باستانی چگا آهوان و ده‌ها تپه و اثر باستانی در دشت مهران و حاشیه رودهای کنجان‌چم، چنگوله و گاوی، مهم‌ترین میراث‌های ارزشمند گذشته ایران محسوب می‌شوند (محمودیان، ۱۳۸۵: ۱۰۰). البته، در سایر دشت‌های حاشیه‌ای چون محوطه‌های گلان و امیرآباد در

حاشیه رودخانه کنجان چم و بسیاری دیگر از آثار باستانی در محدوده دشت‌های هیژدانه، ... کلک، سرنی، شینو، گنجوان هر کدام موقعیت و جایگاه ارزشمند تاریخی و تمدنی خاص خود را دارند. ایلام باستان از شرق به امتداد مسیر شمال غربی- جنوب شرقی همگتانه، از غرب به حوالی رودخانه دجله در میان رودان، از جنوب به خلیج فارس و تنگه هرمز، و از شمال به راه خاوران که از بابل به همگتانه وصل می‌شود محدود می‌باشد. علاوه بر ایلامی‌ها، اقوام دیگری چون: گوتی‌ها، کاسی‌ها و لولوبی-ها در منطقه ساکن بوده یا برای مدتی در این محدوده سکونت اختیار کرده‌اند. بر پایه اسناد تاریخی، کاسی‌ها در تاریخ پر فراز و نشیب خود سرانجام در منطقه ایلام و لرستان فعلی استقرار یافتند. بر اثر کاوش‌های باستان شناسی آثار برنزی متعلق به کاسی‌ها از گورستان‌ها و محوطه‌های باستانی این ناحیه به دست آمده است.

استقرار کاسی‌ها در سرزمین دیوالا

در جریان حفاری‌ها و کاوش‌های باستان شناسی، آثار منسوب به این قوم از گورستان‌ها و محوطه‌های ایلام، به دست آمده است. وجود ده‌ها اثر باستانی شامل محوطه‌ها و گورستان-های مکشوفه و متعلق به دوره‌های مختلف به ویژه دوران مفرغ در این منطقه از نظر مطالعات فرهنگی اهمیت دارد. با این وصف می‌توان گفت: «چوار» در دوران مفرغ و متعاقب آن در عصر آهن تحولات شگرفی داشته است. تعدد و تنوع ابزار مفرغی که حاصل فکر، اندیشه، ابتکار و خلاقیت سازندگان این ابزار و اشیاء بوده مؤید این مطلب است. براساس بررسی‌های انجام شده در منطقه عمومی ایلام و لرستان در دهه ۱۹۶۰ آثار متعددی از فلز مفرغ پیدا شده که در تاریخ باستان شناسی به نام برنز لرستان معروف است. آثار برنزی مناطق غرب زاگرس را منسوب به قوم کاسی یا کاسیت می‌دانند که در هزاره اول قبل از میلاد در این ناحیه سکونت داشته‌اند. این دوره به نام دوره طلایی برنز معروف

است. منطقه چوار، محوطه‌های چناریاشی و پاکل، گورستان‌های مناطق ایوان، ملکشاهی، ایلام، بدره، دره شهر مهم‌ترین محوطه‌های عصر آهن ایلام هستند. به دلیل کشف مقادیر زیاد و متنوعی از آثار ساخته شده فلز برنز در سرزمین دیوالا به ویژه منطقه چوار می‌توان دوران طلایی برنز را در این منطقه جست و جو نمود.

سرزمین دیوالا در دوره تاریخی

ایلام در دوره ماد جزء یکی از ایالت‌های آنها به حساب می‌آمد. در دوره هخامنشی جزو ۲۳ ساتراپی از امپراتوری هخامنشی بوده و داریوش هخامنشی آن را بر صخره ای از کوه بیستون ثبت نموده است. در دوران ماد و هخامنشی ایلام به دلیل نزدیکی با پایتخت‌های باستانی شوش، هگمتانه (همدان) و تیسفون از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. بعد از درگذشت داریوش سوم، اسکندر تمام ممالک ایران از جمله ایلام را به تصرف خود در آورد. پس از مرگ اسکندر میراث او بین سردارانش تقسیم شد که سوزیانا (ایلام- لرستان و خوزستان) جزو ۲۷ ایالت سلوکیان بود. پس از انقراض آنان این منطقه جرئی از قلمرو اشکانیان شد. دولت پارت در زمان سلطنت مهرداد اول (۱۷۱-۱۳۸ ق.م) به دولتی بزرگ مبدل شد و ایالت‌های پارس، خوزستان، ایلام، گرگان، باختر، مرو، زرننگ (سیستان) و سراسر پارت (ایران کنونی و تمامی بین النهرین) تحت تسلط حکومت اشکانی در آمدند. در دوره ساسانیان به علت این که ایلام در حد فاصل تیسفون واقع در بیست کیلومتری جنوب بغداد و دولت شهرهای شوش و بیستون و فارس قرار گرفته، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. آثار متعددی متعلق به این دوره در ایلام برجای مانده است. در زمان ساسانیان، ایلام جزو سرزمین پهله یا پهلو (منطقه بزرگی که بعدها اعراب آن را جبال نامیدند) بود. محدوده این استان در دوران اسلامی به عنوان بخشی از ایالت جبال تحت قلمرو

خلفای اسلامی به مرکزیت کوفه و بصره اداره می‌شد. در دوران اسلامی استان ایلام به دو بخش تقسیم گردید. قسمت شمالی به مرکزیت سیروان معروف به ماسبدان یا ماسبدان و قسمت جنوبی به مرکزیت صیمره (دره شهر) مهرجانقدق یا مهرگان کدک. از اوایل قرن چهارم تا اوایل قرن ششم خاندان حسنویه کرد بر لرستان و ایلام حکومت می‌کردند و از سال ۵۷۰ تا ۱۰۰۶ حکومت لرستان و پشتکوه به اتابکان لر محول شد و لرستان و ایلام را «لر کوچک» نامیده‌اند. ایلام در دوران اسلامی متأخر جزئی از قلمرو سلسله‌های افشاریه، زندیه و... بوده است. شاخص‌ترین اثر مربوط به دوران زندیه ساختمان امام زاده علی صالح (ع) در بخش صالح آباد از توابع شهرستان مهران است که پس از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نوسازی و تجدید بنا شده است. محمد علی میرزا فرزند ارشد فتحعلی شاه قاجار بخشی از قلمرو والیان لرستان به مرکزیت خرم-آباد را به تصرف خود درآورد و حکومت محلی والیان لرستان صرفاً به مناطق پشتکوه (ایلام امروزی) محدود شد. از سال ۱۳۰۹ شمسی در تقسیمات کشوری، ایلام از شهرهای تابع استان پنجم (کرمانشاهان) به شمار می‌آمد. در دوره پهلوی با توجه به موقعیت مرزی به فرمانداری کل، و سپس، به استان تبدیل گردید؛ و امروزه به نام استان ایلام دارای موقعیت مناسب فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است.

جاده‌ها و ایل راه‌های باستانی

راه‌ها و جاده‌های مواصلاتی مهمی شهرها و مراکز تمدنی را در دوران باستان به هم اتصال داده است. نواحی غرب ایران به دلیل شرایط ویژه جغرافیایی در دوران استقرار در مسیر تبادل و تهاجم فرهنگ‌ها و تمدن‌ها قرار گیرد و جاذب جمعیت شود. بررسی‌های تاریخی و باستان‌شناسی نشان می‌دهد که در گذشته جاده‌ها و راه‌های مهمی برای ارتباط شهرها و مراکز تمدنی در غرب ایران ایجاد شده است. مؤلف کتاب

جغرافیای تاریخی شهرهای نویسد: «در زمان مادها مهم‌ترین راه‌های کاروان رو در اکباتانا تلاقی می‌کردند. اکباتانا قلب ماد قدیم به شمار می‌رفت...» (نهچیری، ۱۳۷۰: ۲۲۶). در کتاب مذکور آمده است که: «جاده شاهی از شوش شروع می‌شد و از دجله و کنار اربل عبور می‌کرد و از حران می‌گذشت و به سارد ختم می‌گردید... جاده قدیم که بابل را به مصر متصل می‌کرد، به جاده عمده دیگری که از بابل به حلوان، بیستون و همدان می‌رفت ملحق می‌گردید» (ایزدپناه، ۱۳۶۳: ۵۳-۵۷). راولینسون نوشته است: «آن چه مسلم است ماه‌سبزان ناحیه‌ای را از جلگه ایوان در امتداد کوه‌های زاگرس تا حدود سوزیانا (شوش) در برمی‌گرفته است.

جاده های باستانی دیوالا (ایلام فعلی)

ایلام فعلی از مهم‌ترین مراکز جمعیتی منطقه است که در طول تاریخ از معابر عمده نواحی غرب زاگرس با نواحی پست میان رودان بوده است. بنابراین، ایل راه‌ها و جاده های عمده ای این نواحی را به مناطق پیرامونی وصل می‌کرد. این راه‌ها عبارتند از:

راه باستانی شرق دیوالا: این راه از مرکز سرزمین دیوالا به موازات کبیر کوه و از طریق پشته‌ها به سمت شرق امتداد یافته است. در این مسیر راه باستانی، از مکان‌های تاریخی محدوده شرقی دیوالا به سمت شهر تاریخی صیمره مرکز ایالت مهرگان کدک (دوره اتاریخی وقرون اولیه اسلامی) امتداد می‌یابد و تا پل گاومیشان از محدوده تاریخی شیخ مکان و تنگ بهرام چوبین می‌گذرد و پس از عبور از پل گاومیشان به پل دختر و جاده اصلی شوش به هگمتانه (شاهراه جنوب به شمال) متصل می‌شود. از پل دختر به سمت شوش در ساحل غربی رود کرخه، منطقه مازین قرار دارد که دارای آثار تاریخی مهمی است.

حمید ایزدپناه در مورد راهی که به سمت صیمره می‌رفت، اظهار می‌دارد: «این راه در صیمره انشعاباتی داشته... یک راه با گذشتن از تنگه و راه‌های دشوار کوه «کور» (کبیرکوه) به خوزستان می‌رفت و راه شرقی که منتهی به شاهراه شمال به جنوب می‌گردید در مسیر آن دو پل بزرگ بر روی صیمره و کشکان در گاومیشان و تنگه جایدر ساخته شده بود» (ایزدپناه، ۱۳۶۳: ۵۷).

راه باستانی بدره «آبهر» به بردبال چنارباشی: از بدره «آبهر» راهی از طریق پشته‌های کبیرکوه به سمت غربی امتداد می‌یابد و پس از طی مسافتی از بانهلان^{۱۰} و چشمه ماهی گذشته و به پشته ارشت^{۱۱} و بان پرور می‌رسد. این منطقه چهار راهی است که به سمت صیمره در شرق، به سمت سیروان در شمال، «الرد»، «ردین» (ایلام فعلی) در شمال غربی و نیز به سمت غرب و جنوب غربی یعنی میمه^{۱۲} زرین‌آباد از طریق کبیرکوه ارتباط می‌یابد. این راه باستانی از تنگه رازیانه^{۱۳} به روستای گنج^{۱۴} و سپس به روستای پاکل گراب^{۱۵} و منطقه چنارباشی^{۱۶} متصل است. از بردبال راه اصلی به سمت ایلام «الرد یا ردین» امتداد می‌یابد. این راه باستانی از طریق پشته‌ها به موازات کبیرکوه از مناطق کلم و گنج گذشته و به چنار باشی مرتبط می‌گردد. فریا استارک در سفرنامه خود می‌نویسد: این جاده‌های کوهستانی در سراسر دنیا تقریباً از قرارگاه‌های باستانی می‌گذرند» (استارک، ۱۳۶۴: ۱۳۰). این موضوع در این منطقه صدق می‌کند، از چنارباشی راه پشته‌ها قطع می‌گردد و مسیر جاده در کنار رودخانه و قبرستان بردبال

¹⁰- Banahalan

¹¹- Areshet

¹²-Memah

^۵- Razianah-

^۶- Gangah-

^۷-Pakal E Garab-

^۸-Chenar Bashi-

به سمت شمال غربی یعنی شهر فعلی ایلام امتداد می‌یابد. از چنار باشی راهی کوچ رو به سمت شمال و از طریق کوه سیوان به شهر سیروان باستان امتداد دارد. هم چنین از منطقه گراب چنارباشی راهی از دامنه‌های شمال غربی کبیرکوه و در مسیر رودخانه گل گل به سمت روستای گل گل و سنگ نوشته آشوری و در نهایت به سوی منطقه کان گنبد کشیده شده که پس از عبور از دشت صالح آباد، سرنی و شینو به بین‌النهرین وصل می‌شود.

راه‌های ارتباطی سیروان به نواحی غربی و بین‌النهرین: با توجه به شرایط اقلیمی و موقعیت ناهمواری‌ها و ارتفاعات نسبتاً بلند و صعب‌العبوری که در حاشیه غربی شهر باستانی سیروان به صورت یک دیوار منظم قرار گرفته است. از این رو، به احتمال زیاد نزدیک‌ترین و مناسب‌ترین راهی که بتواند این شهر باستانی را به نواحی غربی این منطقه کوهستانی و اقوام ساکن در آن و در نهایت با شهرهای بین‌النهرین مرتبط سازد، راهی است که از غرب روستای سراب کلان به سمت نواحی مذکور امتداد می‌یابد. جهت این مسیر شرق به غرب بوده و از روستای حسن گاوداری گذشته و از معبر «مله گون»^{۱۷} در حد فاصل دو قله کوه سیوان^{۱۸} و قلارنگ^{۱۹} عبور می‌نماید. این جاده مالرو در گردنه مله گون از کنار قلعه هیزدر^{۲۰} به سمت نواحی ایلام فعلی ادامه می‌یابد. این راه مهم از کان گنبد به منطقه صالح آباد متصل شده و از آن جا به دو راه عمده تقسیم می‌شود: یکی راه صالح آباد به سرنی^{۲۱}، شینو^{۲۲}، و میمک^{۲۳} و مرز بین‌النهرین و دیگری

17- Meleh Gawen

18- Saywan

19- Glarang

20- Hisder

21- Sarnay

22- Shino

راه صالح آباد به امیر آباد^{۲۴} و منصورآباد(مهران فعلی) و به سمت شهر زرباطیه در بین‌النهرین (عراق فعلی).

راه ایلام به سومار و بین‌النهرین

راهی از مرکز دیوالا(ایلام فعلی) به سمت شمال غربی امتداد می‌یابد. این راه مالرو در گذشته از دامنه‌های ارتفاعات حاشیه شمال شهر ایلام، هانیوان و شای‌جان عبور نموده و از طریق سراسیون^{۲۵} به منجل و سپس، به چوار(دارای تپه‌های باستانی) وصل می‌گردید. در ناحیه منجل بر اثر حفاری‌های غیرمجاز آثاری از جنس برنز به دست آمده است. چوار به صورت چهار راهی است که این منطقه را به سایر نواحی از جمله بین‌النهرین وصل می‌نماید و قطعاً راه ایلام به سمت نواحی مرزی و سومار از این ناحیه می‌گذرد. از چوار راه موردنظر به روستای مورت وصل شده است. سپس، از طریق گردنه تجریان به سمت قلعه معروف به قلاع امتداد می‌یابد. از قلاع «پشت قلعه» که مشرف بر نواحی اطراف است راه به سمت روستای چم ژیه مومه ادامه یافته است. این راه مالرو پس از گذر از گردنه قیطول (دارای بنا و آثاری است که احتمالاً ایستگاه بین‌راهی بوده باشد) به ناحیه گرمسیری گنجوان می‌رسد. در این منطقه چشمه‌های آب معدنی و آب گرم متعددی وجود دارد که جهت معالجه برخی بیماری‌های روماتیسمی مورد استفاده اهالی قرار می‌گیرد. در منطقه گنجوان آثاری از پی ساختمان که احتمالاً مکانی وسیع بوده باشد ملاحظه می‌شود. این راه به چکر بولی^{۲۶} و سپس، به شرق بین‌النهرین اتصال می‌یابد. چکر بولی در منطقه مرزی با عراق واقع شده و آثاری

23- Maymak

24-Amir Abad

25-sarecion

26 -Chakar-E-Boly

از شهری بزرگ در آنجا دیده می‌شود. در مسیر راه ارتباطی ایلام- چوار به سمت بین‌النهرین آثار زیادی از دوره تاریخی بر جای مانده است (محمودیان، ۱۳۷۷: ۵۵).

ایل راه باستانی چوار به ایوان

این جاده باستانی از چوار واز مسیر از گردنه گله‌جار عبور کرده و در منطقه سراب ایوان به راه باستانی سیروان به سومار ونواحی غربی ایوان از کنار تپه مامه‌زمان نرگسی گذشته و به منطقه زرنه در شمال غربی ایوان وصل می‌گردد و پس از طی مسافتی از کنار چند منطقه تاریخی می‌گذرد و در نهایت به سومار در مرز با کشور عراق متصل می‌شود. راه دیگری بین منطقه چوار و شهرستان ایوان امتداد دارد. این شبکه در روستای نرگسی ایوان جدا شده و در جهت شمال به جنوب از ارتفاعات شره زول عبور می‌کند و به ایل راه باستانی به راه معروف به «خیله ره» در منطقه بان حاجی، بخش چوار ایلام وصل شده و در نهایت از طریق راه معروف به «شرفه ره» به راه‌های غربی به سمت بین‌النهرین متصل می‌شود. این راه از جمله راه‌های منطقه غربی دیولا محسوب می‌گردد. به نظر می‌رسد این راه باستانی از شعبات اصلی جاده شاهی یا شاهراه باستانی شوش به شمال عراق و غرب آسیای صغیر باشد.

راه ایلام به نواحی صالح آباد

در شمال شرقی شهر ایلام چشمه پر آبی به نام سراب وجود داشته که سرچشمه رود گدارخوش می‌باشد. راه باستانی از حاشیه این رودخانه عبور کرده و در جهت شمال به جنوب از دره گراب «گراو» گذشته و پس از مسافتی به محدوده تاریخی تخت خان (که مسیر کوچ ییلاق به قشلاق ساکنان ایلام به نواحی امیرآباد و منصورآباد «مهران

فعلی» بوده است) مرتبط می‌گردد. سپس، از درهٔ بانروشان گذشته و به دشت گرمسیری هیژدانه^{۲۷} (هیژدان دشت) می‌رسد. از صالح آباد دو راه مهم انشعاب می‌یابد. الف) راه صالح آباد به سمت غرب؛ یعنی راه صالح آباد به سرنی^{۲۸} و شینو^{۲۹} و میمک؛ ب) راه صالح آباد به سمت جنوب؛ یعنی راه صالح آباد به امیرآباد و منصورآباد (مهران) و نیز نواحی گرمسیری بدره^{۳۰} «بادرائی» «بادرایا» و باغ سای (باکسایا) در شرق کشور عراق؛ مسیر صالح آباد به سمت غرب ابتدا به روستای فعلی «ریکا»، سپس، به محوطهٔ تاریخی و قلعهٔ کلک متصل می‌شود. این راه از کلک در جهت جنوب غربی به محدودهٔ تاریخی سرنی و قلعهٔ این منطقه مرزی می‌رسد. قلعهٔ سرنی بر فراز یک تپه‌ی تاریخی ساخته شده و احتمالاً مربوط به دورهٔ تاریخی باشد. از سرنی راه ارتباطی به راه اربابه رو و سنگفرش شینو در منطقهٔ مرزی با عراق و شهر مندلی عراق فعلی (به «بندیجین» یا بند نیکان) مرتبط می‌گردد.

مسیر زمستانی ساکنان ایلام (امله)

مسیر جادهٔ فعلی ایلام با گلان و مهران از جمله مسیرهای مواصلاتی فلات مرکزی با بخش مرکزی بین‌النهرین بوده است (محمودیان، ۱۳۷۷: ۱۱۴). شرایط جغرافیایی، منابع آب، وجود آثار متعدد و نزدیکی راه به سمت بدره و زرباطیهٔ عراق می‌تواند از دلایل وجود این راه باستانی باشد. فریا استارک در سفرنامه خود نیز به این راه قدیمی اشاره نموده است و از شهر بغداد، از طریق شهرهای شرقی عراق به شهر مهران آمده و از مهران به دیگر نواحی محدوده استان ایلام مسافرت نموده است. استین در مورد

27 - Higdaneh

28 - Sarnay

29 - shino

30 - Badrah

راه‌های غرب ایران اطلاعات مناسبی ارائه داده است، وی در سفر خود پس از دزفول، لرستان غربی و شمالی را مورد بازدید قرار داده است و به راه‌های منطقه اشاره نموده است. در قرون متأخر والیان حاکم بر ایلام و لرستان، همراه مردم کوچ نشین در فصل زمستان، از منطقه ییلاقی ایلام به نواحی گرمسیری واقع در مناطق مرزی با کشور عراق (حاشیه رودخانه کنجان چم، گلان، امیرآباد، مهران و بدره عراق) کوچ می‌کردند. جابه جایی فصلی ساکنان ایلام (امله) در دوره حکومت والیان رواج داشته است. این مسیر به مناطق بدره و باغ سای (باغ شاهی) که انتهای مسیر کوچ زمستانه بوده ختم می‌شد. (محمودیان، ۱۳۹۵: ۱۵۳).

ایل راه ایلام به گل گل و ارکواز ملکشاهی

این راه ارتباطی از ایلام در جهت شمال غربی - جنوب شرقی از مسیر ایلام به صیمره امتداد یافته، سپس در منطقه میش خاص در امتداد رودخانه گل گل متمایل به جنوب شده؛ و در محل فعلی روستای گل گل از کنار سنگ نوشته آشوری منسوب به آشوربانی پال می‌گذرد؛ و با فاصله ده کیلومتر به شهر ارکواز مرکز شهرستان ملکشاهی می‌رسد. از ارکواز راه‌هایی منشعب می‌شوند که از طریق گنبد امام زاده پیر محمد به سمت نواحی مرز مهران و در نهایت به سمت بین‌النهرین امتداد می‌یابند.

ایل راه ایلام به چرداول و سیروان

صعب‌العبور بودن نواحی کوهستانی استان ایلام، ایجاد راه ارتباطی را در این منطقه از زاگرس با مشکل رو به رو کرده است. بنابراین، بهترین مسیرها برای ایجاد و توسعه راه‌ها همان مسیرهایی است که در گذشته‌های دور مورد استفاده ساکنان این منطقه قرار گرفته است. علاوه بر راه ارتباطی ایلام به سیروان، نواحی «طولاو» (روستای فعلی طولاب در دره میش خاص) و مسیر کوهستانی «مله‌گون» را در مسیر خود دارد.

راه دیگری ایلام را به نواحی شرقی و شمال شرقی ایلام از طریق کوه گچان و گردنه «قوجعلی» به ناحیه کوهستانی «هیانان» متصل می‌کند. این راه از محلی به نام «گاوه ره»^{۳۱} (راهی مالرو) عبور می‌کند. کوه مانشت مشرف به این راه ارتباطی است. این جاده سپس به منطقه چرداول وصل می‌شود و از طریق قلعه هره قلوس با منطقه طرحان ارتباط می‌یابد. راولینسون در سفرنامه خود به این جاده باستانی اشاره دارد و نوشته است: «این راه از ارتفاعات امتداد یافته و پس از گذشتن از گردنه‌ای صعب العبور به طرف دشت کارزان و سپس در امتداد رودخانه به سوی زنگوان سرازیر می‌شود»

مسیر مهران و شاهراه باستانی

ارفعی در همایش میراث‌های تمدنی استان ایلام در رابطه با باستان‌شناسی منطقه مطالبی بیان داشته است. او گفته است: آگاهی ما از باستان‌شناسی ایلام متأسفانه بسیار کم است و هنوز خیلی از جاهای باستانی که انتظار داریم (بین‌النهرین و شوش پایتخت ایلام) از این منطقه می‌گذرد، برای ما ناشناخته است. در دوران تاریخی جاده شاهی یا شاهراه که به سارد پایتخت لیدی در غرب آسیای صغیر وصل می‌شد، به احتمال خیلی زیاد از مهران می‌رفته؛ چون مسیر دیگری نداشته است. به نظر می‌رسد نزدیک‌ترین مسیر آنجا بوده است. ما در دوران‌های تاریخی راه‌هایی که از بین‌النهرین به ایران می‌آمدند، را می‌شناسم یا از دوره‌های نیمه اسطوره‌ای و نیمه تاریخی مثل پادشاهان سومر یا لشکرکشی‌ها یا تجارت‌های آنان به ایران آگاهی داریم؛ اما دوره واقعی تاریخی ما از حدود ۲۳۳۴ قبل از میلاد (هم زمان با سارگون اکدی) شروع می‌شود. در نوشته‌های سارگون اکدی با وجود گزارش نسبتاً کاملی از لشکرکشی‌ها، مسیر سفر نشان داده

۳۰- گاوه ره، واژه‌ای است که برای راه‌های کوچ رو مورد استفاده قرار گرفته است. احتمالاً به راه‌های اربابه رو نیز اطلاق می‌شده است.

نشده است؛ اما وقتی که پی گیری می کنیم و جلو می آئیم، می بینیم که دو راه بیشتر نداریم که از بین النهرین به مناطق ایران منتهی شوند:

۱. از طریق سرپل ذهاب و قصر شیرین به طرف قسمت های شمالی؛

۲. از طریق بدره به مهران و از مهران تا شوش.

تمام لشکرکشی های پادشاهان آشور و همچنین، ارتباط تجاری که در دوره اور سوم، قبل از آن و بعد از آن وجود داشته و کلونی های تجار ایلامی در بین النهرین ارتباط تنگاتنگی با این منطقه نشان می دهند. متأسفانه چون آگاهی ما کم است و از نظر باستان شناختی به آن صورت قانع نشده ایم و نتوانسته ایم منزلگاه ها و مسیر حقیقی شان را به درستی تشخیص دهیم. البته، اواخر سلسله سیماشکی دومین سلسله پادشاهان ایلامی به روایت تاریخ، پیوند بسیار تنگاتنگی با کرانه های دیاله داشته ایم. از این طریق نیروهای ایلامی به اتفاق نیروهای اشونایی بین سال های دوهزار و ۱۸۰۰ قبل از میلاد ارتباط خانوادگی برقرار کرده اند و در حمله هایی که به قسمت جنوبی منطقه بین النهرین می کنند با هم متفق می شوند و به یاری همدیگر می روند و یکی از دختران پادشاه به نام اشوننا دختر اکومی زن ایل قمر پادشاه ایلام می شود و این نقطه عطفی است که در تاریخ ایلام و بین النهرین داریم و تأثیر آن را حدود چند صد سال بعد در نامه ای دیگر می بینیم. زمانی که پادشاهی سوپرمخاش شروع شد، بی درنگ بعد از آن سلسله پادشاهی سیماشکی ها، از پادشاهان ایلام به همراه پادشاهان سرزمین رود دیاله - که از اینجا دور نیست - حتی تا نواحی بالیخ و خبورواماری در کنار رود فرات - الآن در سوریه است - با استفاده از شهرهای شمالی بین النهرین پیش رفت. همچنین، از قسمت جزیره - قسمت آشور - این جریان همچنان ادامه می یابد (ارفعی، ۱۳۸۹: ۲۵).

جاده باستانی مهرا ن - بدره - دهلران

ارفعی در این همایش همچنین گفته است: ما کلونی‌های بازرگانی ایلامی را در شهرهای بین‌النهرین - تقریباً در ادامه راه مهرا ن به بدره - می‌بینیم و در کنیه‌های بدست-آمده، به آنها اشاره شده است. در چند صد سال بعد باز می‌بینیم که شوشیناک پادشاه بزرگ ایلام، پدر و برادرش (شتروک ناهونته و کوتر ناهونته) که به بین‌النهرین هجوم برده‌اند، از راهی که از شوش می‌آید به طرف دهلران، بعد مهرا ن و بدره و سپس، شهرهای شمالی قسمت جنوبی بین‌النهرین - که حدود بردار هستند - مانند سی‌پر و بابل... لشکرکشی کرده‌اند. در ضمن، ازدواج بگومی با پادشاه ایلام در تاریخ ایلام و بین‌النهرین نقش مهمی داشته است. در نامه‌ای که از شتروک ناهونته پیدا شده و در موزه برلین موجود است، پادشاه ایلام ادعای پادشاهی بر بین‌النهرین را داشته است؛ زیرا تعداد زیادی از ملکه‌های ایلامی از بین‌النهرین بوده‌اند. {خانم نکومی هم گفته: ما با واسطه مادری، متعلق به سلسله‌های پادشاهی بین‌النهرین هستیم} خواه ناخواه آنها از پادشاه ایلام سرباز خواسته‌اند که به حمله بسیار شدید شتروک ناهونته به شهرهای شمالی بین‌النهرین منجر شده است. می‌بینیم تمام آثاری که شتروک ناهونته از بین‌النهرین همراه خود آورده، متعلق به شهرهای شمالی بین‌النهرین هستند. در حمله بعدی - که پسرش کوتیرناهونته به جنوب بین‌النهرین کرده، آثار معروفی مثل ستون حمورابی در سی‌پر یا استیل پیروزی نارام‌سین و مجسمه‌های دیگر مانند پیکره خداوند را از اور به بین‌النهرین آورده است.

پیشینه مطالعات باستان شناسی

مطالعات باستان شناسی در سرزمین دیوالا (محدوده شهرستان ایلام) تا سال ۱۳۸۰ به صورت نامنظم و موردی صورت پذیرفته است. در این سال میراث فرهنگی استان

طرح مستند سازی آثار باستانی حوزه شمالی استان را به مرحله اجرا درآورده است، بررسی گزارش‌ها نشان می‌دهد با انجام این طرح حدود پنجاه اثر شناسایی و مستند سازی شده و در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است، (محمودیان، ۱۳۸۰: ۴).

در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ محدوده دشت میان کوهی دیوالا (ایلام فعلی) مورد بررسی و شناسایی قرار گرفت و هیأت باستان شناسی میراث فرهنگی استان موفق شد تعدادی از گورستان‌ها و استقرارهای دوران پیش از تاریخ را تا دوره آهن در این منطقه شناسایی نماید. (ملک احمدی، ۱۳۸۱) برخی از آثار به صورت تصادفی مورد بازدید و بررسی باستان شناسان داخلی و خارجی قرار گرفته است. اما متأسفانه گزارشی رسمی از آن‌ها در دست نیست. با این وجود، در قالب مقالات منتشره از سوی هیأت‌های خارجی اطلاعات پراکنده‌ای در مورد برخی از آثار حومه ایلام به دست آمده است. پروفسور لویی واندنبرگ رئیس هیأت باستان شناسی بلژیکی، گورستان‌های پاکل، چنارباشی و برخی دیگر از آثار را در محدوده حومه ایلام حفاری کرده است. این هیأت گورستان‌های بردبال و پاکل را متعلق به عصر آهن به عصر آهن می‌داند و آثار مکشوفه در این گورها را اواخر این دوره (۹۰۰ - ۱۱۰۰ ق-م) تاریخ گذاری کرده است (سکایا، ۱۳۸۳: ۳۵). البته، باستان شناسان دیگری چون دمرگان، هرتسفلد (۱۹۲۸) اریک اشمیت (۱۹۳۸-۱۹۳۴) در دره‌ی سیمره و رومشگان و استین (۱۹۳۶-۱۹۳۵) در دره‌ی سیمره فعالیت داشته‌اند.

هیأت باستان شناسی دانمارکی به سرپرستی پورگن ملدگارد در سال‌های (۱۹۶۳-۱۹۶۴) در منطقه پشتکوه لرستان به ویژه در دره هلیلان فعالیت‌های حفاری و کاوش باستان شناسی داشته است (سکایا، ۱۳۸۳: ۳۳). یانا مدود سکایا مدیر بخش مطالعات شرق باستان آکادمی سن پترزبورگ روسیه، در کتاب خود در مورد گورستان‌های

بردبال و پاگل اطلاعات مناسبی ارائه داده است. او به کشف ۷۲ گور در بردبال متعلق به سه دوره (آهن ۱، ۲، و ۳) اشاره نموده است. در محدوده مورد مطالعه ۷۶ اثر باستانی شامل: گورستان‌ها، محوطه‌ها، تپه‌ها و دیگر آثار و ابنیه کشف گردید. بیش تر این آثار برای اولین بار مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته‌اند.

کاوش‌های باستان‌شناسی در سرزمین دیوالا

منطقه «چوار» از توابع شهرستان ایلام یکی از مناطق مهم عصر برنز است و در شمال غربی و غرب ایلام واقع شده است. واندنبرگ به عنوان سرپرست هیأت باستان‌شناسی ایران و بلژیک، تعداد زیادی از گورستان‌های این منطقه را مورد حفاری و کاوش قرار داده است. این گورستان‌ها عبارت‌اند از:

- گورستان «چم ژیه مومه»^{۳۲} در سال ۱۹۷۴-۱۹۷۵ کاوش گردیده است. تعداد گورهای حفاری شده هفتاد و دو مورد بوده است.
- گورستان «چم سول» چوار^{۳۳} نیز در محدوده چم ژیه واقع شده و هم‌زمان با چم ژیه، سه گور از این گورستان حفاری شده است.
- در روستای «آوه‌زا»^{۳۴} دو گورستان به نام‌های «کیکمه» و «بان بان» در سال ۱۹۶۷ حفاری شده است. تعداد گورهای کاوش شده در گورستان «بان بان» سه مورد گزارش شده است.
- گورستان‌های «کال نِسار» روستای چگا از توابع چوار، در سال ۱۹۶۸ مورد کاوش قرار گرفته است. در گورستان A، یازده گور؛ B، دو گور؛ C، هجده گور؛ و در

27-Chamezhiyāy Muma

28-Cham-e Sawl

30-âwazâ

گورستان D شش گور مورد کاوش قرار گرفته است. گاه‌نگاری شناسه‌های فرهنگی منطقه ۲۷۰۰ تا ۲۴۰۰ ق. م را نشان می‌دهد (محمودیان، ۱۳۹۱: ۷۳).

- گورستان «بان ساول» چوار در ناحیه‌ی «میر» نیز از جمله گورستان‌های عصر برنز می‌باشد که در سال ۱۹۷۴ به وسیله‌ی هیأت بلژیکی مورد حفاری قرار گرفته است.

- گورستان «خیل‌راه» چوار در روستای امام‌زاده حاجی بختیار نیز در سال ۱۹۶۷ مورد کاوش قرار گرفته است. هیأت باستان‌شناسی در این مکان، سه گور را حفاری کرده است.

- در روستای «چنان» چوار، گورستان‌های «بان پلنگ» و «تاتو ل بان» در سال ۱۹۶۷ مورد حفاری قرار گرفته‌اند. در بان پلنگ، ۲ گور مورد کاوش قرار گرفت.

- گورستان «جوب گوهر» چوار در سال ۱۹۷۷ مورد پژوهش و حفاری قرار گرفته، و شصت و شش گور در آن کاوش شده است.

- در گورستان «گُل‌خَنان مُرده»^{۳۵}ی چوار، هیأت بلژیکی - ایرانی موفق شدند، هشتادگور را مورد کاوش قرار دهند.

- گورستان «بان قلعه» واقع در روستای داربید چوار نیز در سال ۱۹۷۴ مورد حفاری قرار گرفته است. در جریان این کاوش، سه گور کشف شده است.

- گورستان کاو منجل؛ «منجل»، در ناحیه کوهستانی «منجل» از توابع چوار، متعلق به عصر برنز می‌باشد. در این گورستان بزرگ، ده‌ها گور حفاری شده است. در مناطق دیگر شهرستان ایلام مکان‌های باستانی دیگری مورد کاوش قرار گرفته که به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود.

- گورستان‌های روستای جعفرآباد میش خاص؛

۳۲-GolKhanân Morde/ GolKhanân merdeg

- چاه کوچک؛

- چاه بزرگ متعلق به عصر برنز.

- گورستان بردبال چنارباشی که در سال ۱۹۷۰ مورد حفاری واقع شده، و متعلق به ۱۲۵۰ تا ۱۳۰۰ ق. م می‌باشد. گاه‌نگاری این گورستان، دوران فرهنگی برنز و آهن را نشان می‌دهد. بردبال در فاصله ۵۴ کیلومتری جنوب شرقی ایلام واقع شده، و در سال ۱۹۶۹ مورد پژوهش واندنبرگ و هیات همراه قرار گرفته است. تعداد گورهای مکشوفه هفتاد قبر می‌باشند. معماری گورهای مکشوفه به صورت گودالی، زنبیلی‌شکل، و در مواردی از تخته‌سنگ‌های تراشیده استفاده شده است. گورهای کودکان، معمولاً در محدوده‌ای کوچک و با بهره‌گیری از چهار تخته‌سنگ در چهارطرف، و یک تخته‌سنگ روی قبر ساخته شده است. بخش عمده‌ای از آثار مکشوفه از گورستان بردبال، ظروف سفالینه شامل: آبخوری‌ها، لیوان، ماست‌خوری، فنجان‌های دسته‌دار، ظروف بلند پایه‌دار، ظروف نوک‌لوله‌ای و انواع جام‌ها از جمله سفالینه‌های گورستان بردبال بوده‌اند. اشیای فلزی از جنس برنز و آهن و یا ترکیبی از این دو فلز شامل خنجر، چاقو، پیکان، تبرزین، تیزکن و سر گوزن بخش دیگری از اشیای کشف شده از گورستان بردبال بوده است؛ اما زینت‌آلات مکشوفه شامل گوشواره، انگشتری، دستبند، خلخال، میل، سوزن، دوک، مجسمه‌های کوچک مذهبی و حلقه‌های مربوط به بستن مو همراه مردگان دفن شده‌اند (طلایی، ۲۸: ۱۳۷۴).

گاه‌نگاری آثار، این منطقه را از دوران فرهنگی برنز و آهن نشان می‌دهد.

- گورستان پاکل که در سال ۱۹۷۰ حفاری شده و متعلق به عصر برنز می‌باشد.

در منطقه ایلام گورستان‌های متعددی وجود داشته که متأسفانه به وسیله حفاران غیر مجاز حفاری شده‌اند یا در گذشته در محدوده توسعه شهر قرار گرفته‌اند. برخی از این محوطه‌ها عبارتند از:

- گورستان درگ بازی که در حال حاضر در حوزه توسعه شهر قرار گرفته است؛
- گورستان سراب ایلام که امروز بخش شمالی شهر ایلام را تشکیل می‌دهد؛
- گورستان «صی می» که در محدوده پیرامونی بقعه المهدی بالله، خلیفه عباسی بوده است (منطبق بر ضلع جنوب غربی پارک کودک ایلام)؛
- گورستان نام‌دنانان، واقع در دشت میان کوهی ایلام؛
- گورستان باخه‌نام واقع در روستای چالسرای ایلام؛
- گورستان هفت چشمه واقع در روستای هفت چشمه ایلام؛
- گورستان چگاتیکاشان، واقع در روستای هفت چشمه ایلام؛ این اثر تاریخی چند فصل مورد کاوش باستان شناسی قرار گرفته است. گاه نگاری شواهد و شناسه‌ها، این مکان را متعلق به دوران پیش از تاریخ تا دوران تاریخی معرفی می‌نماید.
- گورستان چالیمار واقع در بخش غربی شهر ایلام؛
- گورستان آسنگران (آهنگران)، واقع در بخش غربی بلوار مدرس ایلام، (محل فعلی درمانگاه تأمین اجتماعی)؛
- گورستان شاهی جان واقع در دامنه‌های کوهستان شمال ایلام؛
- گورستان میل، واقع در محدوده تپه میل روستای چالسرای ایلام؛
- گورستان سر سیون، واقع در منطقه بان گنجاب (بانہ جو) ایلام، واقع در بخش شمالی شهر ایلام (منطقه مسکونی شهر ایلام).

محوطه‌های متعدّد دیگری در منطقه وجود دارد که می‌تواند در شناسایی عصر مفرغ و آهن و تحولات فرهنگی منطقه دیوالا راه‌گشا باشد.

مقبره سی می (سید مهدی) المهدی بالله در شهر ردین (ایلام فعلی)

المهدی بالله (سی می - سیدمهدی) سومین خلیفه عباسی در سال ۱۶۹ هجری به قصد سفر به نواحی شرقی فلات ایران از مسیر جاده‌ها و ایل راه‌های باستانی منطقه خاوران به شهر رذ یا ردین (ایلام امروزی) آمده است. بر اساس متون تاریخی، وی در دشت میانکوهی ایلام که از مناطق ییلاقی شرق بین‌النهرین بوده در هنگام شکار با اسبش به دلایلی به زمین می‌افتد و جان خود را از دست می‌دهد. براساس منابع تاریخی المهدی بالله در ایلام و در مکان فعلی پارک کودک مدفون شده و بعدها به دستور هارون الرشید (پنجمین خلیفه عباسی و فرزند وی) برایش مقبره‌ای ساخته شد. این مقبره تا حوالی سال‌های ۱۳۵۴ پابرجا بوده و به تدریج بر اثر فرسایش و کم‌توجهی به مرمت آن در حدود سال‌های ۵۴-۵۵ تخریب شده و در توسعه شهر ایلام آثارش محو می‌گردد. آنچه نویسندگان مختلف در مورد موقعیت ایلام گزارش کرده‌اند بیشتر به جریان وفات المهدی خلیفه و محل دفن او اختصاص یافته است. سید صفر رجیبی به نقل از مسعودی محل درگذشت مهدی را در ولایت ماسبندان و در مکانی به نام «ردین» نوشته است. همچنین موضع درگذشت او را «رد» و «راق» متذکر شده است.



منبع: کتاب فرهنگ و تمدن ایلام

رجبی در ادامه مقاله خود می نویسد: «اصولاً هیچ یک از قدما قبر مهدی را در اریوجان نشان نداده اند، بلکه رأی ایشان بر محلی مشابه رد و براو چون ردین، رد، الرد-الرد و راق استوار است که... همه این نامها نشانگر یک موضع واحد است.» (همان مقاله: ۵۷۰). آنچه خود مشاهده کرده ام بنا به صورت چهارطاقی و از مصالح سنگ و گچ ایجاد شده بود و حدوداً ۱۰ متر ارتفاع داشته است. حمید ایزدپناه نوشته است: برخی نویسندگان مانند یعقوبی، ابودلف، مینورسکی و یاقوت در منابع خود به ایلام اشاره داشته اند و در مجمل التواریخ و القصص تاریخ گزیده و حب السیر نیز در این مورد سخن به میان آمده است (ایزدپناه، ۱۳۶۳: ۵۰۸-۵۰۲).



منبع: سایت: ilamtoday

قلعه‌والی (قلای مالیه)

قلعه‌معروف به قلای مالیه در دوره قاجاریه نزدیکی چشمه بی بی بر روی تپه‌ای تاریخی به نام چقا میرگ در شهر ایلام بنا گردیده است. این بنا در سال ۱۳۲۶ه. ق به دستور غلامرضا خان والی (ابوقداره) برای مقر حکومتی خود ساخته شده است. قلعه مذکور دارای سه ورودی در سه ضلع که ورودی اصلی به شیوه هشتی منظم با طاق و دور چین آجری است. سقف کلیه اتاقها از ملات گچ و آجر است. در آنها از انواع واقسام قوس‌های باربر و غیر باربر (تزیینی) به شیوه رومی استفاده شده است و اطراف آنها را با شکستگی و برجسته نمودن آجرها و همراه با کاشی‌های ریز رنگی، تزیین کرده اند. قلعه دارای اتاق‌های زیر زمین است. با توجه به وجود شومینه و معماری خاص زیرزمین‌ها، احتمالاً از آن به عنوان محل استراحت در بهار و تابستان و گاه نیز به عنوان زندان و شکنجه گاه استفاده می شده است. اتاق شاه نشین دارای پنجره بزرگ چوبی، گچبری‌های زیبا با نقوش گل و گیاه و نیز حوض سنگی کوچک است

(پیر آمیه، ۱۳۷۲). بیشتر اتاق به وسیله هنرمندان ایرانی آئینه کاری شده بود که در جریان جنگ تحمیلی متأسفانه تخریب گردید. در بازسازی بنا آئینه کاری آن حذف گردید. در بخشی از اتاق ها هنوز نمونه ی آئینه کاری ملاحظه می شود. شیشه های رنگی پنجره ها ضمن زیبایی ظاهری برای دفع حشرات نیز مورد استفاده قرار گرفته است.



تصاویری از قلعه‌والی ایلام

کاخ فلاحتی (کشاورزی)

این مجموعه در خیابان آیت‌الله حیدری و در محله شادآباد ایلام که از محلات قدیمی ایلام محسوب می گردد از دوره قاجار و اوایل سلسله پهلوی برجای مانده است. کاخ فلاحتی در بخش مرکزی یک باغ منظم ایرانی ساخته شده و یک رشته قنات تأمین کننده ی این باغ ایرانی است. در گذشته این مجموعه دارای خیابان‌ها و راهرو های منظم بود و گونه‌های درختانی که با اقلیم این منطقه هم خوانی داشته در ردیف‌های منظم و قطعات باغ به چشم می خورد. متأسفانه در سال های اخیر با احداث ساختمان جهاد کشاورزی و تأسیسات مربوطه این باغ ارزشمند ایرانی موقعیت تاریخی خود را از دست داده است. در سال ۱۳۹۰ با محصور کردن عمارت مرکزی و تبدیل آن به موزه کشاورزی اقداماتی در جهت بازسازی و حفظ این میراث تاریخی صورت گرفته است. این کاخ بنا به دستور غلامرضا خان والی پشتکوه در سال ۱۳۲۶ ه.ق

احداث گردیده است. سابقاً فضایی که کاخ در آن قرار گرفته کاملاً باز و باغ های میوه اطراف آن زیبایی خاص به آن بخشیده بود.



عمارت فلاحتی (باغ ایرانی فلاحتی)

قلعه ژاندارمیری

این بنا در گذشته در ضلع جنوبی میدان ۲۲ بهمن ایلام از دوره قاجاریه برجای مانده بود. بنا به عنوان مقر نظامی شهر ایلام از مصالح سنگ و گچ در دو طبقه ساخته شده بود. متأسفانه این اثر تاریخی که به عنوان یک دژ نظامی در بخش مرکزی شهر ایلام خود نمایی می کرد، در جریان ساخت وسازه های جدید شهر ایلام در سال های اخیر کاملاً تخریب گردید.



قلعه علیقلی خان ابوقداره

این بنا از معدود ساختمان‌های مسکونی متعلق به دوره حکومت والیان در شهر ایلام بوده که متأسفانه جز نامی، آثاری از آن برجای نمانده است. این بنا در بخش غربی بلوار جنوبی ایلام و در مکان فعلی دبیرستان پروین اعتصامی ایلام ایجاد شده بود. به گفته معمرین این بنا در دو طبقه و با مصالح سنگ و خشت ساخته شده و تا دهه پنجاه هجری شمسی پا برجا بوده است. یکی از چشمه‌های پر آب دشت میانکوهی ایلام در این محدوده جاری بوده است.

قلعه ودژ اسماعیل خان

موقعیت: دژ و باروی معروف به قلای اسماعیل خان بر بلندی‌های انبار آب (امارو) که مشرف به شهر ایلام ساخته شده است. در شرق این دژ و بارو قله ۳۰۷۵ متری مانشت، در شمال آن دره دالو و ایلام قرار دارد. بلندی‌هایی که این دژ بر روی آن ساخته شده، پوشیده از جنگل پر بلوط و گونه‌های جنگلی ون و ارجن (ارژن) و پوشش مرتعی است. چشمه دائمی انبار آب که در جبهه شمالی جریان دارد تنها منبع تأمین کننده آب ساکنان قلعه بوده است.

توپوگرافی: ناحیه‌ای که این اثر بر روی آن ایجاد شده کاملاً کوهستانی است و از سه جهت صخره‌ای و سخت‌گذر است و فقط جبهه جنوب شرقی مسیر ارتباطی قلعه بوده است. ناحیه کوهستانی سیوان در بخش شرقی قرار دارد که ادامه منطقه کوهستانی انبار آب می‌باشد (محمودیان، ۱۳۸۳).

مشخصات اثر: از مجموع بناها و استحکامات قلعه اسماعیل خان آثاری از برج‌ها و دژ عظیم آن در خط‌الرأس شمالی - جنوبی ارتفاعات معروف به انبار آب باقی مانده است و جهت دیوار شمالی - جنوبی است. دژ از صخره و پرتگاه جبهه جنوبی شروع شده و

در مسیر قله کوه انبار آب به سمت کوهستان سیوان امتداد دارد. عرض دیوار در بخش جنوبی دو متر، در بخش میانی ۱/۵ متر و ارتفاع متوسط دیوار دژ حدود چهار متر اندازه گیری شده است. طول دژ عظیم اسماعیل خان که از مصالح سنگ و ملات گچ مصالح نیم کوب و نیم پخت (برای استحکام بیشتر) بوده است حدود ۷۰۰ متر می باشد. سنگ ها تقریباً با تراش اندک جور شده و در ردیف های منظم بکار رفته است. بخش داخلی اتاق نگهبانی با گچ اندود شده است. با توجه به شرایط کوهستانی منطقه و امکان کنترل جبهه جنوب شرقی دارای سه برج نسبتاً بزرگ دیده بانی و نگهبانی است. برج اول در بخش جنوبی و به فاصله ۲۰ متری پرتگاه صخره ای ایجاد شده که بخشی از دیوار جبهه شمالی آن به ارتفاع ۵ متر هنوز پا بر جاست. این بنا به صورت دایره ای است و دارای دو تاقچه در قسمت باقی مانده بنا است. در شرق بنا دریچه ای مثلث شکل مشاهده شده است که قاعده آن به داخل و رأس آن به سمت خارج بنا است و برای دید و کنترل محوطه پیرامونی مورد استفاده قرار گرفته است. مطمئناً در بخش های دیگر بنا نمونه این دریچه ها وجود داشته است که در حال حاضر به دلیل تخریب دیوارها آثار آن از بین رفته است. برج دوم نیز با سبک معماری برج اول همخوانی دارد. ارتفاع دیوار بخش شرقی این برج حدود پنج متر اندازه گیری شده است. برج سوم در بخش صخره ای جبهه شمالی دژ پس از گذر از برج سوم تا قله ارتفاعات بخش شمال شرقی ادامه می یابد و به صخره کوهستانی منتهی می شود. این دژ مهم و استراتژیک معابر را پوشش داده و در بخش هایی که دارای صخره های نفوذ ناپذیر است، دیوار ادامه نیافته و موانع طبیعی جایگزین شده است.

کاربرد: این دژ از نوع دژهای استراتژیکی کوهستانی می باشد و با دژ طولانی و مستحکم خرمنه چرداول همخوانی دارد. با توجه به موقعیت بنا و برج و باروهای آن

مشخص می‌شود که این بنا یک برج و باروی کاملاً دفاعی بوده است و از نظر سبک معماری با این بنای تاریخی قابل مقایسه است. ملاحظه بنای دژ، استحکامات دوره اسماعیلیه را در ذهن متجلی می‌سازد. از بنای قلعه در محدوده داخلی دژ اثری بر جای نمانده است؛ اما تکه‌های سفال قرمز، خشن با شاموت گیاهی و هم چنین تکه‌های گچ بکار رفته در بنا در محدوده شمالی دژ دیده می‌شود که به نظر می‌رسد استحکامات محدوده در نزدیکی چشمه انبار آب وجود داشته است که در حال حاضر اثری از آنها دیده نمی‌شود. سفال نسبت به دیوار قدمت بیشتری را نشان می‌دهد. اهالی ایلام قلعه را منسوب به عصر حاکمیت الیان لرستان و پشتکوه می‌دانند، اما بررسی شواهد فرهنگی سطح محوطه بنا، قدمت بیشتری را نشان می‌دهد. به هر حال، اظهار نظر در مورد تاریخ بنا و موقعیت تاریخی آن بستگی به انجام پژوهش‌های باستان‌شناسی دارد.



استحکامات قلعه اسماعیل خان

ورودی قلعه در ضلع غربی قرار دارد. شیب دیوارهای این قلعه در قسمت غربی بسیار تند و قطر برجک‌های دیده‌بانی اطراف بنا، سه متر است سطح داخلی دیوارها با استفاده از ملاط گچ اندود شده و پلان دیوار به صورت مدور است. این اثر در سال

۱۳۹۰ به شماره ۳۰۳۲۶ در مجموعه آثار ملی به ثبت رسیده است (آرشیو میراث فرهنگی استان ایلام).



دژ و باروی معروف به قلای اسماعیل خان

قلعه توت

این محوطه در بخش جنوبی روستای بانقلان در دشت میانکوهی دیوالا واقع شده است. در بررسی سطح تپه تکه‌های سفالینه و یک نمونه ابزار سنگی به دست آمده است. بیشتر سفال‌های به دست آمده از سطح این مکان‌ها بدون لعاب بوده و بیشتر دارای پوشش گلی نخودی و آجری رنگ هستند. برخی از سفال‌ها تزئینات افزوده دور کمر یا روی شانه ظرف دارند. در سطح تپه و در گوشه‌ی جنوب شرقی آن توده قلوه سنگ به ارتفاع حدود یک متر دیده می‌شود. به احتمال زیاد این سنگ‌ها بقایای معماری بناهای سطح تپه هستند که در ساخت دیوارها و غیره به کار رفته‌اند (محمودیان، ۱۳۸۱: ۹۴).



قلعه توت ۳۶



تپه میل

این تپه در حاشیه رودخانه چالسرا و محدوده روستای چالسرا واقع شده است. مساحت آن ۷۰۰ متر مربع اندازه گیری شده است. گاهنگاری اولیه سفالینه‌های سطحی تپه نشان از استقرار در این منطقه از دوران تاریخی دارد. ارتفاع تپه میل از سطح زمین‌های اطراف هشت متر است. تپه مذکور در سال ۱۳۹۱ جهت تعیین حریم ولایه نگاری مورد کاوش هیأت باستان شناسی سازمان میراث فرهنگی قرار گرفته است. به نظر می‌رسد لایه‌های زیرین این اثر بنای مقدسی (احتمالاً معبد) بوده باشد.



کاوش در تپه میل چالسرا

آسیاب‌های آبی گریان و خندان

در حاشیه رودخانه دشت میان کوهی ایلام که سرچشمه آن در محدوده سراب عطش (در محل پارک ملت فعلی ایلام) واقع بود تا دره گراو (روستای مهدی آباد) آثاری از آسیاب‌های آبی دیده می‌شود. برخی از معمرین تعداد آسیاب‌ها را هفده مورد ذکر کرده‌اند. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد آثار متعددی از این گونه سازه‌ها در محدوده استان ایلام از دوران گذشته بر جای مانده است که تا کنون به صورت جدی مورد کاوش قرار نگرفته‌اند. آسیاب‌های قباد، کاظم بگ، تنوره‌خان، کلای، چگاوزمه، یوسف، قباد بگ، باوی گمار از دیگر آسیاب‌های تاریخی ایلام به شمار می‌آیند.

چهار تاقی قجر (آتشگاه چنگیه)

این بنا در بخش مرکزی روستای قجر از توابع بخش مرکزی ایلام واقع شده است. ارتفاع مکان بنا ۱۴۸۷ متر از سطح دریا محاسبه شده است. اندازه و ابعاد پایه‌های چهار تاقی که بیش از یک متر آن هنوز باقی مانده است کاملاً یکی هستند. فاصله پایه‌ها

دقیقاً مساوی و ۳/۵ متر محاسبه شده است؛ اما فاصله بین گوشه‌های قائم الزاویه داخلی ۴/۵ متر می‌باشد. ابعاد هر پایه ۲/۲۰×۲/۹۰ بوده و ارتفاع بنای باقی مانده حدود ۱/۵۰ اندازه گیری شده است. مصالح بنا سنگ کلوخ و گچ می‌باشد که به نظر می‌رسد از گچ نیم کوب و پر قدرت ساخته شده است. پوشش داخلی با گچ اندود شده است. آثار پی بنا در محوطه بیرونی به چشم می‌خورد؛ هر چند بافت خانه‌های روستایی ایجاد شده موجب تخریب و برهم زدگی اثر شده است. پروفسور واندنبرگ این اثر را به نام آتشکده چنگیه معرفی نموده است. نمای بخشی از این بنا در گزارش هیأت بلژیکی نمایان است.



چهار تاقی قجر (آتشگاه چنگیه)

این قسمت امروزه تقریباً تخریب شده است. بنا متعلق به عصر ساسانی است؛ زیرا مصالح و سبک بنا با بناهای دوره ساسانی هم خوانی دارد (محمودیان، ۱۳۸۴: ۳۲). بقایای معماری قلعه سورگه: این محوطه در مسیر گردنه قلندر ایلام به سمت محدوده سورگه از دوران تاریخی احتمالاً دوره ماد برجای مانده است. به نظرمی رسد این مکان دارای بنایی احتمالاً (قلعه) بوده باشد.



تصویری از بقایای معماری تپه سورگه

پناهگاه سنگی دره ارغوان: این پناهگاه در محدوده ورودی دره ارغوان از دوران سنگ بر جای مانده است. وجود ریزتیغه‌های سنگی به رنگ قهوه‌ای نشان می‌دهد که این مکان از استقرارگاه‌های عصر میان سنگی است.



پناه گاه سنگی دره ارغوان

نقش برجسته‌ها و کتیبه‌ها

سنگ نوشته‌ها و نقش برجسته‌ها ی زیادی در شهرستان ایلام از دوران باستان تا دوران اخیر بر جای مانده است. این آثار، اسناد بسیار مهم و ارزشمندی هستند که نمایانگر تاریخ و فرهنگ منطقه است. برخی از این آثار عبارتند از:

سنگ نوشته حسین قلی خان والی: این سنگ نوشته متعلق به حسین قلی خان والی منطقه ایلام و پشتکوه است که در سال ۱۲۹۳ ه.ق به یادگار گذاشته و متن آن درباره ساختن قلعه و باغ حسین آباد و حسینیه است. سنگ نوشته مذکور در بخش ورودی شمال شهر ایلام و در بلندی‌های مشرف پارک آزادی برجای مانده است. ابعاد آن حدود ۲۶۰ سانتی‌متر ارتفاع و ۳۲۰ سانتی‌متر عرض و سه متر می‌باشد.

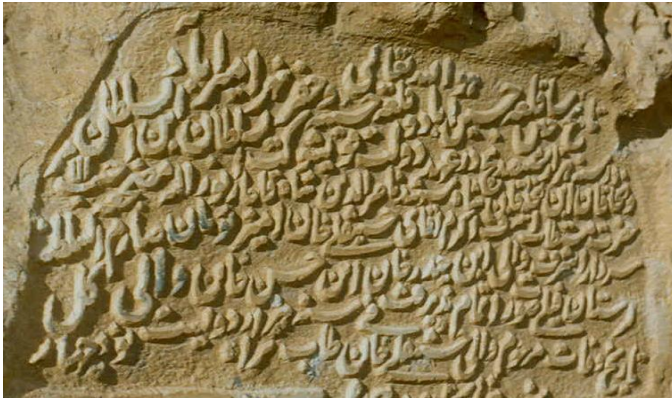
سنگ نوشته غلامرضاخان: این سنگ نوشته در مدخل ورودی قلعه والی از این دوره برجای مانده است. غلامرضاخان بعد از اتمام ساخت قلعه دستور حکاکی این سنگ نوشته را داده است. بنا به گفته کارشناسان میراث فرهنگی ایلام این سنگ نوشته ۱۸۰ سانتی متر طول، ۳۴ سانتی متر عرض و ۱۴ سانتی متر قطر دارد و با خط زیبای نستعلیق برجسته در هفده سطر منظم و مجزا از یکدیگر حجاری شده است.



سنگ نوشته غلامرضاخان

سنگ نوشته قوچعلی: این کتیبه در شهرستان ایلام قرار گرفته و ارتفاع آن از سطح زمین حدود ۴/۵ متر است. متن این سنگ نوشته به ابعاد ۴۰ در ۷۵ سانتی‌متر و به شکل

دوزنقه نگارش و حکاکی شده است. ابتدا قسمتی از سطح را به عمق حدود یک سانتی متر صاف کرده آنگاه قسمتی از پایین در حدود ۱۵ در ۷۵ سانتی متر را رها ساخته و بقیه را به عمق چهار سانتی متر تراش داده و همراه آن متن کتیبه را به صورت برجسته و با خط نستعلیق زیبایی اجرا کرده‌اند که به علت دسترسی نداشتن بان تا کنون سالم باقی مانده است. این کتیبه به دستور غلامرضاخان والی و به پاس احترام به پدرش (حسین قلی خان متوفی سال ۱۳۱۸ ه.ق) ساخته است.



سنگ نوشته قوچلی

نقش برجسته میش خاص: این نقش برجسته در شمال شرق روستای زردآلو آباد میش خاص از توابع شهرستان ایلام واقع شده است. نقش برجسته بر روی صخره ای آهنکی ایجاد شده و ارتفاع محل نقش با سطح زمین در حدود ۸ متر است. یک کادر هلالی شکل دور تا دور این نقش را مشخص کرده است. کارشناسان میراث فرهنگی استان ایلام مشخصات این سنگ نگاره را این گونه معرفی نموده‌اند. در این نقش شخصی به حالت ایستاده رو به سمت چپ و به صورت برجسته حجاری شده است. این شخص لباسی به تن دارد که تا روی قوزک پا کشیده شده است. کلاه وی به صورت

مخروطی شکل است. موهای سر، بلند و بر روی شانه قرار دارند و ریش مجعد مستطیل شکلی دارد. بر روی کمر این شخص تبری نمایش داده شده است. دست چپ وی بالاتر از دست راست قرار دارد. در دست راست عصا و در دست دیگر شیئی دیده می‌شود. پاهای این شخص نیز به صورت یکی در جلو و دیگری در عقب از بغل تصویر شده‌اند. در پشت سر این شخص نمادهایی شامل ستاره‌ی هشت پر، گوی‌های هفت گانه و هلال ماه مشاهده می‌شود (آرشیو میراث فرهنگی ایلام).



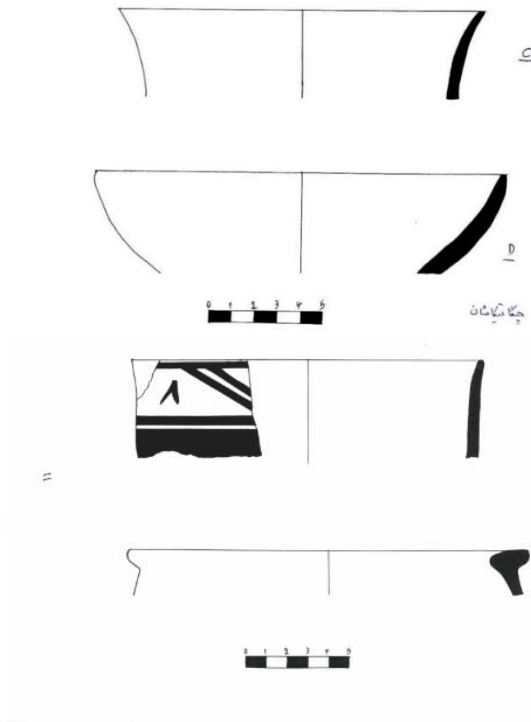
نقش برجسته زردآلو آباد

چگانیکاشان هفت چشمه: این تپه در فاصله یک و نیم کیلومتری روستای هفت چشمه واقع در غرب شهر ایلام و در میان زمین‌های کشاورزی روستای مذکور قرار دارد. این اثر فرهنگی - تاریخی از شمال به روستای هفت چشمه، از جنوب به تپه فرهنگی - تاریخی چگا جانیه و زمین‌های کشاورزی محدود می‌گردد. تپه فرهنگی - تاریخی تیکاشان با احتساب حریم تقریبی آن حدود پنج هکتار مساحت دارد. میانگین ارتفاع آن از غرب سیزده متر از جنوب پنج متر و از شمال چهار متر و از شرق سه متر

می‌باشد. طول و عرض تپه در خط الرأس (سطح تپه) آن ۱۸×۲۹ متر است. مواد فرهنگی به دست آمده شامل: چند قطعه از سفال‌های خشن و معمولی با خمیرهای قرمز و تمپرشن همراه با دانه‌های سفید و در برخی موارد ماسه بوده که در فرم‌های لبه برگشته به طرف بیرون پهن و نازک، لبه‌های صاف و دسته‌های ساده عمودی پهن شانه و قسمتی از بدنه به دست آمد. بیشتر این سفال‌ها چرخ ساز و دارای پختی نسبتاً کافی بوده که چند تکه سفال آشپزخانه‌ای نیز در بین آن‌ها دیده می‌شود. علاوه بر آن، تعداد سه قطعه سفال در فرم لبه صاف و برگشته به طرف بیرون و بدنه صاف کشیده با خمیره نخودی متمایل به سبز و شاموت ماسه، منقوش به نوارهای پهن و باریک افقی بر روی لبه و شانه ظرف به رنگ‌های قرمز (سفال کوهستان) و سیاه خالص دوران پیش از تاریخ به دست آمد. تعداد دو قطعه تراشه و پرت سنگ چخماق دیگر از ابزارهای سنگی جدا شده به دست آمده است که به دلیل پوشش نامناسب منطقه در این فصل به دست آمدن دیگر مقدور نبود. بنابراین، این تپه فرهنگی - تاریخی احتمالاً دارای یک دوره‌ی نوسنگی پیش از تاریخ بوده که به دلیل وفور سفال‌های دوران تاریخی، احتمالاً این مکان را متعلق به دوران تاریخی دانسته‌اند. حفاری و کاوش در این تپه از سال ۱۳۸۲ آغاز شده و تا کنون هیأت باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام چهار فصل عملیات حفاری به سرپرستی خسرو پور بخشنده در این تپه انجام داده است. در لایه‌ی بالا آثار معماری متعلق به دوران اسلامی و در عمق ۱/۱۰ سانتی متر آثاری از سفالینه متعلق به دوران تاریخی به دست آمده است. گاه نگاری شواهد سطحی و برخی اشیاء به دست آمده نشان می‌دهد که این مکان در عصر برنز دارای استقرار بوده است.



تپه تیکاشان هفت چشمه Tikashan



(تیکاشان)

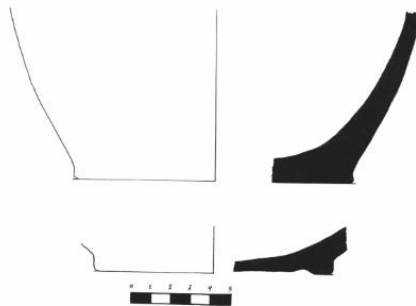
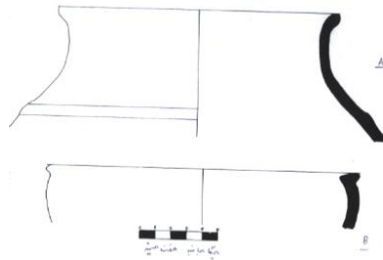
چگانه هفت چشمه: این تپه در فاصله تقریبی ۱/۵ کیلومتری جنوب روستای هفت چشمه در نزدیکی تپه فرهنگی - تاریخی تیکاشان به فاصله حدود ۲۲۰ متری آن واقع

شده است. مساحت این تپه فرهنگی به احتساب حریم تقریبی آن حدود سه هکتار است که طول آن در انتهایی ترین نقطه تپه در جهت شرق ۵۵ متر و در جهت شمال ۵۰ متر و میانگین ارتفاع آن ده متر می باشد.



سفال‌های به دست آمده شامل: سفال‌های خشن و گاه معمولی با خمیرهای قرمز و تمپرشن همراه با دانه‌های سفید و در برخی موارد ماسه بوده که در فرم‌های لبه برگشته به طرف بیرون، لبه‌های صاف، دسته‌های عمودی، آبریزهای لوله‌ای، شانه کشیده و بدنه‌های محدب و کشیده و بلند و کف‌های صاف از انواع سفال‌های بدون لعاب می باشد. بر روی این سفال‌ها پوشش گلی نخودی زده شده است. این سفال‌ها دو نوع ساده و منقوش هستند. منقوش آن نوارهای عمودی افزوده- خطوط کنده نواری افقی و خطوط کنده و متقاطع دارد. این سفال‌ها چرخ ساز و دارای پختی کامل هستند.

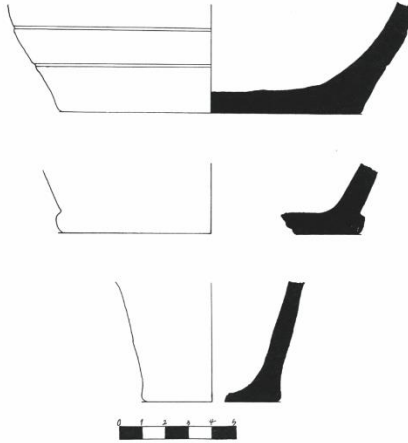
سفال‌های لعاب دار خمیرهای نخودی و قرمز با تمپر ماسه دارند که لعاب آنها از نوع لعاب‌های آبی فیروزه‌ای رنگ زایل شونده در داخل و گاه بیرون ظرف که فاقد استحکامی باشند. علاوه بر آن، تعدادی سفال از نوع سفال‌های نقاشی زیر لعاب و زیر پوشش شفاف از زمینه‌هایی به رنگ سبز و سفید به دست آمده است. تعداد دو قطعه زایده سنگی مربوط به ابزارهای سنگی از جنس چخماق به صورت اتفاقی نیز جمع آوری گردیده است. در سطح تپه فرهنگی - تاریخی قلوه سنگ‌های زیادی به دست آمده که با مشاهده دقیق ساختار تپه آثار داغ دیوارهای سنگی کاملاً مشهود می‌باشد. تپه فرهنگی - تاریخی چغا جانیه احتمالاً مربوط به دوران تاریخی (پارت و ساسانی) بوده است، هر چند احتمال دارد مربوط به دوران پیشین به ویژه عصر برنز تا آهن باشد.



چغا جانیه

محوطه فرهنگی - تاریخی باخه نام: این محوطه و تپه باستانی در بخش جنوبی دشت ایلام و حد فاصل شهر و روستای چالسرا واقع شده است. مساحت محوطه فرهنگی - تاریخی حدود پنج هکتار است. طول آن ۵۰۰ متر و عرض آن در حدود ۱۰۰ متر با ارتفاع نسبی چهار متر در مرتفع ترین قسمت آن می باشد. مکان باستانی مذکور شامل: یک محوطه نسبتاً وسیع بدون ساخت و ساز است که با توجه به عدم وجود آثار غیر منقول در سطح آن مواد فرهنگی شامل: سفال به وفور یافت می شود. این محوطه به احتمال زیاد از نوع استقرارهای ثابت کنار رودخانه‌ای بوده است و با تپه‌ی میل واقع در جنوب محوطه‌ی مذکور به علت نزدیکی مسافت در ارتباط بوده است. البته، ساخت و سازهای جدید محوطه‌ها را از هم جدا نموده است. یک سری جوش‌های کوره مواد فرهنگی سطح تپه را تشکیل داده که وفور آن در سطح محوطه نشان از وجود کوره‌های سفال پزی دارد. تعداد زیادی سفال با خمیره‌ی قرمز و تمپر شن و با پخت کافی و چرخ ساز در دو نوع ساده و منقوش به نوارهای افزوده افقی دور کمر و نوارهای افزوده موجی دور کمر با نقوش فشرده طنابی و انگشتی بر روی آن با پوشش گلی نخودی و در فرملبه برگشته به طرف بیرون و لبه‌های صاف و بدنه کشیده و بلند به دست آمده است. تعدادی سفال با خمیره‌های قرمز و شاموت ماسه با لعاب آبی و سبز فیروزه‌ای به صورت تک رنگ زایل شونده و فاقد استحکام در فرم بدنه و کف صاف نیز پیدا شده است. علاوه بر آن، تعدادی سفال در فرم صاف و قسمتی از بدنه با پوشش لعاب سبز فیروزه‌ای و نقاشی زیر لعاب با رنگ سیاه در کف داخلی، همچنین یک قطعه‌ی کوچک از یک ظرف سفالی از نوع نقاشی زیر لعاب به رنگ سبز بر روی اسلیپ و زیر پوشش شفاف کاملاً از بین رفته نیز به دست آمده است. نقش این تکه سفال به صورت خط کوفی در داخل ظرف قرار دارد و به صورت نامشخص

می باشد. با توجه به مواد فرهنگی به دست آمده احتمالاً استقرار در این محل مربوط به دوران تاریخی بوده باشد. از طرفی احتمال می رود این مواد مربوط به عصر برنز تا آهن باشند.



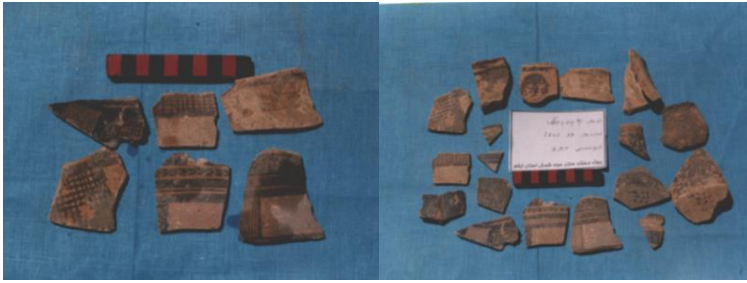
شهر باستانی باخه نام

تپه چلاب ویلنگ: این تپه در منطقه عمومی (چالاو= چاله های آب) و در ضلع شمالی جاده آسفالته ایلام- شیروان قدیم قرار دارد. تپه دارای ارتفاعی کله قندی مانند است که از دامنه جنوبی کوه گچان منفک شده و قسمت فوقانی به صورت مدور و دارای مساحت قاعده ای در حدود ۳۰۰ متر مربع می باشد. در سطح تپه و دامنه های اطراف آن

آثار فرهنگی با ارزش و بسیار متنوعی دیده می‌شود. ریز تیغه، تکه‌های سنگ مادر، سنگ‌های زاید، ابزارهای سنگی، هاون سنگی، قطعات محدود استخوان از جمله شناسه‌های این مکان باستانی است. از مواد گیاهی، شن و ماسه نرم برای شاموت سفال‌ها استفاده شده است. سفال‌ها چرخ ساز می‌باشند و پخت آن‌ها کافی است و در برخی موارد به علت حرارت بسیار بالا برخی از نمونه سفال تغییر شکل داده‌اند. خمیر سفال‌ها به رنگ‌های آجری، آجری متمایل به قهوه‌ای، نخودی و تعداد محدودی نیز خاکستری محلی می‌باشد.

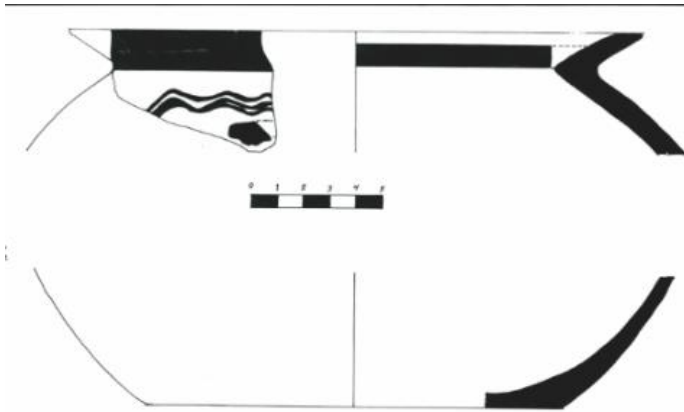
برخی از نمونه سفال‌ها دارای پوشش گلی نخودی رنگ هستند. بسیاری از نمونه سفال‌های این تپه با استفاده از رنگ قهوه‌ای یا مشکی تزئین شده‌اند. نقوش به اشکال: هندسی، کبوترهای استرلیزه شده، مشبک، تسمه‌ای، موجی، نقطه چین و غیره بر روی بدنه و به ویژه لبه و گاهی داخل لبه سفالینه‌ها به چشم می‌خورد. سفال‌ها عموماً پایه تخت، بدنه محدب، لبه صاف و گاهی کمی به بیرون برگشته می‌باشند.



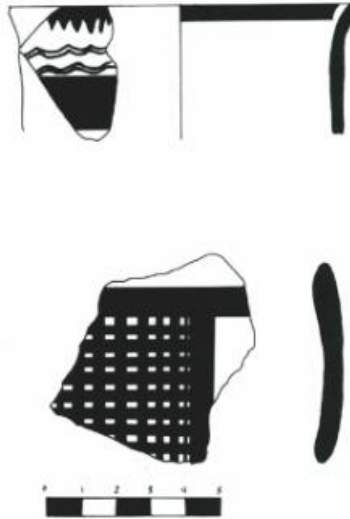


تپه چالاب ویلنگ^{۳۷}

عمده‌ترین ویژگی‌های این تپه وجود قطعات فراوان جوش کوره و تکه سفال‌هایی که به دلیل حرارت زیاد از شکل افتاده‌اند، می‌باشد که نشان می‌دهد ساکنان این محل خود با ایجاد کوره‌های سفال‌پزی به تولید سفال پرداخته‌اند. شواهد و دلایل موجود نشان می‌دهد که این تپه در دوران مختلف دارای استقرار بوده است. چالاب ویلنگ از استقرارهای عصر مفرغ می‌باشد.



^{۳۷} - Chalab - E - Vilang



محوطه چالاب ویلنگ

چوار دروازه غربی دیوالا

موقعیت: شهرستان چوار با مرکزیت شهر چوار، در بخش غربی استان ایلام واقع شده است. این شهرستان دارای دو بخش مرکزی، بولی و نیز یک شهر ۸ دهستان است. چوار در بخش کوهستانی استان قرار گرفته است. کوه‌های چوار عبارتند از: رنو (بین ایوان و چوار)، سیاه کوه در جنوب شهر چوار، قلعه‌ی مانشت، شش کلان و بانکول مهم‌ترین ارتفاعات شرق چوار را تشکیل می‌دهند که به دلیل پوشش جنگلی مناسب و زیستگاه و حوش، برای حفظ و احیای منابع طبیعی آن مورد حفاظت واقع شده است (محمودیان، ۱۳۸۵: ۹). کوه‌های متعدد دیگری در محدوده جغرافیایی چوار، منطقه را به صورت ناحیه‌ای کوهستانی در آورده و تا نواحی پست مرزی با کشور عراق امتداد

دارند. چوار به دلیل کوهستانی بودن از اقلیم معتدل کوهستانی برخوردار است؛ نواحی غربی این شهرستان دارای آب و هوای گرم می‌باشد. درختان جنگلی بلوط و بنه بخش عمده‌ای از این محدوده جغرافیایی را پوشش داده است. مهم‌ترین اثر تاریخ طبیعی این منطقه درختان سرو ۳۸۵۰ ساله روستای بان سرو می‌باشد. رویشگاه، در دامنه جنوبی ۵۰ متر و دامنه غربی ۸۰ متر از سطح زمین‌های پیرامونی ارتفاع دارد. در این محوطه زیبا تعداد ۱۸ درخت سرو که سنسال از دوران باستان بر جای مانده است. البته، تک درخت که سنسال دیگری با فاصله حدود ۳۰۰ متر در محدوده بافت روستای بان سول ملاحظه می‌شود. راه باستانی (هوله ره) در دشت ایوان از طریق ارتفاعات شره زول به «خیله ره» در روستای بان سرو است که پس از عبور از «شرفه ره» در بخش روستای حاج بختیار، در نهایت به سمت نواحی گرمسیری و غرب زاگرس به سمت بین‌النهرین امتداد می‌یابد. این نکته قابل ذکر است که واژه‌های: «هوله ره» و «خیله ره» به معنای راه‌های کوچ رو می‌باشند.

ملکشاهی: بخش شرقی دیوالا

موقعیت: شهرستان ملکشاهی در جنوب شهرستان ایلام و غرب رشته کبیرکوه واقع شده و از جمله مناطق تابعه سرزمین دیوالا محسوب می‌شده است. مرکز این شهرستان قلعه دره می‌باشد که از بهم پیوستن چند روستا، شهری کوچک بنیاد شده است. ملکشاهی در سال ۱۳۹۱ به شهرستان تبدیل شد. مساحت شهرستان ملکشاهی ۱۷۳۹ کیلومتر مربع است. مناطق شهری این شهرستان عبارتند از: ارکواز، مهر و دلگشا. این شهرستان بین کوه پشمین و کبیرکوه قرار گرفته است. آب و هوای معتدل، آثار و ابنیه تاریخی و جاذبه‌های زیبای طبیعی مختلف باعث شده این منطقه به عنوان یکی از

قطب‌های گردشگری استان تبدیل شود. رشته کوه (کوور) یا کبیر کوه در بخش شمالی شهرستان امتداد دارد.



ناهمواری های ملکشاهی

منابع آب: از رودخانه‌های مهم شهرستان می‌توان رودخانه گل‌گل را نام برد که از دامنه غربی کبیر کوه سرچشمه گرفته است. رودخانه گل‌گل تأمین کننده آب سد ایلام می‌باشد. این رودخانه از دره معروف ویزدرون گذشته و سپس وارد دشت‌های گلان و امیر آباد مهران می‌شود. بر روی این رودخانه در شهرستان مهران دوسد انحرافی گلان و کنجان چم ایجاد شده است. بقایای یک بند انحرافی برای تأمین آب دشت گلان و امیر آباد از طریق قنات باستانی گلان در این منطقه مشاهده می‌شود. رود گاوی که در شهرستان مهران جاری است از مناطق کوهستانی ملکشاهی سرچشمه گرفته و سرانجام در نواحی مرزی از کشور خارج می‌شود

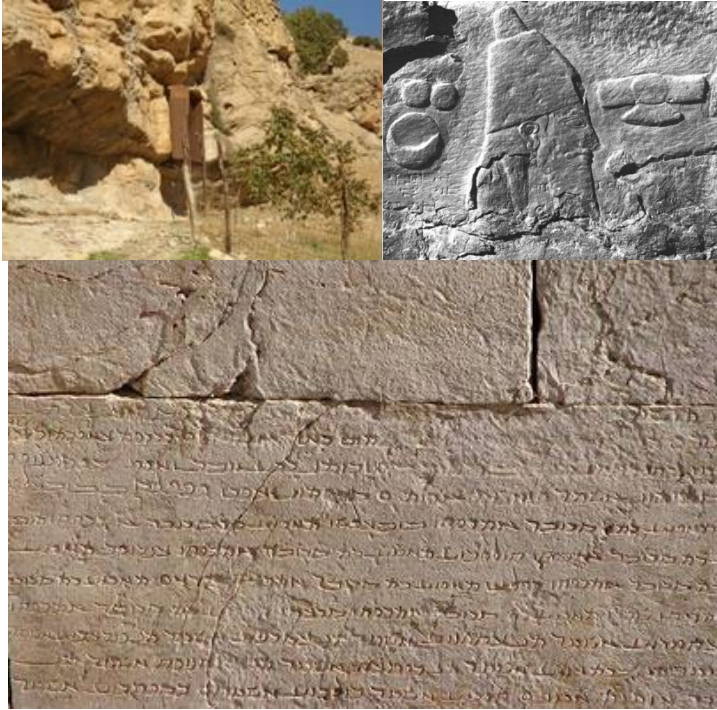
پیشینه تاریخی

آثار متعددی از تمدن و فرهنگ دیرینه در مناطق این شهرستان برجای مانده که نشان دهنده استمرار استقرار جمعیت در دوران مختلف تاریخی است. راه‌ها و معابر باستانی،

قلاع تاریخی، چها تاقی ها و ده ها محوطه و ابنیه ی باستانی بخشی از این آثار به شمار می روند که در سطح شهرستان مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته اند. برخی از این آثار چون: سنگ نوشته آشوری در حاشیه رود گل گل و محوطه باستانی کان گنبد در تاریخ تحولات باستان شناسی استان و کشور از موقعیت مهمی برخوردارند.

سنگ نوشته آشوری گل گل

سنگ نوشته ای از دوران آشوری در روستای گل گل شهرستان ملکشاهی از توابع استان ایلام قرار دارد. این سنگ نیشته بر روی صخره ای در حاشیه غربی رودخانه گل-گل قرار دارد. بررسی های تاریخی نشان می دهد در سال ۶۴۵ پ.م آشوربانی پال ایلام را تسخیر می کند و این اثر باز گو کننده این رویداد تاریخی است. این محل در مسیر ایلام به شهرستان ملکشاهی قرار دارد. نوشته آشوری در سال ۱۹۷۳ توسط واندنبرگ ترجمه شده است. این سنگ نوشته به خط میخی و به زبان آشوری، و به ابعاد ۹۰ در ۱۳۵ سانتی متر به شکل مستطیل نقش شده و در وسط آن نقش پادشاه آشوری به صورت برجسته با شمشیر حمایل به ارتفاع ۱۳۵ سانتی متر قرار دارد. بررسی های باستان شناسی نشان می دهد تمامی سطح کتیبه پس از صاف کردن سطح آن به عمق ۳ سانتی متر و برجسته نشان دادن پیکره ی پادشاه با خطوط کنده کاری شده میخی پوشانده شده است. سطرها به وسیله ی یک خط افقی کنده از همدیگر متمایز شده اند. ارتفاع نقش برجسته از سطح زمین حدود ۲/۵ متر اندازه گیری شده است.



کتیبه آشوری در ملکشاهی ایلام دوره ایلام جدید

محوطه باستانی کان گنبد

قبرستان باستانی کان گنبد در جنوب غربی شهر ایلام و در مسیر جاده فرعی روستای ماربره به گل گل ملکشاهی واقع شده است. این قبرستان که در منطقه شمالی کوه نخجیر قرار گرفته، در سال ۱۳۶۵ توسط هیئت باستان شناسی سازمان میراث فرهنگی کشور به سرپرستی میرعابدین کابلی حفاری شده است. گورهای متعددی در گورستان کان گنبد در کارگاه های چهارگانه مورد حفاری هیئت قرار گرفته است. نتایج بررسی کاوش های باستان شناسان در محوطه این گورستان نشان می دهد که آثار آن به دوره تاریخی (۲۶۰۰-۲۵۰۰ ق.م) یا (۴۶۰۰-۴۵۰۰ ق.م) تعلق دارد. دو نوع

سفال، ساده و منقوش در گورستان کان گنبد ملاحظه شد. سفال های ساده عموماً قرمز رنگ و برخی سیاه یا تیره رنگ هستند. به نظر می‌رسد سفال‌ها دست ساز باشند. کاسه‌های کوچک، خمره‌ها و برخی ظروف دسته دار از جمله اشیای سفالی این محوطه را تشکیل داده‌اند. در گزارش هیئت باستان شناسی کان گنبد به یک مهره استوانه‌ای از نوعی سنگ مایل به رنگ سبز به ارتفاع ۲۲ و قطر ۹ میلی متر اشاره شده است. بر روی این مهره، نقش گاو با شاخ‌های برافراشته که در جلوی درختی ایستاده، حک شده است. هیئت باستان شناسی گورستان کان گنبد برای این محوطه قدمتی بین (۲۶۰۰-۲۵۰۰ ق.م) تخمین زده است. بیشتر اشیای کشف شده در گورستان کان-گنبد از نوع مفرغ می‌باشند. اشیایی چون خنجر، تیر اسکنه، قلاب، درفش، انگو و انگشترهای فلزی از جمله اشیای فلزی است که در این محوطه باستانی به دست آمده است (محمودیان، ۱۳۸۷: ۳۷).

آثار ایلامی کان گنبد: این مکان باستانی در استان ایلام واقع شده و بخشی از آثار آن متعلق به دوره ایلامیان است. این اثر توسط هیئت ایرانی (توحیدی - خلیلیان) حفاری و کاوش شده است.

مهران: بخش جنوبی دیوالا

موقعیت: شهرستان مهران در ساحل چپ رودخانه معروف کنجان چم بخش غربی استان ایلام و منطقه مرزی با کشور عراق واقع شده است. از شمال به شهرستان ایلام، از شرق به دهلران و از غرب و جنوب غربی به کشور عراق محدود می‌گردد. این شهر قبلاً منصور آباد نام داشته و در سال ۱۳۰۹ با تصویب فرهنگستان ایران به مهران تغییر نام یافته است. شهرستان مهران دارای دو بخش صالح آباد و مرکزی است. مهران به

دلیل نزدیکی به شهرهای مقدس عراق و عتبات عالیات از قرون اولیه اسلامی تا کنون مرز آمد و شد زائران و مریدان ائمه اطهار علیهم السلام بوده است.

محدوده جغرافیایی مهران در بخش غربی ناهمواری‌های زاگرس در استان ایلام واقع شده است. سلسله جبال حمزین در بخش غربی شهرستان مهران امتداد دارد. این رشته کوه ناهمواری‌های مرزی با کشور عراق را تشکیل داده و تا نواحی جنوب غربی استان امتداد دارد. ارتفاعات نخجیر مهم ترین کوه های غرب زاگرس است که به شهرستان مهران و سرزمین پست عراق اشراف دارد. مهران در بخش گرمسیری دیوالا واقع شده و به دلیل دوری از دریا دارای آب و هوای بری و متغیر است. میزان بارندگی در دشت مهران محدود بوده؛ بنابراین، از نظر کشت محصولات وابسته به سیستم آبیاری از منابع آبی است

کنجان چم: مهم ترین رودخانه دائمی این ناحیه کنجان چم می باشد که از دامنه های غربی کوهستان کبیرکوه (کوه های سیوان در جنوب ایلام) سرچشمه می گیرد و در گلوگاه ورودی دشت مهران به عنوان مرز طبیعی ایران و کشور عراق امتداد می یابد و در جهت جغرافیایی شمال شرقی به جنوب غربی پس از طی دوازده کیلومتر از خط مرزی ایران و عراق در نزدیکی مهران به رود گاوی می پیوندد. وجود این رودخانه در منطقه گرمسیری غرب ایران موجب شده در طول دوران استقرار، جایگاه و مامن قشلاق نشینان باشد. سرچشمه اصلی این رودخانه کوه های شلم و چنگیه، عالی بیگی و دیگر ارتفاعات هستند. طول این رود تا مرز ایران و عراق نود کیلومتر است.

گاوی: این رود از دامنه های غربی کبیرکوه سرچشمه می گیرد و شعبه های تشکیل دهنده آن عبارتند از: چشمه دره، بالشک، آب گلال میر محمد، مسیر رودخانه از شرق به غرب است و پس از عبور از آبادی رستم آباد مهران در

نقطه مرزی به رود کنجان چم می پیوندد و آب زراعتی دشت محسن آب (میه سناو) را تأمین می کند.

چنگوله: از آب بیوره در فاصله ۴۰ کیلومتری جنوب شرقی ایلام سرچشمه می گیرد و از شمال شرقی به جنوب غربی جریان می یابد. آب این رود کمی شور و گوگرد دار است. طول این رود از مبدأ تا مرز عراق ۸۴ کیلومتر است.

گدارخوش (ویارخوش): این رودخانه از ارتفاعات شمالی ایلام سرچشمه گرفته و پس از مشروب ساختن دشت میان کوهی ایلام از دره های کوهستانی جنوب غربی این شهر در محدوده روستای چم آب در مسیر شرق به غرب از مناطق شهرستان مهران جریان پیدا می کند. رودخانه مذکور در منطقه سرنی و میمک از مرزهای غربی گذشته و به سرزمین میان رودان وارد می شود.

صالح آباد: این منطقه در شمال غربی شهرستان مهران قرار دارد. از شمال به شهرستان ایلام، از غرب به مرز ایران و عراق محدود است. صالح آباد که در دشت هیژدانه قرار گرفته دارای آب و هوای گرمسیری است. راه باستانی مسیر جاده فعلی ایلام با گلان و مهران از جمله مسیرهای مواصلاتی فلات مرکزی با بخش مرکزی میان رودان بوده است (محمودیان، ۱۳۷۷: ۱۱۳). دشت هیژدانه در منطقه عمومی صالح آباد واقع شده است. هیژدانه دشت گرمسیری حاصلخیزی است که بیشتر به صورت دیم زیر کشت غلات می رود و شامل دشت های صالح آباد، ریکا، کلک و گلان می باشد. آثار و ابنیه تاریخی متعددی در این منطقه از سرزمین دیوالا واقع شده که مهمترین این آثار عبارتند از:

سنگ نوشته نخجیر بر روی نمای غربی تخته سنگی در دامنه غربی کوه نخجیر واقع در بخش صالح آباد که به دستور غلامرضا خان والی پشتکوه در سال ۱۳۲۷ ه. ق حجاری شده است.

محوطه باستانی گره چگا (گلم زرد) که در محدوده جغرافیایی (گلم زرد) میمک، در نوار مرزی ایران و کشور عراق واقع شده است. شواهد و شناسه های موجود بر روی اثر نشان می دهد که این اثر در دوران مخلف به ویژه در دوران پیش از تاریخ دارای استقرار بوده است. سفالینه منقوش با طرح های مختلف، تیغه های سنگی، ابزار سنگی شواهد مهم مطالعات باستان شناختی این محوطه باستانی است. این مکان در مسیر ایل راه های باستانی غرب ایران به سرزمین میان رودان واقع شده است.



محوطه باستانی گره چگا (گلم زرد) منطقه مرزی صالح آباد مهران



تیغه های سنگی محوطه باستانی گره چگا (گلم زرد) منطقه مرزی صالح آباد مهران



سفالینه محوطه باستانی گره چگا (گلم زرد) منطقه مرزی صالح آباد مهران

تپه باستانی باجگیر در فاصله پنج کیلومتری جاده فعلی روستای سرنی به تنگ تاریکه به سمت پاسگاه مرزی شینو در منطقه مرزی کلنجی سان شهرستان مهران واقع شده است. سفالینه، ابزار سنگی و آثار بنا مهم ترین شناسه های فرهنگی این مکان باستانی است. به نظر می رسد این مکان در عهد باستان کنترل کننده ارتباطات معبر دیوالا بوده است. این جاده نزدیک ترین مسیر به شهر بغداد (تیسفون) و از راه های ارتباطی عراق به سرزمین دیوالا محسوب می گردد.

تپه باستانی معروف به پاسگاه در جنب شمال غربی شهر صالح آباد واقع شده است. برشی که بر اثر حفاری غیر مجاز برای ایجاد سنگر در جهت شمال شرقی آن ایجاد شده و مشخص گردیده که لایه های مختلف آن تا کف رودخانه شامل دیوار خشکه چین با ملاط گل و در لایه برش امتداد دارد. محدوده این تپه باستانی با وجود تخریب شدید دارای آثار سفال، تیغه های سنگی، ابزارهای سنگی می باشد که تراکم سفال آن چشمگیر است. آثار متراکم سفال از نوع سفال های ظریف چرخ ساز، با رنگ های نخودی، سبز، خاکستری و با نقوش کنده، بندانگشتی و افزوده و نیز، پوشش گلی و ...

اهمیت تپه باستانی را نشان می‌دهد. لایه‌های خاکستر در برش جهت شمال شرقی و شرق تپه مشاهده می‌شود (محمودیان، ۱۳۸۲: ۱۸).



تپه پاسگاه صالح آباد مهران



سفالینه تپه پاسگاه صالح آباد مهران (۱۳۸۱)، نگارنده

چگا مشهدی صالح آباد در جنوب غربی شهر صالح آباد و ۵۰۰ متری حرم امامزاده علی صالح (ع) قرار دارد. استقرارهای باستانی بر روی بخش جنوبی تپه مشاهده می‌شود. بر روی بخش جنوبی اثر تخریب‌های بسیار زیادی ایجاد شده. ارتفاع بخشی که دارای استقرارهای باستانی می‌باشد حدود ۱۴ متر است که به خط الرأس تپه نمی‌رسد. آثار فرهنگی سطح تپه حجم زیادی از سفال‌های ایلامی، هزاره اول و دوم ق. م و دوره تاریخی است. در بعضی از قسمت‌های تپه آثار معماری به صورت پی و بسیار پراکنده مشاهده می‌شود. همه سفال‌های این تپه، معمولی و به رنگ نخودی هستند. غالب سفال‌ها بدون پوشش هستند. سفال‌های هزاره دوم و اول قبل از میلاد نیز غالباً دست

ساز، دارای بافت نسبتاً فشرده و مستحکم هستند. تمپر آن ها ماسه و شن و پخت غالب آن ها کافی است.



چگا مشهدی صالح آباد

آثار حوزه کنجان چم: در حاشیه این رودخانه در منطقه گلان آثار باستانی متعدد از دوران مختلف باقی مانده است. این آثار شامل: تپه‌های باستانی، قلاع تاریخی، قنات ها و محوطه‌های باستانی است. تمدن حوزه کنجان چم به عنوان منطقه حائل بین فلات مرکزی و میان رودان نقش ارتباطی مهمی در گذشته داشته است. بررسی شواهد فرهنگی تپه‌های گلان و چگا آهوان با تپه‌های باکسایا، بادرایا، تل عقرب، تل اسمر و ... و نیز، مقایسه و بررسی آنها می‌تواند اطلاعات مناسبی به دست دهد. محوطه‌های امیرآباد I, II, III، در پنج کیلومتری جنوب شرقی تپه‌های گلان واقع شده‌اند. هیئت باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی به سرپرستی دکتر حبیب اله محمودیان، محوطه‌های امیرآباد I, II, III را در سال ۱۳۸۱ شناسایی و جهت ثبت در فهرست آثار ملی مستند سازی نموده‌اند. مهم ترین شواهد فرهنگی برجای مانده پی بناها، تکه های سفال از نوع سفال های منقوش و ساده، تیغه‌های سنگی و نمونه سنگ آبسدین می‌باشد (محمودیان، ۱۳۸۲: ۳۱). پیتر کالمایر هم به برخی از آثار برنزی محدوده

ایلام اشاره نموده است (کالمایر، ۱۳۷۶: ۲۳۳). تل‌های باکسایا و بادریا در شهر بدره عراق در نزدیکی شهر مهران با تپه‌های سیدحسن A و B و چگاآهوان در دشت مهران و نیز، تپه گلان برحاشیه رود کنجان چم در این منطقه می‌تواند از جهاتی با هم قابل مقایسه باشند.



حفاری در چگا گلان



محوطه عمومی امیرآباد (فصل اول بررسی و شناسایی

آثار باستانی بخش مرکزی مهران، محمودیان: ۱۳۸۲)

قلعهٔ حسینیّه (کنجان چم): این قلعه در سال ۱۳۲۶ ه. ق. بنا به دستور غلامرضا خان ابوقداره آخرین والی ایلام ساخته شده و دارای اتاق‌های مرتبط بهم، حمام، برج نگهداری، قسمت مسکونی و دیوانخانه می‌باشد بررسی‌ها نشان می‌دهد این مکان به عنوان قلعهٔ زمستانی والی (هنگام کوچ امله دیولا به قشلاق مهران) مورد استفاده قرار گرفته است.



قلعهٔ کنجان چم

منابع و مآخذ

الف) فارسی

- احسانی، محمد تقی؛ (۱۳۶۸)، هفت هزار سال هنر فلز کاری در ایران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ارفعی، عبدالمجید؛ (۱۳۸۹)، سخنرانی در همایش میراث های تمدنی، ایلام.
- الاعرجی پشتکوهی، سید جعفر؛ (۱۳۷۷)، مناهل الضرب فی انساب العرب، محقق سید مهدی رجائی، قم: انتشارات حافظ.
- ایزدپناه، حمید؛ (۱۳۶۳)، آثار باستانی و تاریخی لرستان، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات آگاه.
- استارک، فریا؛ (۱۳۶۴)، سفرنامه الموت، لرستان و ایلام، ترجمه علی محمد ساکی، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- پیری، عبدالسلام؛ (۱۳۹۰)، سیمای منابع طبیعی و آبخیز داری استان ایلام.
- توحیدی، فائق و علی محمد خلیلیان؛ (۱۳۶۱)، «گزارش بررسی اشیای ارجان بهبهان» اثر، نشریه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران شماره ۷ و ۸ و ۹: (۲۲۲ و ۲۸۶).
- خلیلیان، علی محمد؛ (۱۳۷۹)، ایلام در گستره تاریخ، فصلنامه فرهنگ ایلام، شماره ۳ و ۴ (۶۲-۶۷).
- رجیبی، سید جعفر؛ (۱۳۶۸)، نگاهی به مقبره مهدی خلیفه عباسی، سال اول، شماره چهارم، تهران: فصلنامه ی مطالعات تاریخی.
- راولینسون، سرهنری؛ (۱۳۷۲)، سفرنامه راولینسون (گذرا از زهاب و خوزستان)، ترجمه سکندر امان اللهی بهاروند، تهران: انتشارات آگاه.
- ساکی، علی محمد؛ (۱۳۴۳)، جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان، چاپ اول، خرم آباد: کتاب فروشی محمدی.
- سکایا، مدود؛ (۱۳۸۳)، ایران در عصر آهن I، ترجمه علی اکبر وحدتی.
- سهرابی، محمد؛ (۱۳۷۶)، لرستان و تاریخ قوم کاسیت، خرم آباد: انتشارات افلاک.
- طلائی، حسن؛ (۱۳۷۴)، باستان شناسی و هنر ایران در هزاره ق. م، تهران: انتشارات سمت.
- علیزاده، عباس؛ (۱۳۸۰)، تئوری و عمل در باستان شناسی، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فهیمی، سید حمید؛ (۱۳۸۱)، فرهنگ عصر آهن در کرانه های جنوب غربی دریای خزر، سمیرا، تهران

- گبرشمن، رومن؛ (۱۳۷۲)، ایران از آغاز تا اسلام ترجمه محمد معین، چاپ دهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- گزارش فصل دوم؛ (۱۳۸۴)، بررسی و شناسایی آثار باستانی شهرستان ایلام، میراث فرهنگی ایلام.
- مالودان، م. ا. ل؛ (۱۳۷۲)، بین‌النهرین و ایران باستان، ترجمه رضا مستوفی، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمودیان، حبیب‌اله؛ (۱۳۸۲)، گزارش بررسی و مستند سازی آثار باستانی استان ایلام، میراث فرهنگی و گردشگری ایلام.
- _____؛ (۱۳۸۲)، گزارش شناسایی و مستند سازی آثار شهرستان مهران، میراث فرهنگی و گردشگری ایلام.
- _____؛ (۱۳۸۲)، گزارش فاز اول تعیین حریم تپه چگا آهوان مهران، میراث فرهنگی و گردشگری ایلام.
- _____؛ (۱۳۸۷)، بررسی و شناسایی باستان شناسی سیروان، میراث فرهنگی و گردشگری ایلام.
- _____؛ (۱۳۷۷)، گزارش شناسایی و مستند سازی آثار شهرستان سیروان، میراث فرهنگی و گردشگری ایلام.
- _____؛ (۱۳۷۷)، راه‌ها و معابر باستانی غرب زاگرس در دوران پارت و ساسانی، ایلام: انتشارات سبز رویش.
- _____؛ (۱۳۸۳)، آشنایی با جغرافیای استان ایلام، ایلام: انتشارات گویش.
- _____؛ (۱۳۸۳)، معرفی اجمالی قلعه‌های باستانی استان ایلام، ایلام: انتشارات گویش.
- _____؛ (۱۳۷۷)، بررسی آثار برنزی ایلام و لرستان در هزاره اول ق.م، ایلام: انتشارات سبز رویش.
- _____؛ (۱۳۸۰)، مقاله، ارتباط سیاسی و اقتصادی ایلام و بین‌النهرین، فصلنامه فرهنگ ایلام، شماره ۵ و ۶، بهار و تابستان.
- _____؛ (۱۳۹۰)، گزارش بررسی و شناسایی باستان شناسی شهرستان ایلام، حوزه چوار، میراث فرهنگی ایلام.
- _____؛ (۱۳۹۶)، فصلنامه مطالعات ایلام شناسی، ایلام: نشر زاگرو.
- ملک شهیرزادی، صادق؛ (۱۳۷۳)، مبانی باستان شناسی ایران، بین‌النهرین، مصر، جهاد دانشگاهی، تهران.
- _____؛ (۱۳۶۵)، جزوه درس باستان‌شناسی پیش از تاریخ ایران از آغاز تا پایان دوره استقرار در روستاها.

– ملک احمدی، نریمان (۱۳۸۱)، گزارش بررسی و شناسایی آثار بخش مرکزی ایلام، میراث فرهنگی استان ایلام

– موسوی، علی؛ (۱۳۷۳)، واندنبرگ باستان شناس بزرگ، مجله باستان شناسی و تاریخ، سال هشتم، شماره دوم .

– ملک شهمیرزادی، صادق؛ (۱۳۷۳)، مابنی باستان شناسی ایران، بین النهرین، مصر، جهاد دانشگاهی .

– نهجیری، عبدالحسین (۱۳۷۰). جغرافیای تاریخی شهرها، چاپ اول، انتشارات مدرسه، تهران .

– واندنبرگ، لویی، گزارش حفاری در بردبال و پاکل گراب .

– واندنبرگ، لویی؛ (۱۳۴۸)، باستان شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران .

– هینتس، والتر؛ (۱۳۷۱)، دنیای گمشده ایلام، ترجمه ف. فیروزنیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی .

– هول، فرانک؛ (۱۳۸۱)، باستان شناسی غرب ایران، ترجمه زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت .

– آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام. L

– وب سایت : mahmoodian.ir

– سامانه فصلنامه مطالعات ایلام شناسی ، ilamstudy.ir

(ب) انگلیسی

Vandenbergh. La Necropole da Bani Surmah. Dans Archeologia. n. 24. 1968 pp 64 – 66

Vandenbergh. La Necropole da Kallen Nisar dans Archeologia. n. 23. 1970 pp 64 – 66

L. Vanden Berghe. La necro pole De Mir khair Au pusht-I kuh, Luristan, 1970.

L. Vanden Berghe. Fouilles archeologiques Dans Le pusht- I kuh Luristan Revued, archeologie ETD, Art iraniens m Teheran M. 6. 1971.

نگاهی به کمان در دوره تاریخی با تاکید بر سه پیکان آهنی یافت شده در دشت میانکوهی آسمان آباد

دکتر علی نوراللهی^{۳۸}

چکیده: در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ سه عدد پیکان آهنی در شرق دشت میانکوهی آسمان آباد به صورت اتفاقی توسط نگارنده یافت شد که بررسی‌ها نشان می‌دهد متعلق به دوره اشکانی - ساسانی هستند. در این مقاله این سه داده از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته‌اند. با توجه به اینکه در دوره‌های مذکور ساختار کمان‌ها دچار دگرگونی اساسی شده، بر کارآیی و عملکرد آنها تأثیر داشته است. به طوری که این سلاح نقش عمده‌ای در نبرد، بزم و شکار آن دوران ایفا نموده است. در این مقاله تاریخچه، ساختار کمان‌های ایرانی، اهمیت، جایگاه و گاهنگاری و نتایج این داده‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: پارت، ساسانی، آسمان آباد، کمان، پیکان آهنی، شکار.

درآمد

تعمق در طبیعت صامت، مانند: جابه جایی سنگ‌ها برای برپاسازی «دهوار» و تعیین مرز قلمرو ایلی یا مراتع و زمین، بسیاری از رازهای ناگفته و ناشنیده را آشکار خواهد کرد. بنابراین، همواره تغییرات جزئی، یادآور تغییرات و فعالیت‌های مرده‌ای هستند که در زمان‌های دور در بستر طبیعت {یا بافت (کانتکس) بزرگ باستانشناسی} انجام شده و بازتاب آن به صورت اثر و چشم انداز ثابتی مانند یک نگاتیو عکس برای ما باقی مانده است. البته، در بسیاری موارد به دلیل این فعالیت تغییری در طبیعت رخ نمی‌دهد. اگر تغییری صورت گیرد، بسیار کوتاه مدت و اثر آن در اندک زمانی از میان خواهد رفت

^{۳۸} - عضو هیئت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه

و دوباره به حال اولیه باز می‌گردد. مثال آشکار در این مورد شکار است که باعث هیجان و فرار حیوانات و جانوران از تیررس شکارچیان و سواران و شکارچیان پیاده با چل جامه‌داران می‌شود. این رویکرد ممکن است از یک تا دو ساعت و حتی چند روز باعث هیجانی گذرا و غباری در طبیعت شود و با پایان آن، طبیعت و بستر آن روال خود را ادامه می‌دهند. تنها ممکن است ردپای شتابان سواران و شکار باقی بماند؛ ولی، رد و غبار آن با نسیمی به زودی فرو می‌نشیند. در این فعالیت ممکن است چیزی یا شیئی از انسان در طبیعت باقی بماند که به صورت داده، شاهدهی بر این فعالیت فراموش شده و غبار فرونشسته باشد. این منطقه و مناطق همجوار مورد توجه پادشاهان ساسانی و خلفا بوده که در وجود آثار باستانی و بناهای متعلق به این دوره و همچنین، متون تاریخی انعکاس یافته است. مسعودی، ضمن توصیف اقلیم چهارم (بابل) نوشته است: «این سرزمین [عراق امروزی] سرگل ایران شهر است که ملوک اقوام در راه آن جانفشانی‌ها کرده‌اند و از رای درست ییلاق [سردسیر - تابستان‌گاه] در جبال داشتند تا از سموم عراق و مگس و حشرات آن در امان باشند و قشلاق [گرمسیر - زمستان‌گاه] به عراق می‌کردند تا از سرمای جبل و برف و باران و گل فراوان آن آسوده باشند» (مسعودی، ۱۳۴۹: ۳۷-۳۸). مورخانی مثل یعقوبی نیز، از درگذشت المهدی در این منطقه خبر داده‌اند. وی نوشته است: مهدی یازده شب گذشته از محرم سال ۱۶۹ از بغداد رهسپار عراق عجم شد و در قریه‌ای بنام رذ از قرای ماسبذان فرود آمد و برای شکار بیرون رفت و تمام روزش را سرگرم تعقیب شکار بود و سگ‌ها به تعقیب آهوایی شتافتند و مهدی به دنبال آهو همچنان می‌تاخت تا اینکه آهو به درون ویرانه‌ای جست و سگ‌ها در پی او تاختند و اسب مهدی او را در پی آهو به درون کشید و در ویرانه او را صدمه زد و به سراپرده‌اش حمل گردید و هشت روز مانده از محرم سال

۱۶۹ در چهل و هشت سالگی درگذشت (یعقوبی، ج ۲؛ ۱۳۵۶: ۴۰۱). این نوشتار روایتی است از نگارنده دربارهٔ این اشیا (شامل: سه پیکان آهنی و پوکه یک فشنگ تفنگ ساچمه‌ای «پران») که در طبیعت رها شده بودند. بدیهی است می‌توان روایت‌های دیگری از این داده‌های خاموش نیز ارائه داد. نگارنده برای همهٔ روایت‌ها به اندازه روایتی که از این اشیا بی‌جان دارد، ارزش قائل است. بنابراین، در اینجا نگارنده سعی دارد روایت خود را که تا حدود زیادی ناشی از تحلیل یافته‌ها بر اساس مکان پیداشدن آنها است، ارائه نماید. بنابراین، به بررسی و توصیف بستر طبیعی آسمان-آباد (که همه فعالیت‌های انسانی از دوره‌های پارینه سنگی تا کنون در آن جریان داشته و دارد)، توصیف داده‌ها، تاریخچه کمان و بکارگیری آن، سپس، به بررسی یافته‌ها، تحلیل و گاهنگاری آنها پرداخته می‌شود.

آسمان آباد

در نواحی کوهستانی شمال و شمال شرق استان ایلام، دشت‌های محدود و کم وسعتی بین رشته کوه‌ها قرار دارند که یکی از آنها دشت میانکوهی آسمان آباد است (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان ایلام، ج ۱، ۱۳۸۵: شش). این بخش در منتهی‌الیه شمال غربی شهرستان چرداول واقع است. این دشت با وسعت ۳۷۰۰ هکتار به صورت یک دشت نسبتاً طویل و باریک در یک ناودیس زمین‌شناسی در جهت شمال غربی و جنوب شرقی شکل گرفته است. کلیه ریزش‌های جوی وارد رودخانه آسمان آباد - در دشت چرداول - وارد رودخانه چرداول شده و سپس، به رود بزرگ سیمره می‌ریزد. سنگ کف دشت را در غالب نقاط سنگ‌های سازند گچساران تشکیل می‌دهد که رخنمون آن به نحو آشکاری در حوالی روستاهای جانجان، کُل کُل آسمان آباد می‌توان مشاهده کرد. حداکثر ضخامت آبرفت دشت حدود ۵۵ الی ۶۰ متر پیش‌بینی می‌گردد. بافت

آبرفت معمولاً دانه‌ریز؛ ولی در حواشی رودخانه آسمان‌آباد یا ورودی مخروط افکنه به دشت دانه درشت است. حداکثر و حداقل عمق سطح آب‌زیرزمینی ۱۸ و ۲ متر گزارش شده است (برنامه و بودجه استان، ج ۱، ۱۳۶۹: ۹۵-۹۶). راولینسون که در سال ۱۸۱۵ م از این منطقه عبور کرده، در سفرنامه‌اش نوشته است: طول صحرای آسمان‌آباد حدود ۱۰ مایل و پهنای آن کمی بیشتر از ۴ مایل است و به کله‌های منصوری تعلق دارد. چون مقدار زمین‌های کشاورزی دشت ایوان بیشتر از نیاز کوچ نشینان است و جلگه آسمان‌آباد هم به خاطر ارتفاع زیاد چندان قابل کشت نیست. از این رو، این دشت در تابستان فقط به عنوان سردسیر مورد استفاده قرار می‌گیرد. از صحرای آسمان-آباد به چرداور (چرداول) دو جاده کشیده شده است. یکی در امتداد نهری کوچک (رودخانه آسمان‌آباد) این دو دشت را مشروب می‌سازد و دیگری از میان تپه‌های پردرخت می‌گذرد. جاده اولی بهتر و نزدیکتر است؛ اما من دومی را ترجیح دادم - امروز این راه از منطقه پشته «وامرز و میوله» می‌گذرد - زیرا می‌ترسیدم مبادا همراهان نتوانند پیش از تاریکی به چرداور برسند. در این صورت ماندن در این دره پردرخت بهتر بود تا آن دشت پربرف، پیش‌بینی من در این باره درست از آب درآمد. با تاریک شدن هوا من و چند نفر از سواران خود را به چرداور رساندیم؛ اما شب دیگران را فرا گرفت و ناگزیر در میان درختان توقف کردند، دشت‌های آسمان‌آباد و چرداور نواحی مرزی لرستان [ایلام امروزی] و کرمانشاه را تشکیل می‌دهند (Rawlinson, 1839:49) راولینسون ۱۳۶۲:۴۷).

ناهمواری‌ها

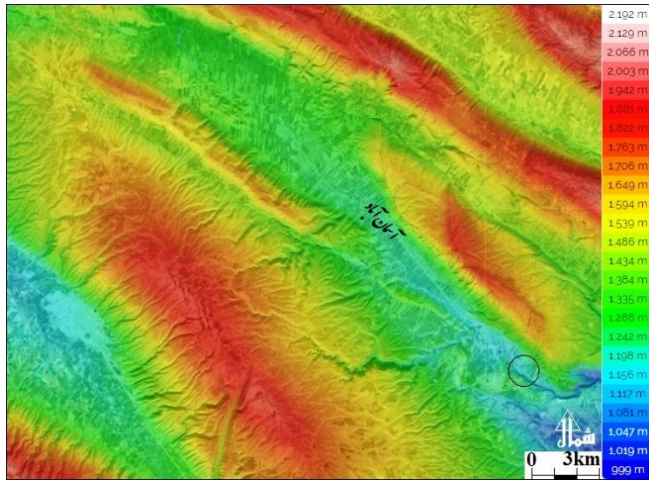
در قسمت شمالی و شمال غربی آسمان‌آباد کوه‌های پویان (Poan) و قلاجه و «کله‌جمن» در جهت شمال غربی به جنوب شرقی قرار دارند که به وسیله تنگ‌های «لول خشک» و «لول‌تر» از رشته کوه «خرمه» جدا می‌گردند. «کنه‌پیفک» رشته تقریباً کم ارتفاع دیگری است که در حاشیه جنوبی آسمان‌آباد واقع شده است و دشت کوچک آسمان‌آباد را از ناحیه مرتفع و جنگلی بانکول جدا می‌کند. ارتفاعات جنگلی بانکول که از درختان بلوط، زالزالک، پسته وحشی، انجیر و دیگر درختان جنگلی پوشیده است، در قسمت جنوبی آسمان‌آباد واقع شده و آن را از جلگه و دشت ایوان جدا می‌کند. در فصل بهار و تابستان عشایر منطقه آسمان‌آباد برای چرای دام‌ها و استفاده از مراتع این قسمت به کنار چشمه‌ها و چاه‌های آب بانکول کوچ می‌کنند (شکل ۱). رشته کوه مانشت در جنوب جلگه و دشت آسمان‌آباد و جنگل بلوط بانکول واقع شده و منطقه آسمان‌آباد را از دشت ایوان و دشت کوچک ایلام جدا می‌کنند.

آب و هوای دشت آسمان‌آباد

منطقه مورد مطالعه از مناطق کوهستانی استان ایلام است و دارای آب و هوای سردکوهستانی و معتدل می‌باشد. بطور کلی منطقه آسمان‌آباد در زمستان سرد و تابستان گرم است. میزان بارندگی سالانه منطقه بطور متوسط ۷۱۲ میلیمتر گزارش شده و در ارتفاعات بیشتر نزولات به صورت برف است. با ذوب شدن برف‌ها در بهار و بارندگی‌های زمستانی و بهار جریانات فصلی در مقاطع زمانی مختلف به صورت روان آب تند به رودخانه آسمان‌آباد می‌ریزد.

آب‌شناسی منطقه آسمان آباد

رودخانه آسمان آباد در طول دشت آسمان آباد جریان دارد و کلیه ریزش‌های جوی به این رودخانه می‌ریزد و از چند چشمه پراکنده در سطح دشت سرچشمه می‌گیرند. مهم‌ترین این چشمه‌ها عبارتند از: «کینه‌نی قورن»، «کینه‌نی کاکه‌خان»، «کینه‌نی چرمگ»، «تورگه چرور». همچنین، نهر کوچک پل سورآوه که از پل سورآوه در رشته کوه «کنه‌پیفک» سرچشمه می‌گیرد و بعد از عبور از کنار شرقی «وارگه» به سمت جنوب شرق در طول دشت جریان می‌یابد و به رودخانه آسمان آباد می‌ریزد. رودخانه و نهر فصلی چرور، از تنگه چرور در نتیجه شکستن پوسته زمین در میان جنگل‌های بانکول سرچشمه می‌گیرد. در کنار چشمه‌های اصلی نهر چرور، تورگه و پوکه چرور آثار زمگه (مکان زمستانی) عشایر دیده می‌شود. آب رودخانه چرور فقط اواسط زمستان و طول بهار در تنگه چرور جاری می‌شود و در شرق روستای محمدقلی و غرب روستای گدومه به رودخانه آسمان آباد می‌ریزد. علاوه بر این رودخانه و جویبارهای فصلی، تعداد زیادی چشمه فصلی نیز در میان جنگل‌های بانکول و دیگر نقاط به نام‌های «خورخورگه»، «انجیرگه»، «قوتگه»، «چالاکو»، «کینه‌کره»، «کینه‌ه‌فی»، «چیاقرنه»، «سیل خسرو»، «پل چفت»، ... وجود دارد که آثاری از دوران مختلف در کنار آنها دیده می‌شود و برخی از آنها با وجود رونق افتادن زندگی ایلی امروزه نیز هر ساله پذیرای جادرنشینان و دامداران و طبیعت گردان نوروزی می‌باشند (نوراللهی ۱۳۹۰ و ۱۳۸۱) (شکل ۱).



شکل (۱): دشت میانکوهی آسمان آباد و محل به دست آمدن سرتیرها (تنظیم ع. نوراللهی).

توصیف داده‌ها

داده (۱): در حاشیه شمالی رودخانه آسمان آباد به دست آمد. طول این پیکان ۶۶ م.؛ پهنای لبه آن ۲۴ م. و اندازه بخش انتهایی (جایی که در چوب قرار می‌گیرد) ۲۴ م. است. قطر این بخش ۸ م. و ضخامت تیغه آن ۴-۵ م. می‌باشد. تیغه این پیکان لوزی شکل و تیز است (شکل ۲-۴).

داده (۲): پیکانی سه پره در پائین گدومه یافت شد. ۷۹ م. طول دارد و بخش تیغه آن ۳۷ م. می‌باشد، پهنای تیغه آن (عرض سه پره) ۱۴ م. و قطر آن (جایی که در چوب قرار می‌گیرد) ۴ م. است. هر پره به تیغه آن با پره دیگر زاویه ۱۲۰ درجه دارد (شکل ۵).

داده (۳): در دامنه جنوبی و پای دیواره صخره‌ای کوه، در حالت فرو رفته به خاک به دست آمده است. این پیکان ۸۳ م. طول دارد؛ طول لبه آن ۴۶ م. و بخشی که در چوب تیر قرار می‌گیرد ۳۷ م. است. پهنای تیغه ۱۲ م.، قطر آن (جایی که در چوب

قرار می‌گیرد) ۵ م.م و ضخامت تیغه آن ۴ م.م است. لبه‌ها و نوک این پیکان کند است. از این نظر با پیکان‌های پیشین فرق دارد (شکل ۶).

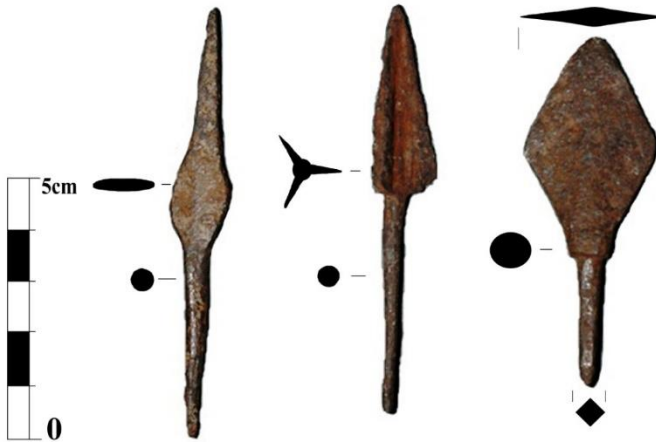
۱۵۵۵(۴): پوکه گلوله تفنگ^{۳۹} ساچمه زنی (پران) به رنگ پلاستیک سبز روشن است که ۷۵ م.م طول و ۱۲ م.م قطر دارد. بخش تحتانی آن که چاشنی در آن قرار دارد از فلز برنج (مفرغ) است (شکل ۷ و ۱۰).

این اشیا در اواخر فصل زمستان یافت شده‌اند و بارندگی‌ها سبب شسته شدن خاک‌های سطحی و بیرون افتادن آنها از دل خاک شده بود. داده شماره سه فرورفته در- خاک، پای دیواره صخره‌ای پشت روستای گدومه به دست آمده (شکل ۸-۹).



شکل (۲): سر تیرهای ۱-۳ به دست آمده در شرق دشت آسمان آباد (ع.نوراللهی).

^{۳۹} پیشینه ورود سلاح‌های گرم به منطقه مشخص نیست، اما می‌توان آنرا همزمان با ورود آن از کشورهای اروپایی در اواسط دوره صفویه دانست. از طرف دیگر با توجه به همسایگی این مناطق با خلافت عثمانی احتمال هست که این مناطق زودتر از دیگر نواحی با این وسیله آشنا شده باشند. در گذشته شکارچیان از تفنگ‌های دست‌ساز استفاده می‌کردند که توسط صنعتگران و آهنگران محلی ساخته می‌شد که به تمه‌ل (Tamal) معروف است.



شکل ۳: جزئیات سرتیرهای ۱-۳ (ع.نوراللهی).



شکل ۴: سرتیر ۱ (ع.نوراللهی).





شکل ۵: سرتیر ۲ (ع.نوراللهی).



شکل ۶: سرتیر ۳ (ع.نوراللهی).



شکل ۷: پوکه تفنگک ساچمه ای (ع.نوراللهی).



شکل ۸: نمایی از طبیعت شرق دشت میانکوهی آسمان آباد (ع.نوراللهی).



شکل ۹: نمایی از طبیعت دامنه جنوبی کوه پویان (ع.نوراللهی).



شکل ۱۰: روش شکار با تفنگک ساچمه‌ای و دیو جامه (ع. نوراللهی).

تاریخچه کمان و بکارگیری آن

در داستان‌های اساطیری ایران می‌توان رد و نشانی از چگونگی این نوآوری یافت؛ چنانکه در شاهنامه در این مورد سخن رفته (پورداد ۶۹:۱۳۴۶) و خیام در این باره نوشته است: «نخست کس که تیر و کمان را ساخت کیمرث بود و کمان وی بدان روزگار چوبین بود بی استخوان، یکپاره چون درونه حلاجان و نیروی گلگین با سه پر و پیکان استخوان، پس چون آرش و هادان بیامد بروز منوچهر کمان را پنج پاره کرد هم از چوب و هم از نی و به سریشم بهم استوار کرد و پیکان آهن کرد... بهرام گور

کمان را با استخوان مار کرد و بر تیر چهار پر نهاد و کمان را توز پوشید و وزن کمان بلندترین ششصد من نهاده‌اند و در آن را کشکنجیر خوانده‌اند و آن مر قلعه‌ها را بود و فروترین یکمن بود و مر آن را بهر کودکان خردسازند و هر چه از چهارصد من تا دویست و پنجاه من چرخ بود و هر چه از دویست و پنجاه من فرود آید تا بصد من نیم چرخ بود، و هر چه از صدمن فرود آید تا بشصت من از کمان بلند بود... انواع کمان هرچ مر او را نام چرخ است، سه است: بلند است و پست و میانه. همچنین انواع تیر وی سه است: دراز و کوتاه و میانه. دراز پانزده قبضه، میانه ده قبضه، کوتاه هشت قبضه و نیم.» (خیام ۱۳۱۲: ۳۹-۴۳).

آگاهی اندکی در مورد کمان‌های دوره تاریخی ایران در دست است که آنهم مربوط است به نقوش بازمانده در نقش برجسته‌ها و اشیای فلزی (تیردان‌ها، سربندهای نقره‌ای و کمرندهای مفرغی) (گیرشمن ۱۳۹۰: ۶۴، ۶۰، ۷۳، ۳۱۸، ۸۸-۳۱۹) و کاسه مفرغی با صحنه شکار یافت شده در قبر شماره ۳۷ چم‌ژئ مومه (Haerincq &

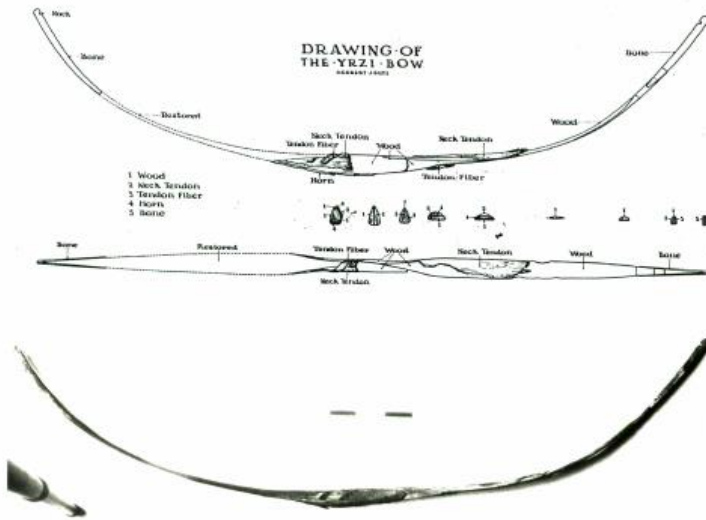
Overlaet, 1998: 25, 29, fig. 58-59) و بشقاب‌های زرین و سیمین و حجاری‌های دوره ساسانی) که در آنها نقوش کمانداران و شکارچیان با کمان باقی مانده (بنگرید به گیرشمن ۱۳۷۰: ۴۹، ۱۰۹، ۱۱۴، ۱۹۴-۱۹۷، ۲۰۷-۲۰۸ و بعد؛ فون گال ۱۳۷۸: ۷۷-۷۸؛ Harper & Meyers, 1981: 198-200, pl. 8-10, 14-15, 17-19, 22, 27-28, 31-32, 37-38) و همچنین آثار و تکه‌های از کمان‌های ترکیبی و سر تیرها و تیرهای بدست آمده از کاوش‌های باستانشناسی در شهرهای زیر فرمان اشکانیان و ساسانیان است.

از جمله در آی خانم (Ai Khanoum) در شرق شاهنشاهی اشکانی (Bernard, 1973: 196, fig. 4.1) پالمیرا (Collidge, 1979; Browning, 1976) و شهر کاروانی دورا اروپوس در دل صحرای سوریه شواهد فراوانی از تیراندازی و استفاده از

کمان در طی کاوش های باستان شناسی به دست آمده که شامل تکه هایی از کمان که از بخش استخوانی ساخته شده است. همچنین، یک زه گیر استخوانی شست و ۲۲ چوب تیر و حداقل ۴۶ تیر آهنی و ۲۲ تیر برنزی می باشد که نشان دهنده ۹۰ پرتابه است. هیچکدام از این یافته ها کامل نیستند و هیچ پیکان فلزی متصل به شاخه چوبی یا ناوک در میان آنها وجود نداشت. اگر چه از بخش انتهایی تیر کمان جایی که در زه قرار می گیرد و پرها در آن قرار می گیرد تعدادی معدود به دست آمد؛ اما در محل اتصال بخش انتهایی پیکان ها (جایی که به انتهای بخش چوبی متصل می شود) اثر و بافت خورده شده چوب تیر باقی مانده بود (Rostovtzeff et al. 1936: Pl. XXIV).

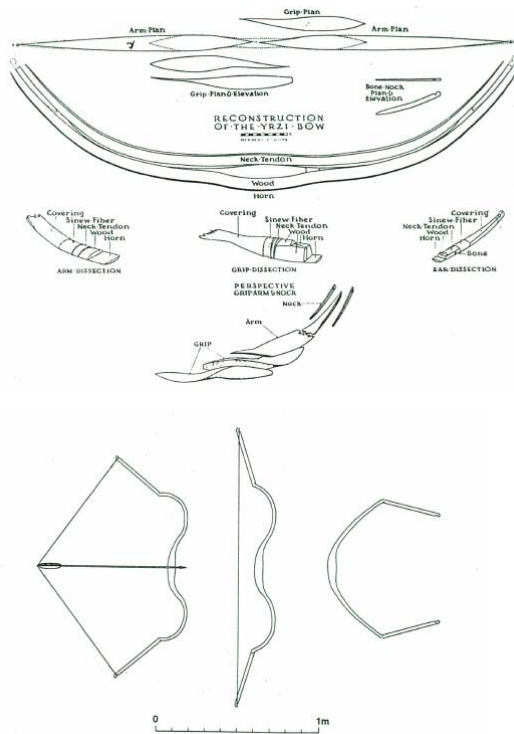
کمان های ترکیبی یا مرکب بسیار قدرتمند بودند و می توانند تیر را به فاصله شگفت انگیزی پرتاب کنند، به طوری که ارقامی را که برای پرتاب آنها ثبت شده به ۸۰۰ تا ۸۵۰ یارد (۷۷۷ تا ۸۰۰ متر) می رسد (Payene & Gallway 1907: 23; Rausing 1967: 31).

و بنگرید به (Klopsteg, 1987: 215). بهترین و کاملترین کمان که می توان آن را با نمونه های دورا مقایسه کرد در گورستان باغوز در حدود ۳۰ مایلی فرات از دورا اروپوس به دست آمده است، که به کمان یارزی (یرزی) معروف است، و در بخش گورستان آن بدست آمده است (Brown, 1937; Rausing, 1967: 105).



شکل ۱۱: کمان یارزی (James, 1990: PL. 2.6. A).

چهار بخش استخوانی که در «دورا» به دست آمده اند، هنوز به بخشی از چوب متصل بودند و در نوک چوب کمان قرار داشتند که به نظر می‌رسد با لایه‌ای از مواد ارتجاعی و تاندون که چوب را پوشانده و دور آن پیچیده شده‌اند تا اجزای آنها خوب به هم بچسبند. از زه کمان‌های «دورا» هیچ مدرکی در کاوش‌های باستان‌شناسی به دست نیامده است؛ اما در زمان‌های بعد (چنانچه شاردن نیز اشاره کرده) و در قرن‌های اخیر در خاورمیانه از روده و ابریشم استفاده شده است (شکل ۱۱-۱۲).

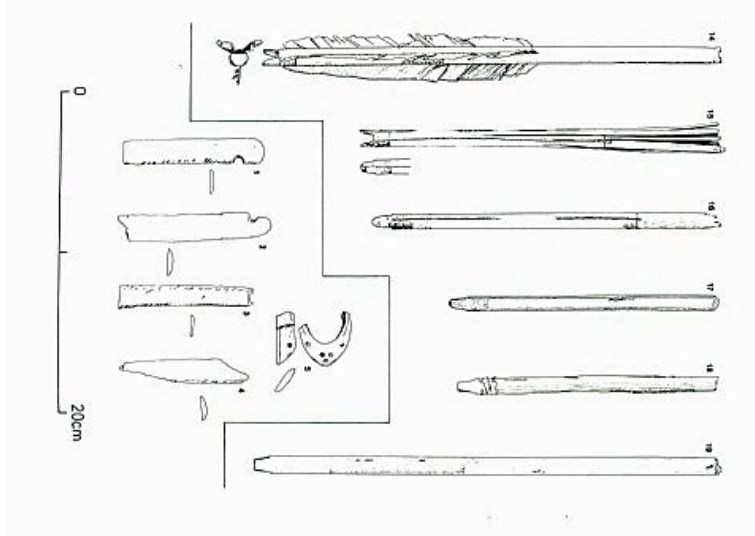


شکل ۱۲: ساختار کمان یارزی (James, 1990: PL. 2.6. B).

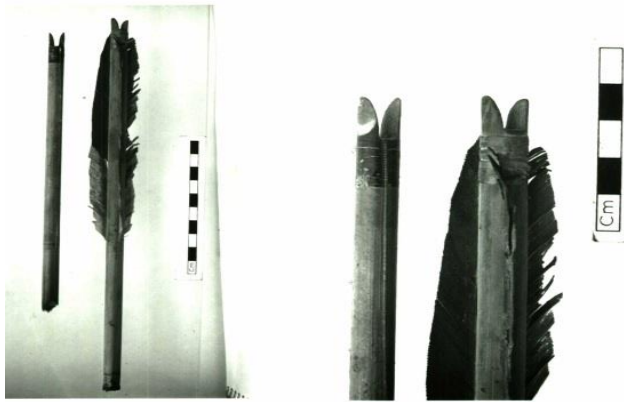
اندازه و وزن و تعادل تیرها با اندازه کمانها ارتباط نزدیکی داشته است، چنانچه ویژگی‌های مذکور همیشه در ساخت کمانها مورد توجه و دقت قرار می‌گرفته است. همچنین بایستی کمان از نظر اندازه و قدرت کشش با کماندار مطابقت داشته باشد. وزن و قدرت کشش کمان به ساختار کمان، به ویژه با ضخامت لایه‌های شاخ و مواد ارتجاعی و تاندون‌ها و انحنای آنها تعیین می‌شود. این عوامل برای دستیابی به سلاحی کارا و با قدرت مناسب و عمق کشش مورد توجه بوده‌اند که به تیر انداز و کماندار امکان می‌داده تا در هنگام تیراندازی موقعیت و وضعیت مناسبی داشته

باشد (James, 1990) و در حالت های مختلف بر روی اسب یا پیاده تیر اندازی کند. البته، این موضوع با قدرت و انعطاف بدنی کماندار رابطه مستقیمی داشته است. چنانچه به پشت سر شلیک کردن تیر بر روی زین ریشه آن به به دوره اشکانی می رسد که واحدهای سواران سبک اسلحه مسلح به کمان جزوی از روش جنگی آنها بوده است. سرپیکان های دورا بجز دو مورد همه نوک پیکان های آهنی نواح متداول نواری با سه تیغه مثلثی و خارهای کم و بیش مشخص هستند. تیغه ها معمولاً به صورت متقارن حول محور خود قرار می گیرند. اندازه تیغه آنها ۳۵ تا ۴۰ م.م. و طول آنها ۶۵ م.م. است. تیرهای کمان و پیکان ها وزن و تعادل و عملکرد ابرو دینامیکی ثابتی داشته اند؛ زیرا شلیک و تیراندازی آنها توسط تیرانداز راحت بوده است، در غیر این صورت تیرانداز نمی توانست عملکرد مطلوبی داشته باشد. اندازه تیرها مشخص نیست؛ اما در کاوش های «دورا» قسمتی از تیرهای نیبی و چوبی که دارای پر بود و در انتها (یعنی جایی که زه قرار می گیرد) به صورت هلالی تراشیده شده است. این بخش شکسته ۲۷۵ م.م. طول داشته است (James, 1990: 242-248) (شکل ۱۳-۱۵).

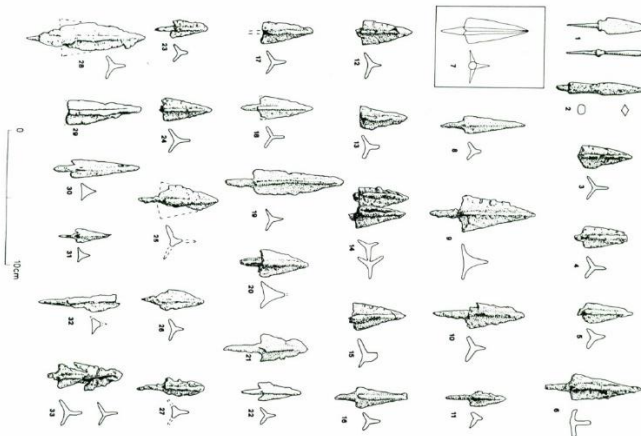
علاوه بر این نقاشی های (فرسک) دیواری زیادی در شهر دورا اروپوس بدست آمده که تعدادی از آنها مربوط به شکار با کمان می باشد (Rostovtzeff et al. 1936: Pl. XLII) (شکل ۱۶).



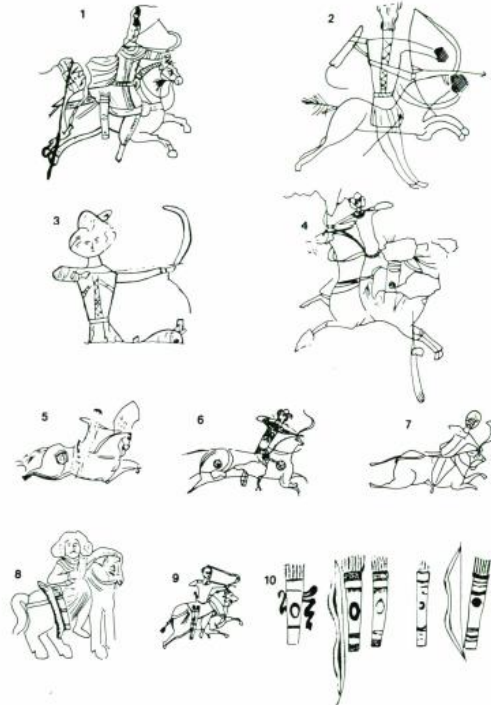
شکل ۱۳: انتهای چوبی تیرهای کمان بدست آمده از دورا اروپوس (James, 1990: PL 2.6.I).



شکل ۱۴: پر و تراش انتهایی تیرهای کماندوراروپوس (James, 1990: PL.2.6.J).



شکل ۱۵: سرتیرها و پیکان های آهنی (James, 1990: PL 2.6.E).



شکل ۱۶: نقاشی و گرافیت‌های کمان بدست آمده از دورا اروپوس (James, 1990: PL. 2.6. M).

از آنجا که این فناوری یعنی ساخت کمان‌های ترکیبی تا ۳ یا چهار سده پیش همچنان وجود داشته و از نظر شکلی (با توجه به مینیاتورها و نقاشی‌های دوران تیموری و دوره صفوی) تغییرچندانی را نشان نمی‌دهند. بنابراین، ناچاریم برای دستیابی به اطلاعات کافی به نوشته‌های این دوره‌ها و بعد که در مورد کمان‌های ایرانی و شیوه ساخت و آموزش کمانگیری مطالب قابل توجهی را ارائه داده‌اند رجوع کنیم. سلاح کمان از سلاح‌های استراتژی بود که سواره نظام زبده اشکانی به آن مجهز بود، به ویژه سواره نظامی که وظیفه حفاظت کاروان‌های تجاری داشت سلاحی حیاتی به

شمار می‌رفت؛ زیرا برای حفاظت این کاروان تجارت در برابر حمله های سواران غارتگر چادر نشین مراقبت همیشگی از طرف سواره نظام پارتی لازم بود، سپاهی که کمانداران تک سوار آن احتمالاً در موقعیت های خطرناک اغلب مجبور بودند ابتکار شخصی خود را به کار برند. این سواره نظام می توانست به بهترین وجه با یک سیستم فئودال که در آن ارتش متکی بر سرعت عمل و ارزش سواران کماندار بود تثبیت گردد. این توصیف قانع کننده ای است که رستووزف در برابر یک سیستم مطلق متمرکز، مانند سیستم هخامنشیان یا سلوکیان که به نظر مورخان جدید کارآمدتر به نظر رسیده است، برای نگهداری یک سیستم فئودال به وسیله پارت‌ها، بیان داشته است (پیراد ۱۳۸۳: ۲۶۲؛ Rostovzeff, 1935: 159-164) (شکل ۱۷).



شکل ۱۷: کماندار سواره اشکانی (bpk/Museum für-Islamische Kunst).

استرابو (زاده ۶۳ پ.م. و درگذشت ۱۹ م.) درباره اشکانیان نوشته است: ایرانیان از پنج تا بیست و چهار سالگی باید تیراندازی و انداختن زوبین و اسب سواری و راستگویی

را می‌آموزند. آیین شکار ایرانیان این است که به پشت اسب بر آمده نیزه می‌اندازند و با کمان و کماند شکار می‌کنند. از بیست تا پنجاه سالگی بکار لشکری چه پیاده چه سواره می‌پردازند. آنان با بازرگانی و داد و ستد کاری ندارند؛ زیرا نه چیزی می‌خرند و نه چیزی می‌فروشند. این جنگاوران با سپر لوزی شکل و تیر و ترکش مسلح‌اند و شمشیر، تبرزین و خنجر دارند. کلاه خودی برج مانند بر سر می‌گذارند، زره و سینه بندهایشان دارای فلس‌های فولادی است، فرماندهانشان هر کدام کمان و تیر و فلاخن دارند (استرابو ۱۳۸۲: ۳۲۵-۳۲۷).

دینوری در مورد سلاح‌های که سربازان در دوره ساسانیان همراه داشتند نوشته است: چیزی که در آن زمان از سوار می‌خواستند اینها بود: برگستوان اسب، زره، گژاگند (حفاظ سینه یا سینه بند)، خود، گردنبوش (خفتان)، دودستین (دو بازوبند)، دو ساقبند، یک نیزه، یک سپر، یک گرز آهنین که به کمر سوار آویخته می‌شد. یک تیغ، گزینگ (عمود آهنی) که به زین اسب آویخته می‌شد. یک ترکش (کمان دان) که در آن دو کمان بود با سی شاخه (چوبه) تیر، دو زره یدکی که سوار آنها را به پشت خود می‌آویخت (دینوری ۱۰۱: ۱۳۶۸ و بنگرید به بلعمی ۱۰۴۸: ۱۳۵۳). این سلاح چنان اهمیت داشته است که در دوره هخامنشی و به ویژه در دوره اشکانی نماد قدرت و شاهی به شمار می‌رفته است. در نقش برجسته‌ها و سکه‌های این دوران شاه را در حالی که این سلاح در دست او بود تصویر شده است (بنگرید به سرفراز و آورزمانی ۱۳۹۱). از زمان‌های بسیار قدیم کمان ایرانی مورد توجه بسیاری از مردم مشرق زمین بوده است (بنگرید به گیرشمن ۱۳۹۰: ۳۱۹). چنانچه شوالیه شاردن مهارت ایرانیان را در مورد ساخت این اسلحه ستوده و تأیید کرده است و پس از مقایسه کمان‌های ایرانی و اروپایی نوشته است که کمان‌های ایرانی دارای مرغوبیت خاصی

می‌باشد؛ ولی کمان‌های اروپایی از یک قطعه چوب تهیه می‌گردیده است به صورتی که کمان‌های ایرانی سبکتر و کوچکتر از آنها بوده‌اند و این سبکی بسته به مواد اولیه- ای بوده که در ساختمان کمان‌های ایرانی بکار می‌رفته است (برای آگاهی از مواد بکار رفته در ساختار کمان‌های ترکیبی بنگرید به Loads, 2016: 23-27).

«کمان‌های ایرانی اعلاترین و مطلوب‌ترین نوع آن در سرتاسر مشرق زمین به شمار می‌رود، مصالح کمان عبارتست از چوب و شاخ که بر یکدیگر تعبیه و با طنابی پیچیده و بر روی آن پوست درخت صاف و صیقلی قرار داده‌اند. آنگاه رنگ و نقاشی شده و جلا و درخشندگی یافته است. صنعت گران ایرانی در فن جلا اعجاز می‌کنند خوبی یک کمان به قول ایرانیان، عبارتست از اینکه، اولاً سخت کشیده شود، به طوری که تیر تا نیمه روی آن بیاید، بعد نرم و سهل باشد، به طوری که بن تیره در زه فرو رود. زه کمان‌ها ابریشم تائیده و به ضخامت سیم فولادی است، ترکش‌ها از چرم زر دوخت یا مليله دوزی می‌باشد» (شاردن، ج ۴، ۱۳۳۶: ۳۴۰). ایرانیان برای ساخت کمان اغلب از شاخ گاو میش یا قوچ و یا از شاخ حیوانات وحشی شاخدار استفاده می‌کردند. برای ساختن کمان چوب و سریشم و بعضی مواد حیوانی را باهم مخلوط و ترکیب می‌کردند و مایع چسبنده حاصل از این عمل را با چوب مورد نیاز تحت فشار فوق‌العاده‌ای قرار می‌دادند تا خوب جذب یکدیگر شوند و پس از آن کمان‌های درست شده را یک یا دو سال بدون استفاده نگهداری می‌کردند تا خوب خشک شوند (دوبنجا ۱۳۴۶ و بنگرید به شاردن، ج ۴، ۱۳۳۶: ۱۷۹-۱۸۱). بدین ترتیب سلاح یکی از بهترین کمان‌های آن ایام بوده است و قدرت یا طول مسافت تیر از کمان تا نقطه فرود بمراتب بیشتر از برد کمان‌های هم عصر خود که شهرت بسزایی داشته‌اند، بوده است. در ساختن کمان ایرانی سعی می‌شد که قسمت‌های شاخی را در داخل و

مواد دیگر را در روی آن قرار دهند و برای استقامت و کشش بیشتر آن در درون قسمت‌های شاخی روده گر به بکار می‌رفته است، قسمت‌های مختلف این اسلحه عبارت از خود کمان (که از چوب مخصوص درست می‌شد) وزه مر بوطه بوده است که از ریسمان و یا از رگ حیوانات مخلوط با ابریشم تاییده شده ساخته شده بود.

الف) اندازه و مشخصات کمان‌های ایرانی

۱. کمان‌های ایرانی معمولاً از کمان‌های هندی کوتاه‌تر و از کمان‌های مناطق دیگر آسیائی و کمان‌های عثمانی بلندتر بود. اما کمان‌های هندی از آنها راست‌تر ساخته می‌شده است.

۲. مرکز کمان ایرانی را کمی پهن می‌ساختند و این خود سبب می‌شد که شکل کمان را به فرم دو منحنی در آورده و در نوک‌های آن برگشتگی‌ای مانند شاخ گاو بوجود آورند. منظور از این انحناء آن بود که تیر با قدرت بیشتری از کمان رها گردد، غالباً یک سر زه به یک طرف کمان متصل می‌گردید و سوی دیگر آن به حال باز یا نیمه باز بود. این عمل بمنظور جلوگیری از استهلاک و فرسوده شدن زه در موارد غیر لازم انجام می‌گرفت؛ زیرا اگر هر دو طرف بسته و آماده نگهداری می‌شد، زه کمان به خودی خود و بزودی نیروی استقامت و کشش ۱۰۲ خود را از دست می‌داد؛ ولی طرف دیگر کمان را طور دیگر می‌ساختند و مواقع لازم سر دیگر را گره مخصوصی می‌زدند.

برای آنکه قسمت‌هایی که زه به آن بسته می‌شد عمر بیشتری داشته باشد، تکه‌های استخوانی و یا شاخی را به طرفین کمان اضافه می‌کردند تا در نتیجه کشش و رها شدن تیر به زه و کمان صدمه‌ای نرسد.

ب) تزئین کمان‌های ایرانی

تزئین در اسلحه یاهر شیئی دیگر بستگی به ارزش و مرغوبیت آن دارد. تزئین کمان‌های ایرانی بستگی به جنس و نوع آنها داشت و اغلب آنها را با رنگ‌های الوان و طلاکاری زینت می نمودند و گاهی به وسیله پوست ساغری یا پوست نازک درخشانی کمان را می پوشاندند و سپس پوست مزبور را رنگ آمیزی می نمودند و علاوه بر تزئین، آن را بروغن مخصوص و بادوامی آغشته می کردند و تمام این اعمال برای این منظور انجام می گرفت که کمان از تأثیرات جوی و تغییرات حرارتی و همچنین رطوبت و غیره محفوظ بماند.

تیر یا پیکان‌های ایرانی

تیرهای ایرانی بر حسب نوع کاربرد انواع مختلف بوده‌اند و از تیرهای اروپائی به مراتب سبک‌تر ساخته می شدند و نوک آنها را به صورت اشکال مختلف از قبیل چهار پریا سه پر و یا دراز ویا کوتاه و پهن و سه گوش و غیره می ساختند. تیرهای متداول در ایران از نوع پره دار بوده‌اند و عموماً تیرها از دو قسمت چوبی و فلزی تشکیل می شدند. برای اینکه قسمت آهنی تیر از چوب آن جدا نشود، محل الصاق نوک تیر را با چوب یا نخ و یا رگ حیوانات محکم می پیچیدند. در ساختمان تیرها از همه مهمتر قرار دادن مرکز ثقل آنها در انتهایشان می باشد و برای اینکه بتوان تیر را برای رها شدن سوار کمان نمود، انتهایش را به شکل شکافی گرد و بیضی می بریدند که زه داخل آن گردد و اکثر آنها را با دو یا چهار پری که از درازا بریده شده بود می ساختند و برای آنکه هنگام حرکت تیرها در فضا مسیر خود را خوب و به طور مورب طی نمایند، پره‌ها را در انتهای چوب به طور مورب کار می گذاشتند و اکنون نیز همین اصل در توپ‌ها و تفنگ‌ها رعایت می شود. برای تزئین تیرها در انتهایش را

با رنگ و آب طلا مزین می کردند چون رطوبت و تغییرات جوی در تیر و کمان بی اندازه مؤثر بوده بلافاصله پس از رفع احتیاج تیرها را در ترکش قرار داده و کمانها را در جلد مخصوص خود که رطوبت به آنها تأثیری نداشت حفاظت می نمودند و گاهی از ترس آنکه مبادا تیر و کمان فاسد شود تمام قطعات را در جلد بزرگتری قرار می دادند. برای سوار کردن تیر در کمان، تیر انداز محکم می ایستاد و با دست چپ انتهای فوقانی آن را گرفته و با فشار کمان را به زمین خم می کرد و آنگاه با دست راست انتهای آزاد گره را می گرفت و گره دیگرش را به آن کمان می بست آنگاه برای رها شدن تیر شصت خود را بیشتر بکار انداخته و انگشت سبابه را به منظور است نگهداشتن تیر بکار می بردند. در مشرق زمین خصوصا در ایران برای اینکه انگشت تیر انداز آن صدمه نیند حلقه هائی از عقیق یا یشم و یا باور اصل و شاخ و عاج و پولاد یا آهن در شصت بکار می بردند و نام این حلقه راسقین می گفتند و حلقه نامبرده را با زه یدکی در جعبه کوچکی که بکمر وصل بود نگاه می داشتند (شاردن، ج ۴، ۱۳۳۶: ۱۰۳). نمونه های استخوانی این حلقه ها و تیرکش ها در کاوش های دورا اروپوس به دست آمده است که برای جلوگیری از صدمه دیدن انگشت شصت استفاده می شده است (James, 1990). کمان های شکاری ایرانی اغلب ساده تر و منحنی تر از کمان های جنگی ساخته می شد و برخلاف کمان های جنگی آنها را از یک تکه چوب تهیه می کردند و بهمین مناسبت می توان گفت کمان اروپائی تقریبا شبیه کمان های شکاری ایرانی می باشد با این تفاوت که کمان های ایرانی به عوض یک زه دارای دوزه موازی است. تیرهای ورزشی (برای تمرین و یا شکار) دارای نوک آهنین گرد، خرد، و سائیده ای است، در صورتی که تیرهای جنگی همچون سرنیزه تیز می- باشد (شاردن، ج ۴، ۱۷۹، ۱۳۳۶-۱۸۱). تیر کمان های شکاری نیز با تیرهای جنگی

تفاوت داشتند؛ زیرا نوک آنها مدور و کند و سنگین بوده است. این تیرها هیچوقت برای کشتن افراد بکار نمی‌رفت و برای جزئی زخم زدن و گیج کردن حیوانات استفاده می‌شد؛ زیرا ایرانی‌ها بیشتر مایل بودند که پوست یا پرهای ذی قیمت و زیبای شکارشان از گزند تیر حتی الامکان محفوظ بماند (همان ۱۰۴-۱۰۵).

مطلب بالا نشان از پیشینه صنعت کمانسازی و هنر کمانداری و جایگاه آن در تاریخ ایران است. ابداعات ایرانیان را در کمانسازی و کمانداری بایستی جزو ابداعات فنی عمده دنیای قدیم بشمار آورد، و پیشرفت آنان را در این فن نمونه‌ای از درک مکانیکی سازندگان قدیم دانست (فرشاد ۲۵۳۵: ۹۸). کمان بصورت یک وسیله مکانیکی طی قرون متمادی در جنگ و صلح بکار می‌رفته و علاوه بر آن کمانداری و تیراندازی خود الهام بخش بسیاری از آثار ادبی این سرزمین گشته است. آثار نقش‌های تاریخی نیز مبین قدمت کمانسازی و کمانداری در ایران است. در بعضی از دوره‌های تاریخی مثل دوره مادها و اشکانیان در کمانداری و تیراندازی سرآمد مردمان دیگر بشمار می‌آمده‌اند و این خصوصیت نه تنها برای آنان شهرت فراوانی کسب نموده، بلکه این هنر موجب تغییرات زیادی در حوادث تاریخی آن دوران‌ها نیز گردیده است. در آثار ادبی و نوشته‌های دیگری که از دوران باستان به جای مانده گفته‌های زیادی در مورد تعلیم و تربیت کمانداران، خصوصیات فیزیکی و روحی-آنان، همچنین، در مورد خصوصیات تیر و کمان و پیکان و صنعت کمانسازی آورده شده است (بنگرید به خیام ۱۳۱۲: ۳۹-۴۳). شکی نیست که مشخصات فیزیکی کمان و نحوه ساختمان آن در تاریخچه کمانداری و تیراندازی نقش عمده‌ای داشته است. ایرانیان دوره مادی، هخامنشی، اشکانی و ساسانی کمان‌هایی مخصوص می‌ساخته و آنها را بکار می‌برده‌اند. کمان‌های دوره مادها، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان از

لحاظ شکل ظاهری و مشخصات مکانیکی با کمان‌های ملت‌های دیگر مثل آشوری‌ها تفاوت زیاد داشته است. بدیهی است که طرح فرم کمان و انتخاب مصالح و نحوه ساختمان آن دخالت اساسی در کارآئی این وسیله داشته و ایرانیان با وقوف به این مطلب در ساختن کمان‌هایی که عمل تیراندازی را به بهترین وجه انجام دهند نکات فنی خاصی را رعایت می‌کرده‌اند. شهرت ایرانیان باستان در کمان‌داری و تیراندازی نشان دهنده موفقیت آنها در طراحی و ساخت کمان‌های کارا و عالی از نظر مکانیکی بشمار می‌رود (فرشاد، ۹۹: ۲۵۳۵).

جنس و نوع آهن

شاردن در مورد فولاد و آهن ایران نوشته است: در ایران فولاد فراوان است، ولی محصول هند را بر کالای خود ترجیح می‌دهند... فولاد ایران زیر و زمخت و بسیار زود شکن است. تیغه شمشیر را سرد عمل می‌کنند تا آبدار شود، پیه، روغن یا کره می‌مالند، تا از شکستن جلوگیری بعمل آید، آنگاه با سرکه، زاج، جوهر گوگرد آن را آب می‌دهند (شاردن، ج ۴، ۱۳۳۶: ۳۴۰).

آموزش کمانگیری و تیراندازی

نخست راست کردن کمان به زه است و فن آن بدین شرح: کمان را خوب نگه‌دارند، زه را بسهولت بکشند و رها سازند، چنانکه نباید دست چپ که کمان در آنست و کاملاً (ساق بازو) باز می‌باشد، و نیز دست راست که زه را می‌کشد، ذره ای بلرزد. برای انجام و اجرای این ورزش به وجه احسن، جوانان حلقه‌ای به انگشت شست خویش می‌کنند که از درون به پهنای یک شست و از بیرون بقدر نیمه آنست، و زه را هنگام کشیدن بدان تکیه دهند. این حلقه از شاخ، یا عاج و یا از پشم است که یک نوع سنک رخام یا مرمری باشد. شاهنشاه یکی دارد که استخوانی و سخت و سبک دارای

رنگهای زرد و سرخ طبیعی است. پس از حصول ممارست کافی در استعمال کمان نخستین ورزش ایشان تیراندازی به هوا و کوشش در پرتاب بار تفاع بیشتر است. بهترین کمان و کماندار ماهر کسی است که بتواند به ارتفاع چهل و پنج درجه، که حداعلای برد کمان است، تیراندازی کند. آنگاه به تیراندازی بی مقدمه و ناگهانی می‌پردازند؛ اما با کشیدن زه کار تمام نیست؛ بلکه مهم آنست که تیر رادرست و استوار، بدون لرزش به زه راست کنند، بعد به آموختن تیراندازی سنگین و قوی می‌پردازند، و کیفیت آن برقراری است که می‌خواهم بگویم: یک چارچوب‌های به ارتفاع چهار و به عرض دو پا بر خاک ریزی تعبیه می‌کنند که انباشته از شن کوبیده مرطوب است و به عمق پنج تا شش پا می‌باشد، این چارچوبه همانندشاسی قالب گیری است. آنگاه یک قبضه کمان و یک تیر بی پر اختیار می‌کنند، و هنگامی که آماده تیراندازی می‌باشند، یک نفر نوکر با یک مشت سنگریزه در دست به جلو می‌آید و آنرا بایک ضربه سختی بروسط چارچوبه می‌زند و این عمل برای سفت و سخت کردن خاکریز است، پس از انجام امر علامت‌گذاری کماندار با تمام نیروی خود به نقطه مذکور تیراندازی می‌کند، از نو آن را بیرون می‌آورند باز هم به همان محل نشان شده، پرواز می‌دهند تا تیر کاملاً در خاکریزه فرو رود. توفیق در این ورزش بستگی به آن دارد که در دفعات کمتری تیر را داخل هدف بسازند و این منظور باهدف گیری درست و دقیق بر آورده می‌شود. این ورزش‌ها برای آموزش تیراندازی به عمل می‌آید و این فن در یک کلمه خلاصه می‌شود: پرتاب دورتر، درست و راست، سخت و قوی، تاثیر هدف را بشکافد و داخل آن شود (شاردن، ج ۴، ۱۷۹، ۱۳۳۶-۱۸۱).

مراسم شکار

بعد از اینکه شکار اهمیت خود را به عنوان یک شیوه معیشتی از دست داد. به صورت یک شیوه مکمل ادامه پیدا کرد و در دوران های تاریخی جنبه سرگرمی و کسب مهارت برای امور جنگی یافت. در دوران های اشکانی و ساسانی شاهان و شاهزادگان و فرماندهان و افراد بلندمرتبه درباری و نظامی در کنار امور حکومت داری و نظامی برای آمادگی و کسب مهارت های نظامی اوقات خود را به شکار و شاد خواری می گذراندند. شکار با کمان یکی از سرگرمی های اصلی در این بزم ها بوده است که روایات و داستان های زیادی از آن به ما رسیده است. همچنین، در این دوران ها، سوار کاری و تیراندازی با کمان از آموزش های اصلی به نوجوانان و جوانان بوده است (استرابو ۱۳۸۲: ۳۲۵). معروفترین پرده شکار که از دوران تاریخی برای ما مانده است، صحنه شکار خسرو دوم در تاق بستان (تاق وسان) است که باز نمای بخشی از شیوه شکار شاهنشاهان ساسانی است علاوه بر این، در ادبیات نیز داستان های زیادی از شکار و مراسم آن امروزه باقی است. این شیوه سرگرمی در دوران های بعد و در زمان خلفا و حکومت عباسیان تا دوران های اخیر به وسیله سران ایلی و خان ها انجام می گرفت (بنگرید به نوراللهی ۱۳۹۵). چنانچه الثاریوس در مورد شکار شاه صفی نوشته است: شاه صفی نشان داد که به خوبی از عهده بکار بردن تیر و کمان و شمشیر بر می آمد، شاه از روی اسب هیچگاه به شکاری که ایستاده باشد تیر اندازی نمی کند؛ بلکه شکار را در حالی که می دود از روی اسب که در حال تاخت است، هدف قرار می دهد و این کار بسیار دشواری است و مهارت و زبردستی زیادی می خواهد (الثاریوس، ج ۲، ۵۶۹، ۱۳۶۹).

گاه‌نگاری

تیر و کمان سلاح همیشگی اشکانیان بود و به گفته پلوتارک، شاهان سکایی [اشکانی] خود ناوک تیرهایشان را تیز می‌کردند. کمان اشکانیان از همان ابتدا «ابروانی» بود که همراه تیر در کماندان حمل می‌شد. پیاده‌نظام که اعتبار چندانی نداشت، فقط مسلح به تیر و کمان بود. افراد سواره‌نظام نیز اغلب تیر و کمان داشتند، پیراهنی کمردار و شلواری گشاد می‌پوشیدند و تشکیل نیرویی سبک اسلحه را می‌دادند. این سواران، سوارانی را نیز در کنار داشتند که سر تا پا زره‌پوش بودند. علاوه بر تیر و کمان از نیزه بلند نیز استفاده می‌شد. در میان سواران نیزه‌دار اشکانی گروهی نیز نیزه دوسرداشند که سلاحی بسیار خطرناک بود و سوارکار می‌توانست به هنگام نبرد، دو دشمن را در آن واحد مورد حمله قرار دهد. هماهنگی سواره‌نظام سبک و سنگین اشکانیان که مکمل یکدیگر بودند، از ویژگی‌های مشهور ارتش اشکانیان است: پس از اینکه باران تیر سواره‌نظام سبک، عرصه را بر دشمن تنگ می‌کرد، زره‌پوشان سوار، بر قلب دشمن می‌تاختند و آنها را به کلی از پای درمی‌آوردند. سورن، فاتح کره (هران) این تاکتیک را به حد کمال رسانید. به گزارش پلوتارک سورن یک نیروی هزار نفره زره‌پوش داشت که از رعایا و غلامان خود او تشکیل شده بود و هزار شتر تیرهای این سواران را حمل می‌کردند، تا هرگز دچار کمبود تیر نشوند (رجبی، ج ۱، ۱۳۸۴: ۶۱۳). با توجه به نوشته‌های شاردن پیکان ۱ و ۲ از نوع جنگی هستند؛ زیرا دارای لبه تیز و برنده هستند. از این نوع سرتیرها در کاوش‌های شهر کاروانی دورا اروپوس که میان پارتیان و بعدها جانشینان آنان (ساسانیان) با رومیان همواره درگیری و جنگ بر سر آن واقع می‌شد. سرپیکان زیادی به دست آمده که این دو پیکان مشابه آنها هستند که به احتمال در جنگ‌ها و درگیری‌های نظامی بکار می‌رفته‌اند (Jams, pl.2.6e;2.6f). این

چهار شیء که در چند جای مختلف در شرق دشت میانکوهی آسمان آباد یافته شده اند، متعلق به یک زمان نیستند؛ بلکه داده ۱-۳ متعلق به دوره اشکانی - ساسانی بوده و داده ۴ متعلق به دوره معاصر و سالیان اخیر است. با وجود اختلاف زمانی، اما هر چهار شیء نشاندهنده فعالیت شکار^{۴۰} هستند که از دوره دیرین تا حال حاضر در زمان‌های خاصی یعنی اواخر پائیز و بهار در این منطقه انجام می‌گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

کمان از جمله سلاح‌های استراتژی و کارا بوده که اختراع آن تحولی اساسی در شکار و جنگ‌ها به وجود آورد. این سلاح به انسان امکان می‌داد با حفظ ایمنی لازم هدفش را مورد تهاجم قرار دهد. در طول زمان و با افزایش آگاهی از تأثیر این سلاح، از جنبه ساختاری نیز دچار دگرگونی‌های اساسی شد و از یک سلاح ساده به سلاحی پیچیده و مهلک تبدیل شد و بخشی جداناپذیر از تجهیزات ارتش‌ها و سلاح انفرادی پیاده نظام و سواره نظام گشت. به دنبال آن در آرایش جنگی و زرها نیز در گرونی‌های زیادی صورت گرفت. به طوری که در بیشتر ارتش‌ها واحدهای به نام کماندار تأسیس شد که وظیفه آن نبود کردن یا حداقل وارد آوردن تلفات سنگین به دشمن قبل درگیری تن به تن بود. علاوه بر این، در متون تاریخی به واحدهایی از کمانداران زبده اشاره شده که وظیفه آنان نگاهبانی از کاروان‌های تجاری و راه‌ها بوده؛ زیرا این سلاح

^{۴۰} شکار در فلکلور و ادبیات منطقه جایگاه مهمی دارد و بخش بزرگی از اشعار لالایی مادران برای فرزندان بخصوص نوزادان پسر را لالایی‌های با مضمون شکار و جنگ‌آوری تشکیل می‌دهد است. مردمان منطقه معتقدند شکارچیان هیچگاه عاقبت بخیر نمی‌شوند و آسایش نمی‌یابند در اصطلاح (توخه‌ی نیه که‌ن). معمولاً هنگام گفتگو در این مورد چندین شکارچی را نام می‌برند که در جوانی از کوه پرت شده یا چشمان خود را از دست داده‌اند و یا در پیری زندگی رقت باری پیدا کرده‌اند.

به این افراد امکان مانور و آمادگی برخوردار در هر شرایطی را فراهم می‌ساخت. به دلایل بالا و اهمیت این سلاح، آموزش و یادگیری کار با آن همواره مورد توجه قرار داشت. با توجه به کارایی آن، تیر اندازی با کمان و استفاده و ورزشی در آن در برنامه آموزشی شاهزادگان، اشراف و جوانان قرار داشت. در کنار این آموزش‌ها نیز مهندسان و سلاح‌گران برای کارایی بیشتر آن دست به دگرگونی‌های زیادی در شکل، ابعاد و سبک‌سازی و انعطاف و افزودن به برد مؤثر و کارایی این سلاح زدند و انواع سرتیرها با توجه هدف و مأموریت آنها ساخته شد که شامل انواع سرتیرها و پیکان دو-لبه و چندپره و غیره می‌شد. این سلاح در تفریح و بزم شکار کارایی خود را نشان داد و شکار با تیر و کمان در حال تاخت با اسب از ورزش‌ها و تفریحات مورد علاقه شاهان و بزرگان شد که از دوره اشکانی و ساسانی و دیگر ادوار تصاویر زیادی به صورت حجاری و غیره به ما رسیده است. اهمیت این سلاح تا آنجا بوده که در دوران تاریخی به صورت نماد قدرت و فرماندهی در تقریباً در همه مسکوکات در دست شاه قرار داشته و شاهان را کمان در دست تصویر می‌کردند. این سه پیکان که هر کدام از آنها از نظر شکلی با هم یکسان نیستند، در بخش شرقی دشت میانکوهی آسمان‌آباد و دامنه‌های آن به صورت اتفاقی به دست آمده‌اند. با توجه اینکه در دامنه جنوبی کوه پویان و حاشیه رودخانه آسمان‌آباد به دست آمده‌اند، نشان می‌دهد که برای شکار در دوره تاریخی استفاده شده‌اند و آثار مختلف دوره اشکانی و ساسانی از جمله بنای کل-کل و گم‌گم و استقرارهای دیگر مربوط به این دوران و همچنین، دشت و ارتفاعات جنگلی آسمان‌آباد از مناطق خوش آب و هوا و سردسیری منطقه بوده، از این موضوع پشتیبانی می‌کند. داده ۴ هرچند از نظر ساختار با سه داده دیگر متفاوت است؛ ولی از این نظر که برای هدف واحدی (شکار) مورد استفاده قرار گرفته است، از این نظر می-

توان آن را را در رده آنها به حساب آورد و نشان می دهد که علی رغم گذشت هزاران سال همچنان شکار در این منطقه رواج داشته و ادامه پیدا خواهد کرد.

منابع و مأخذ:

الف) فارسی

- آدم اولثاریوس؛ (۱۳۶۹)، سفرنامه آدم اوئاریوس، جلد ۲، ترجمه حسین کردبچه، تهران: شرکت کتاب برای همه.
- استرابو؛ (۱۳۸۱)، جغرافیای استرابو: سرزمین‌های زیر فرمان هخامنشیان، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران: بنیاد موقوفات ایرج افشار.
- ابوعلی محمد بن محمد بن بلعمی؛ (۱۳۵۳)، تکمله و ترجمه تاریخ طبری، جلد ۲، به تصحیح ملک الشعراء بهار، به اهتمام محمد پروین گنابادی، تهران: کتابفروشی زوار.
- استانداری استان ایلام؛ (۱۳۶۹)، طرح جامع توسعه ایلام.
- پرادا، ادیت؛ (۱۳۸۳)، هنر ایران باستان، ترجمه یوسف مجیدزاده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پورداود، ابراهیم؛ (۱۳۴۶)، کمان و تیر، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۷، صص ۲۹-۴۶.
- دوبنچا، رومانوسکی؛ (۱۳۴۶)، تاریخچه اسلحه سرد در ایران، مجله بررسی‌های تاریخی، تهران: شماره ۹-۱۰، صص ۹۰-۱۱۲.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود؛ (۱۳۶۸)، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- راولینسون، هنری؛ (۱۳۶۲)، سفرنامه راولینسون، ترجمه دکتر سکندر امان‌اللهی بهاروند، تهران: انتشارات آگاه.
- رجبی، پرویز؛ (۱۳۸۳)، ارتش، دانشنامه ایران‌یان، جلد ۱، تهران: انتشارات دائرة المعارف اسلامی.
- فرشاد، مهدی؛ (۲۵۳۵)، بررسی مهندسی کمان‌های باستانی ایران، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۶۴، صص ۹۷-۱۰۹.

- شاردن، ژان؛ (۱۳۳۶)، سیاحت‌نامه شاردن، ترجمه محمدعباسی، تهران: موسسه مطبوعاتی امیر کبیر.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح؛ (۱۳۸۵)، فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های شهرستان ایلام، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، مدیریت اطلاعات جغرافیایی.
- سرفراز، علی‌اکبر، فریدون آوزمانی؛ (۱۳۹۱)، سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه، تهران: انتشارات سمت.
- عمر خیام نیشابوری؛ (۱۳۱۲)، نوروزنامه، به‌اهتمام مجتبی مینوی، تهران: کتابخانه کاوه.
- گیرشمن، رومن؛ (۱۳۷۰)، هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- گیرشمن، رومن؛ (۱۳۹۰)، هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، ترجمه عیسی بهنام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مسعودی، علی بن‌الحسین؛ (۱۳۴۹)، التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، صص ۳۷-۳۸.
- یعقوبی، ابن واضح؛ (۲۵۳۶)، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- نوراللهی، علی؛ (۱۳۸۱)، گزارش بررسی باستان‌شناسی (پیش از تاریخ) دشت آسمان‌آباد (منتشر نشده).
- علی‌نوراللهی، حسن‌طلایی، بهمن‌فیروزمندی‌شیره‌جینی؛ (۱۳۹۵)، قوم باستان‌شناختی راه‌کارهای شکار حوزه رود گنگگیر ایوان، در غرب زاگرس مرکزی، فصلنامه جامعه‌شناسی تاریخی سال هشتم، شماره ۲، صص ۱۹۷-۲۳۰.
- نوراللهی، علی؛ (۱۳۹۰)، بررسی قوم‌باستان‌شناسی کوچ‌نشینی و ایل‌راه‌های مناطق شمالی استان ایلام، فصلنامه فرهنگ ایلام، شماره ۳۲-۳۳، صص ۹۳-۱۱۶.

(ب) انگیزی

1. Rawlinson, Henry C., 1839, Notes on a March from Zohab at the Foot of the Zagros, along the Mountains to Khuzistan (Susiana), and from Thence through the Province of Luristan to Kirmanshah, in the Year 1836, the Journal of the Royal Geographic Society 9, pp. 26-116
2. Haerinck, Ernie and Bruno Overlaet, 1998, Chamahzi Mumah: An Iron Age III Graveyard, Luristan excavation documents 2, Acta Iranica 33, Leuven.
3. Bernard, P. et al. (1973), Fouilles d'Aï Khanoum, I, (Campagnes 1965, 1966, 1967, 1968), Paris.
4. Rostovzeff, M. I., 1935, 'Dura and the Problem of Parthian Art,' Tale Classical Studies, V (1935), 157-304.
5. Rausing, G, 1967, *The Bow; Some notes on its origins and development*, Lund.
6. Payne-Galiway, R, 1907, *a Treatise on the Construction, Power and Management of Turkish and other Oriental Bows of Mediaeval and Later Times*, London.
7. Colledge, M, 1976, *the Art of Pabnyra*, London.
8. Brown, F, 1937 "A recently discovered compound bow", *Annales de l'Institut Kondakov*, Prague.
9. Klopsteg, Paul E. Simon, 1987, TURKISH ARCHERY
10. AND THE COMPOSITE BOW, Archery Foundation The Manchester Museum, the University Manchester.
11. Loades, Mike, 2016, *the Composite Bow*, Osprey Publishing, Oxford.
12. Rostovtzeff, M.I., A.R. Bellinger, C. Hopkins and C.B. Welles (eds.), 1936, *the Excavations at Dura-Europos: Preliminary Report on the Sixth Season, 1932-3*, (New Haven 1936).
13. James, Simon Timothy, 1990, *THE ARMS AND ARMOUR FROM DURA-EUROPOS, SYRIA: Weaponry recovered from the Roman garrison town and the Sassanid siegeworks during the excavations, 1922-37*, Thesis submitted for the Degree of Doctor of Philosophy University College Institute of Archaeology.

شناسایی ساختارهای سنگی در دشت مهران، به کمک تصاویر گوگل ارث یک بحث مقدماتی

امیر خانمرادی^{۴۱}

چکیده

تصاویر ارائه شده در برنامه گوگل ارث که دید مناسبی از سطح زمین و حتی روند تغییرات آن را در دسترس کاربران قرار می‌دهد، موجب شده است در سال‌های اخیر باستان‌شناسان از این ابزار جدید در بررسی‌های باستان‌شناسی توجه ویژه نشان دهند. به کمک این ابزار یک بررسی در دشت کوچک مهران به منظور شناسایی ساختارهای سنگی طرح‌ریزی و مورد اجرا قرار گرفت. پیش از این در دشت دهلران نمونه‌های فراوانی از این نوع ساختارهای سنگی شناسایی و حتی یک نمونه از این ساختارهای سنگی نیز مورد کاوش باستان‌شناسی قرار گرفته است. نوشتار حاضر به شناسایی این ساختارها در دشت مهران از طریق تصاویر ماهواره‌ای گوگل ارث، طرح چند پرسش و بحث مقدماتی در رابطه با کاربری آن‌ها خواهد داشت.

واژگان کلیدی: گوگل ارث، ساختارهای سنگی، کوچ نشینی، دشت مهران، دشت دهلران.

مقدمه: تا پیش از اینکه که در سال ۲۰۰۵ میلادی که برنامه گوگل ارث برای نخستین بار در دسترس عمومی قرار بگیرد، استفاده از تصاویر ماهواره‌ای اگر نه غیر ممکن؛ اما بسیار پرهزینه بود. اما امروزه با وجود گوگل ارث استفاده از تصاویر ماهواره‌ای در زندگی روزمره مردم عادی و متخصصان (Parcak, 2009) به دلیل کاربری آسان و هزینه‌های پایین این برنامه به طور گسترده‌ای رایج گردیده و از قابلیت‌های آن به طور

^{۴۱} - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دوران تاریخی دانشگاه بوعلی سینا همدان -

فزاینده‌ای در روند مطالعات سنجش از دور بهره‌برداری می‌شود. باستان‌شناسان از همان ابتدا در دسترس قرار گرفتن برنامه گوگل ارث از پتانسیل‌های آن به عنوان ابزاری قدرتمند و کارآمد در مطالعات باستان‌شناسی یاد کردند (Ur,2006:35-34 Bousman,2006:32-38) و حتی برنامه‌های بررسی باستان‌شناسی به منظور یافتن محوطه‌های باستانی به کمک تصاویر ارائه شده توسط گوگل ارث و سنجش قابلیت‌های این نرم‌افزار نیز برنامه‌ریزی و اجرا گردید (Madry,2007:309, Jensen,2013) که نشان می‌داد گوگل ارث می‌تواند در شناسایی و کشف محوطه‌های باستانی راهگشا و مکمل فعالیت‌های میدانی و کشف محوطه‌های جدید باستانی باشد. با این حال، میزان موفقیت در شناسایی محوطه‌های باستانی از طریق تصاویر گوگل ارث تا حدود زیادی بستگی به وضوح و کیفیت تصاویری ارائه شده در این برنامه دارد که معمولاً کیفیت آن‌ها برای بررسی‌های اینچینی به خصوص مناطقی که به هر دلیل در دسترس نیستند، قابل قبول است. با توجه به اهمیت گوگل ارث در بررسی‌های کنونی باستان‌شناسی، در بررسی باستان‌شناسی که سال ۱۳۹۸ در دشت دهلران صورت گرفت (رفیعی علوی و دیگران، ۱۴۰۰) در کنار بررسی میدانی به طور ویژه از تصاویر گوگل ارث برای شناسایی محوطه‌ها و بقایای باستانی مورد استفاده قرار گرفت که نتایج قابل توجهی از کشف محوطه‌های جدید، شبکه‌های قنات‌ها در پی داشت؛ اما مهم‌ترین یافته‌های شناسایی تعداد چشمگیری ساختارهای سنگی بود که قبل از بررسی ما تعدادی از آن‌ها در بررسی نیلی در دشت دهلران شناسایی شده بود (Neely,2016). همچنین، در برنامه بررسی موسوم به پروژه گرمسیری نیز ۱۴ عدد از این ساختارهای سنگی مجدداً مورد بازدید و بررسی قرار گرفت که به ماندگاه‌های عشایری نسبت داده شده است (زینی‌وند، ۱۳۹۴)؛ اما در

مطالعه سال ۱۳۹۸ به کمک تصاویر گوگل ارث و بررسی میدانی توانستیم بیش از ۷۰۰ نمونه از ساختار سنگی در دشت دهلران شناسایی کنیم که در نوع خود جالب توجه است و باید اعتراف کنیم فراتر از حد تصور ما از بررسی تصاویر ماهواره‌ای گوگل ارث بود. تعداد زیاد این ساختارهای سنگی که در پهنه وسیعی از دشت دهلران پراکنده هستند، این نکته مهم رو گوشزد می‌کرد که باید در بررسی آتی برنامه مدونی برای مطالعه این نوع ساختارهای سنگی به ویژه در زمینه کارکردهای احتمالی و تاریخ‌گذاری دقیق آن‌ها اختصاص یابد. از این رو، اولین قدم ما یافتن نمونه‌ها و الگوهای پراکنش مشابه در مناطق دیگر برای سنجش نظریه‌های احتمالی خود بود. براساس تجربه ما از بررسی دشت دهلران بهترین منطقه برای یافتن نمونه‌های مشابه‌ای از این نوع ساختارهای سنگی دشت کوچک مهران در همسایگی دشت دهلران انتخاب گردید که از نظر وضعیت جغرافیایی بسیار مشابه دشت دهلران است و معمولاً از لحاظ فرهنگی بخشی از جنوب غرب ایران در نظر گرفته می‌شود (شهمیرزادی، ۱۳۹۱: ۵۱۲). با توجه به هزینه‌های زیاد بررسی‌های میدانی و روند طولانی دریافت مجوزهای قانونی، بررسی دشت مهران تنها به کمک تصاویر ماهواره‌ای گوگل ارث انجام گرفت. اگر چه تصاویر ارائه شده از مهران نسبت به دشت دهلران اندک و کیفیت آن‌ها برابر نبود؛ اما نتایج نسبتاً مشابهی را از این بررسی به دست آوردیم که مهم‌تر از همه کشف ساختارهای سنگی مشابه آنچه در دشت دهلران شناسایی کرده‌ایم بود که از طریق تصاویر گوگل ارث در دشت مهران کشف شده است. در نوشتار پیش‌رو تلاش شده است تا به معرفی ساختارهای سنگی شناسایی شده در دشت مهران و الگوی پراکنش آن‌ها پرداخته شود.

محدوده مورد بررسی

محدوده بررسی دشت کوچک مهران است که در جنوب استان ایلام و مجاورت دشت دهلران و بین‌النهرین واقع شده است. به طور کلی این دشت از شمال به کوه‌های پشمین، از جنوب به جبل حمزین، از شرق به دشت دهلران (کوه‌های اناران) و از غرب به بین‌النهرین محدود شده است. از این رو، به دلیل این همجواری در زمینه برهم-کنش‌های فرهنگی (پیش از تاریخ) از آن به عنوان منطقه‌ای کلیدی یاد شده است (دارابی، و جوانمردزاده، ۱۳۹۱: ۸۲). از طرف دیگر این دشت کوچک از نظر منابع آبی با وجود سه رود پر آب که از ارتفاعات موسوم به کبیر کوه سرچمشه می‌گیرند و در سطح دشت جاری هستند از نظر منابع آبی دارای پتانسیل قابل توجهی است. رودخانه کنجان‌چم در بخش شمال‌غربی جاری است و در نهایت در طی حرکت خود در غرب به رودخانه گاوی می‌ریزد. رودخانه گاوی از میانه دشت متمایل به بخش شرقی دشت عبور می‌کند و پس از پیوستن به کنجان‌چم در نهایت از مرز ایران خارج و وارد خاک عراق می‌شود. رودخانه چنگوله در بخش شمال شرقی دشت جاری است به گونه‌ای که می‌توان گفت اساساً دشت مهران بین دو رودخانه کنجان‌چم و چنگوله قرار گرفته است.



تصویر ۱- محدوده بررسی در دشت مهران

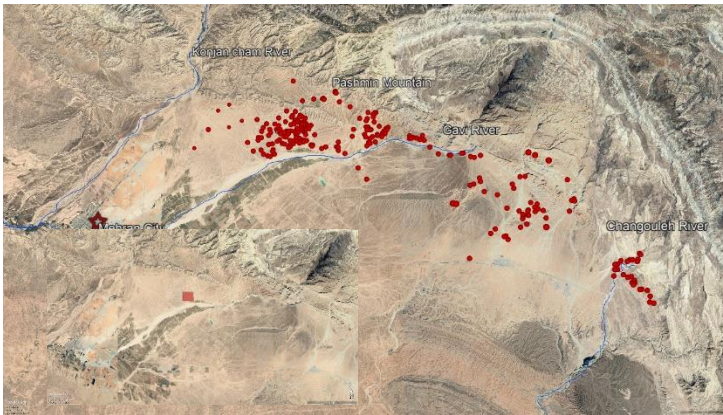
شیوه و روش بررسی

بررسی در دشت مهران با مشخص کردن محدوده این دشت (تصویر ۱) از طریق برنامه گوگل ارث (Google earth pro) آغاز گردید و سپس با تصاویری که در این برنامه بارگذاری شده است بخش‌های مختلف این دشت به کمک این تصاویر مورد بازدید قرار گرفت. کیفیت تصاویر در محدوده دشت به طور یکنواخت توزیع نشده است؛ اما به طور کلی تصاویر ارائه شده برای بخش‌هایی از دشت دارای کیفیت قابل ملاحظه-ای است. از بخش نمایش تاریخی تصاویر (Show Historical Imagery) که از سال ۲۰۰۹ در برنامه گوگل ارث تعبیه شده است می‌توان تصاویری که طی سال‌های گذشته تصویر برداری شده است را مشاهده کرد و حتی روند تغییرات در آن بازه زمانی به راحتی قابل مشاهده است (Jensen, 2011: 12) و حتی براساس آن می‌توان تحلیل و تفسیرهایی انجام داد. برای دشت مهران قدیمی‌ترین تصاویر مربوط به سال ۲۰۰۲ جدیدترین آن در سال ۲۰۲۱ در برنامه بارگذاری شده است. در بررسی حاضر از تمام تصاویر که شامل تصاویر سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۵، ۲۰۱۴، ۲۰۱۹، ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ به فراخور کیفیت هر تصویر در هر بخش از دشت استفاده شده است؛ اما بهترین تصاویر از سال ۲۰۰۵ و ۲۰۱۴ از سطح دشت برای تشخیص ساختارها در حال حاضر در دسترس است. براساس تصاویر موجود هر عارضه و ساختاری که شناسایی گردید بر روی برنامه مشخص و به کمک ابزار افزودن مکان (Add Placemark) نقطه گذاری گردید. اگر چه مبنای کار ما بر تصاویر گوگل ارث قرار دارد؛ ولی از تصاویر و نقشه‌های مایکروسافت بینگ مپ (www.bing.com/maps) و برخی تصاویر یواس جی اس (www.earthexplorer.usgs.gov) نیز بهره گرفته‌ایم.

یافته‌های بررسی (ساختارهای سنگی)

یکی از مهم‌ترین یافته‌های بررسی تصاویر گوگل ارث در دشت مهران کشف ساختارهای سنگی بود که پیش از آن نمونه‌هایی از آن‌ها در دشت دهلران شناسایی شده بود (Neely, 2016، زینی‌وند، ۱۳۹۴، رفیعی و دیگران، ۱۴۰۰) در بررسی تصاویر ماهواره‌ای گوگل ارث از دشت مهران نیز تعداد قابل توجهی از این محوطه‌ها شامل ۲۴۸ ساختار سنگی مشابه نمونه‌های دشت دهلران شناسایی شد (تصویر ۲). البته، قابل ذکر است که با توجه به کیفیت تصاویر و همچنین عدم بررسی میدانی ما ممکن است در پاره‌ای از موارد تشخیص ما از وجود ساختارهای سنگی دقیق و درست نبوده باشد، با این حال تلاش کردیم به کمک تجربه بررسی از دشت دهلران در تشخیص ساختارهای سنگی عملکرد قابل اطمینانی داشته باشیم؛ اما تشخیص ساختارهای سنگی از روی تصاویر ماهواره‌ای با محدودیت‌هایی رو به رو است که می‌بایست به کمک بررسی میدانی تکمیل شود. خوشبختانه یک بررسی میدانی محدود در بلوک اناران و حوضه رودخانه چنگوله صورت پذیرفته است و به نظر می‌رسد که نتایج مشابهی مانند آنچه ما از تصاویر گوگل ارث بدست آوردیم در پی داشته است. بیشتر استقرارهایی که طی این بررسی شناسایی شده است شامل محوطه‌های کوچک و احتمالاً دارای ساختارهایی سنگی بودند (زیدی، ۱۳۹۱: ۱۵۹). ساختارهای کشف شده از دشت مهران عموماً شامل یک سازه سنگی به صورت مستطیل شکل است که در پاره‌ای از موارد به کمک تصاویر ماهواره‌ای می‌توان اتاق‌ها و دیگر سازه‌های اضافی را در کنار آن‌ها مشاهده کرد (تصویر ۳-۵) تمام این ساختارهای سنگی در شیب دامنه آبرفتی کوه‌های پشمن در نیمه شمالی و بخش‌های مرتفع‌تر دشت در مسیر روناب‌های ارتفاعات و در حاشیه رودخانه‌های اصلی دشت مهران متمرکز شده‌اند.

بیشترین تراکم ساختارهای سنگی را می‌توان در ساحل چپ رودخانه گاوی مشاهده کرد. تصاویر ماهواره‌ای به ما نشان می‌دهد که این سازه‌ها به طور معمول در ارتفاعات ۵۰۰ متر تا ۲۳۰ متر از سطح دریا قرار دارند و در مناطقی قرار گرفته‌اند که امروزه جز مراتع قرار داشته و کشاورزی در آن علی‌رغم روند توسعه‌ای آن در سال‌های اخیر بسیار محدود است و تقریباً خارج از اراضی مناسب کشاورزی هستند.



تصویر ۲- تصویر ماهواره‌ای از دشت مهران و ساختارهای شناسایی شده



تصویر ۳- شکل ساختارهای سنگی در بخشی از دشت مهران حوزه رودخانه گاوی



تصویر ۴- نمونه‌ای از یکی از ساختارهای سنگی دشت مهران و نمونه قابل مقایسه آن در دشت دهلران (تصویر سمت چپ پایین)

تاریخ‌گذاری ساختارهای سنگی

تشخیص تاریخ‌گذاری ساختارهای شناسایی شده از طریق تصاویر ماهواره‌ای تقریباً ناممکن است با این حال، از طریق نمونه‌های مشابه که در دشت دهلران شناسایی شده‌اند و نیلی تعدادی از محوطه‌ها را به دوره اشکانی، ساسانی-اسلامی نسبت داده است (Neely, 2016) می‌توان گفت بخش عمده‌ای از ساختارهای مهران نیز می‌تواند مربوط به همین دوره‌های تاریخی باشند. با این حال در بررسی میدانی ما از دشت دهلران نمونه‌های معاصر نیز وجود داشت و تعدادی زیادی از ساختارهای سنگی اگر چه از نظر معماری مشابه نمونه‌های دوره تاریخی شناسایی شده توسط نیلی هستند؛ ولی فاقد مواد فرهنگی برای تشخیص دوره‌بندی بودند. از این رو، به نظر می‌رسد که برخی نمونه‌ها می‌توانست تاریخ متأخری را شامل شود؛ ولی از نظر معماری بدون تغییر و تحول مشابه همان نمونه‌های قدیمی‌تر است. بررسی که در بلوک اناران در دشت مهران و دهلران انجام گرفته است دست کم در یک مورد اشاره کرده است که محوطه

MS-063 که در واقع یک ساختار سنگی را نمایش می‌دهد در برگیرنده آثار مربوط به دوره ایلام بوده است (زیدی، ۱۳۹۱: ۱۶۴ تصویر ۲). بنابراین، امکان دارد برخی از ساختارهای سنگی شناسایی شده در دشت مهران دارای تاریخی قدیمی‌تر از نمونه‌های دشت دهلران باشند که ما آن‌ها را اغلب در بازه زمانی پارت-ساسانی و ساسانی-اسلامی قابل تاریخ‌گذاری می‌دانیم.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی تصاویر ماهواره‌ای گوگل ارث به ما کمک کرد تعداد قابل توجهی ساختار سنگی در محدوده دشت مهران شناسایی کنیم که پیش‌تر نمونه‌های آن‌ها در بررسی‌های نیلی و همچنین در بررسی طرح گرمسیری و در نهایت بررسی گروه ما در دشت دهلران ثبت شده بود. هدف اولیه در این پژوهش این بود که بینم امکان آن وجود دارد تا ساختارهای سنگی که در دشت دهلران دیده می‌شود را در دیگر مناطق مشاهده کرد یا صرفاً چنین ساختارهایی تنها در دشت دهلران با چنین پراکندگی زیادی وجود دارد. خوشبختانه تصاویر گوگل ارث این امکان را فراهم کرد تا بدون انجام یک بررسی میدانی چنین ساختارهایی را شناسایی و مشاهده کنیم. بنابراین، هدف اولیه ما که شناسایی نمونه‌های مشابه در یک جغرافیای مشابه بود برآورده شد. دومین هدف در راستای بررسی الگوی پراکنش این ساختارها بود که با قرارگیری در شیب دامنه کوهپایه و در مسیر رواناب‌ها و در حاشیه رودخانه‌های اصلی و فرعی به طور مشخص عیناً مشابه نمونه‌های دشت دهلران بودند؛ اما مسئله اصلی کارکرد این ساختارهای سنگی است که هنوز در مورد کارکردهای احتمالی آن‌ها بحث‌هایی قابل طرح است. نیلی اشاره می‌کند که ۸۹ محوطه از این نوع ساختارها را ثبت کرده است (Neely, 1974: 28) که به کمک تراس‌بندی و سنگچین استفاده کارآمدتری از

دامنه‌های کوهپایه‌ای را برای کشت فصلی دیم فراهم کرده‌اند. او در بررسی دشت دهلران بر دو نوع مجزا از سیستم مدیریت کشاورزی و منابع آب اما در ارتباط با یکدیگر تأکید دارد که نوع اول بر جوامع کشاورزی آبی در دشت‌های آبرفتی دلالت دارد و نوع دوم احتمالاً جوامع دامپروی هستند که در کوهپایه‌ها حضور دارند و به کشاورزی دیم مشغول هستند که ترکیبی از زندگی نیمه‌یکجانشینی دامپروی-کشاورزی دیم را برگزیده‌اند (Neely, 2016: 254). از این رو، نیلی این ساختارها را واحدهای متمایز اقتصادی و اجتماعی فرض کرده که با ایجاد تراس‌ها و توسعه آب-بندها در مسیر رواناب‌هایی که از دامنه‌های آبرفتی سرازیر می‌شود، در صدد انجام فعالیت‌های کشاورزی دیم هستند. منطق او بر این اصل استوار بود که به طور مشخص هر واحد (نمونه کاملی از ساختارهای سنگی شامل: تراس‌های کشاورزی، آب‌بندها) به طور معمول ۲۵ تا ۱۰۰ متر از واحد دیگر جدا شده است (Neely, 2016: 247-249). بنابراین، هر کدام از آن‌ها را به عنوان یک مزرعه خانه مجزا قلمداد کرد. واضح است که ساکنان این ساختارهای سنگی که نیلی در دشت دهلران شناسایی کرد به خصوص آن‌ها که در دامنه کوهپایه‌های سیاه‌کوه واقع شده‌اند با کنترل رواناب‌ها می‌توانستند به طور محدود فعالیت‌های کشاورزی دیم انجام دهند. با این حال، مکان قرارگیری این ساختارها اغلب در مناطقی قرار دارد که خاک آن امروزه نیز چندان برای کشاورزی مورد توجه نیست و بیشتر به عنوان مراتع جهت چرای دام از آن‌ها بهره‌برداری می‌شود (تصویر ۵) و اگر خوش‌شانس نباشیم حتی به کمک تراس‌بندی و آب‌بندها برای کشاورزی دیم به نظر نمی‌رسد نتیجه مطلوبی بدست دهد. از طرف دیگر، در بررسی دهلران ما ساختارهای سنگی (با مواد فرهنگی از دوره ساسانی-اسلامی) دقیقاً در کنار ساختارهای سنگی کوچروهای معاصر با همان

الگوی پراکنش مشاهده کردیم. این کوچروها به نظر نمی‌رسد تلاشی برای انجام فعالیت‌های کشاورزی در این مناطق از خود نشان داده باشند. از طرف دیگر، کوچروهای معاصری که در زمستان از مناطق خارج از دشت دهلران وارد دشت می‌شوند اگر چه می‌توانند با اجاره مراتع از آن‌ها استفاده کنند؛ اما به هیچ‌وجه اجازه انجام فعالیت‌های کشاورزی به آن‌ها داده نمی‌شود هر چند واضح است که این عشایر کوچرو خود نیز علاقه‌ای به انجام فعالیت‌های کشاورزی به دلیل مدت کوتاه حضورشان در دشت نشان نمی‌دهند. چنین وضعیتی برای دشت مهران نیز قابل تصور است. با ذهنیتی که از بررسی دشت دهلران وجود داشت تلاش کردیم تا در بررسی دشت مهران نیز به این موضوعات توجه نشان دهیم و از طریق تصاویر ماهواره‌ای تا جایی که امکان آن وجود داشت مکان‌های عشایر کوچرو معاصر را مشخص کنیم. اگر چه تصویر ماهواره‌ای محدود بودند و ممکن است مربوط روزهای خاصی از سال باشد که عشایر کوچرو معاصر دشت را ترک کرده باشند. با این وجود، ما توانستیم تعداد قابل قبولی از مکان‌های عشایر کوچرو معاصر را شناسایی و ثبت کنیم. البته، نباید این نکته را فراموش کنیم که برخی از ساختارهای سنگی ثبت شده توسط ما در دشت مهران ممکن است بقایای به جا مانده از عشایر متأخر باشند. از این رو، تعداد عشایر معاصر می‌توانست بیش از تعدادی باشد که ما در حال حاضر ثبت کرده‌ایم. مکان-گزینی عشایر کوچرو معاصر تقریباً در همان محدوده ساختارهای سنگی و در اطراف رودخانه‌های اصلی دشت مهران همانند آنچه در دهلران مشاهده کردیم قرار گرفته-اند (تصویر ۶)، حتی در مواردی مکان‌گزینی عشایر معاصر بر روی ساختارهای سنگی باستانی قرار گرفته‌اند. تعدادی از این عشایر در ارتفاعات پایین‌تر و نزدیک به مناطق مسکونی و زمین‌های کشاورزی و کانال‌های فرعی طبیعی و در حاشیه جاده اصلی

دهلران-مهران قرار دارند که علت اصلی آن نیز تأمین نیازهای رومزه و همچنین استفاده از بقایای گیاهی پس از درو اراضی کشاورزی برای احشام است که باعث شده است کوچشینان معاصر به میزان قابل توجهی از ارتفاعات به سمت دشت نقل مکان کنند. از نظر معماری استقرار این عشایر نیز بی‌شابهت به ساختارهای سنگی نیست. در نمونه‌های ثبت شده در دشت دهلران به وضوح می‌توان مکان استقرار افراد، محل دام‌ها، محل ماکیان، اجاق‌ها را مشاهده کرد که چیزی بیش از ۲۵۰ متر مربع را اشغال کرده‌اند. هر چند بخش عمده آن مربوط به محل احشام است (تصویر ۷) که نشان از وابستگی زیاد و تعداد قابل توجه دام‌ها دارد. البته، روستائیان یکجانشین کشاورز نیز تعدادی دام را نگهداری می‌کنند و در بین عشایر کوچرو نیز از نظر قوم-باستان‌شناسی تا حدودی کشاورزی صورت می‌گیرد. بنابراین، برای اینکه بتوانیم این دو الگوی معیشتی را از هم جدا کنیم باید به میزان وابستگی به احشام و دام‌ها و تحرک آن‌ها برای تأمین مرتع برای احشام توجه نشان دهیم. به عبارت دیگر، اگر معیشت بر پایه دامپروری است واضح است که حتی در صورت انجام فعالیت کشاورزی نیاز به جا به جا به جایی و تحرک برای تأمین علوفه و مرتع وجود دارد. به دنبال این موضوع سؤال‌های دیگری نیز قابل طرح است. از جمله اینکه اگر این ساختارهای سنگی دشت دهلران و مهران متعلق به دامپروان کوچرو باشد، آیا همه آن‌ها تلاش داشتند تا به کشاورزی دیم بپردازند؟ سکوچینی و آب‌بندها صرفاً برای انجام فعالیت‌های کشاورزی دیم ایجاد شده یا تلاشی برای بهره‌وری بیشتر از مراتع و احیا آن است؟ ساکنان ساختارهای سنگی برای تأمین مرتع مورد نیاز احشام به ارتفاعات بالاتر کوچ می‌کردند؟ ساختارهای سنگی واقع در ارتفاعات بالاتر می‌تواند محل کوچروهایی باشد که در زمستان در ارتفاعات پایین و نزدیک دشت مستقر هستند؟ به

عبارت دیگر، می‌توان فرض کرد که در صورت انجام یک کوچ این کوچ کوتاه مدت و صرفاً در حدود دشت انجام می‌شده است؟ برخی از این ساختارها فاقد مواد فرهنگی هستند و برخی نیز میزان اندکی سفال در داخل و اطراف آن پراکنده است. این موضوع می‌تواند نشان دهنده یک استقرار کوتاه مدت باشد؟ این میزان اندک مواد فرهنگی ممکن است با فعالیت دامپروری و تحرک بالا تا حدودی هماهنگ باشد؛ ولی آیا با معیشت دامپروری-کشاورزی دیم نیز هماهنگ است؟ هر گونه پاسخ به سؤالات فوق تا انجام مطالعات تکمیلی کمی عجولانه خواهد بود و ما تلاش خواهیم کرد در مطالعات آینده به بررسی آن‌ها پردازیم؛ اما ما خوش‌شانس هستیم که یک کاوش محدود بر روی یکی از این ساختارهای سنگی موسوم به محوطه میمه دو در دشت دهلران صورت گرفته است (خسروی و شیخی، ۱۳۹۹). هر چند که این ساختار چندین مورد توجه و شناخت دقیق کاوش‌گران نبوده است؛ با این حال، این کاوش و یافته‌های آن می‌تواند چند نکته مهم در رابطه با برخی از سؤالات فوق را یادآوری کند. گزارش و تحلیل مقدماتی از یافته‌های منتشر شده از کاوش محوطه میمه دو این موضوع را یادآوری می‌کند که مانند آنچه که در بررسی دشت دهلران و دشت مهران می‌توان مشاهده کرد، حضور همزمان ساختارهای سنگی باستانی شامل: یک سازه سنگی مربع شکل و استقرار فصلی عشایر کوچرو معاصر در کنار هم در این محوطه است که نشان از تداوم یک شیوه معیشتی در یک بازه زمانی طولانی دارد. از سوی دیگر، هیچ‌کدام از گمانه‌های ایجاد شده در این محوطه براساس آنچه که کاوش‌گران اظهار کرده‌اند شامل: لایه‌های فرهنگی یا نهشته‌های باستانی نبوده است و تقریباً تمامی یافته‌های فرهنگی شامل: ابزارهای سنگی و یافته‌های سفالی از بررسی سطحی به دست آمده‌اند (همان: ۱۹-۲۰). بنابراین، ما با یک استقرار بسیار کوتاه مدت رو به رو هستیم که

معمولاً در ارتباط با استقرارهای کوچ‌نشینان تفسیر می‌شوند. سفال‌های به دست آمده از بررسی سطحی این محوطه نیز به دو دوره زمانی مس و سنگ و دوره اشکانی-ساسانی تاریخ‌گذاری شده‌اند؛ اما کاوش‌گران اشاره نکرده‌اند که سفال‌های مس و سنگ و اشکانی-ساسانی از چه بخش‌هایی از محوطه میمه دو جمع‌آوری شده‌اند تنها اشاره کرده‌اند که فضای داخلی ساختار سنگی فاقد ابزارهای سنگی بوده است (همان: ۲۰). بنابراین، به نظر می‌رسد که سفال‌ها در تمام سطح محوطه و داخل ساختار سنگی پراکنده بوده‌اند؛ اما هنوز نمی‌دانیم که سفال‌های مس و سنگ اشاره شده هم از دوران ساختار سنگی به دست آمده است یا خیر؟ براساس نمونه‌های مشابه و بررسی‌های قبلی به نظر می‌رسد سفال‌هایی که به دوره اشکانی-ساسانی نسبت داده شده است، می‌بایست مربوط به همین ساختار سنگی باشند. پس، بر مبنای همین کاوش می‌توان گفت ما با یک استقرار فصلی از دوره مس و سنگ رو به رو هستیم که در دوره اشکانی-ساسانی و تا دوره متاخرتر نیز به همین صورت مورد استفاده بوده است؛ یعنی در یک بازه طولانی همواره این بخش پتانسیل اجرای یک شیوه معیشتی را می‌توانسته برای ساکنان فراهم کند که ما براساس نتایج کاوش می‌توانیم آن را یک استقرار احتمالاً کوچ‌نشینی قلمداد کنیم. اما دقیقاً مشخص نیست که علاوه بر دامپروری که می‌بایست شیوه اصلی معیشت تلقی شود. فعالیت‌های کشاورزی هر چند به صورت دیم و محدود نیز صورت می‌گرفته است. البته، شاید وجود یک داس سفالی در این محوطه که به دوره آغاز نگارش نسبت داده شده است (همان: ۲۱). نشانه‌ای از چنین فعالیتی باشد دست کم در آن دوره باشد. در مقطع کنونی با نگاهی به وضعیت دو دشت کوچک دهلران و مهران با تمرکز بر نوع معیشت دامپروران بومی کنونی تصور ما این است که این ساختارها به عشایر دامپروری در ارتباط هستند که در موارد محدود

کشاورزی دیم نیز انجام می‌دادند؛ اما لزوماً این نباید به این معنا تلقی گردد که همه آن‌ها اقدام به انجام فعالیت کشاورزی می‌کردند چرا که ما تعداد زیادی از این ساختارها در دشت دهلران را بدون سد، آب‌بند و مدیریت رواناب‌ها برای انجام فعالیت کشاورزی مشاهده کردیم. این شیوه امروزه در بین عشایر دامپرور بومی (عشایر غیر بومی تنها برای گذارندن زمستان و استفاده از مرتع وارد منطقه می‌شوند) دهلران و مهران که پس از برنامه اصلاحات ارضی دهه چهل خورشیدی به صورت رسمی مالکیت خصوصی مشاع بر اراضی کشاورزی و مراتع و حتی منابع آبی برخوردار شدند نیز رایج است. کشاورزی در میان این عشایر نیمه‌یکجانشین فعالیت فرعی به شمار می‌رود و عمدتاً تلاش آن‌ها برای تسلط منابعی همچون مراتع و آب مورد نیاز احشام است و بیش از آنکه به فعالیت‌های کشاورزی توجه نشان دهند فعالیت‌های دامپروری را در اولویت قرار می‌دهند و همه آن‌ها نیز اقدام به انجام کشاورزی نمی‌کنند چون میزان موفقیت کشاورزی دیم به میزان بارندگی آن سال ارتباط مستقیم دارد. از این رو، آنان به کشاورزی دیم به عنوان یک فرصت معیشتی چندان توجهی ندارند؛ اما اگر فرصت آن فراهم باشد بی‌شک مبادرت به کشاورزی خواهند کرد. نکته مهم این است که کشاورزی نیز در راستای تأمین بخشی از نیازهای دام‌ها صورت می‌گیرد به طوری که علاوه بر تولید احتمالی گندم و جو از بقایای درو شده برای تأمین خوراک دام بهره‌برداری می‌شود به عبارت دیگر، کشاورزی بیشتر در راستای تأمین احشام انجام می‌گیرد. بنابراین، به نظر می‌رسد بیش از اینکه در محوطه‌های یاد شده دشت دهلران و مهران مسائل مربوط به کشاورزی محور اصلی مطالعات باشد مطالعات می‌بایست بر امکان فعالیت‌های کوچ‌نشینان دامپرور تمرکز یابد. از رهگذر، مطالعه کنونی و بدون انجام مطالعات میدانی تکمیلی و همچنین آزمایش خاک جهت تشخیص فعالیت‌های

کشاورزی در گذشته بر روی اراضی اطراف این ساختارها در مورد کارکردهای احتمالی این ساختارهای سنگی نمی‌توان نظر قابل اطمینانی ارائه کرد؛ اما به نظر می‌رسد که احتمالاً باید این ساختارها که در دشت دهلران و مهران دیده می‌شوند را در ارتباط با دامپرورهای دانست که در صورت لزوم و فراهم آمدن شرایط می‌توانستند اقدام به انجام فعالیت محدود کشاورزی نیز داشته باشند.

منابع و مآخذ:

الف) فارسی

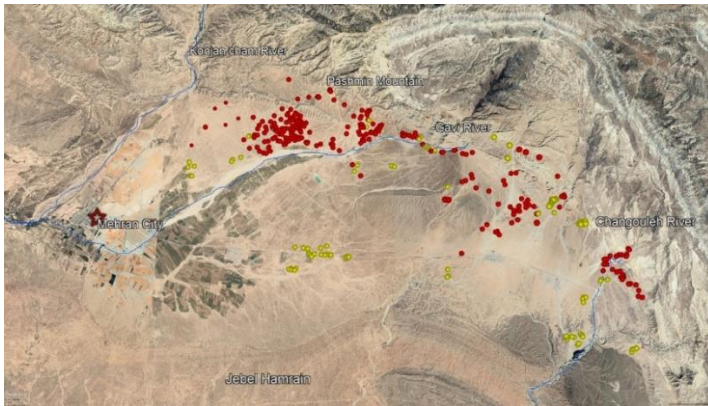
- خسروی، لیلا، شیخی، جمال؛ (۱۳۹۹)، معرفی و تحلیل مقدماتی نتایج بررسی، گمانه‌زنی و کاوش باستان‌شناختی در محوطه میمه دو دهلران، ایلام، جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام، شماره ۱، پیاپی ۹، ص ۱۷-۳۰.
- دارابی، حجت، جوانمردزاده، اردشیر؛ (۱۳۹۱)، پروژه باستان‌شناسی دشت مهران: زیستگاه‌های آغاز شهرنشینی و شهرنشینی، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ۲، شماره ۳، ص ۸۱-۹۶.
- رفیعی علوی، بابک، لرزاده، زهرا، خانمرادی، امیر؛ (۱۴۰۰)، گزارش بررسی باستان‌شناسی دشت دهلران سال ۱۳۹۸، پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- زیدی، محسن؛ (۱۳۹۱)، بررسی باستان‌شناسی مهران و بلوک اناران در شهرستان دهلران، استان ایلام، در نامور نامه: مقاله‌هایی در پاسداشت یاد مسعود آذرنوش، به کوشش حمید فهیمی و کریم عزیززاده، ایران‌نگار، ص ۱۵۷-۱۶۸.
- زینی‌وند، محسن؛ (۱۳۹۴)، گزارش بررسی باستان‌شناسی سامانه گرمسیری، مطالعه تاریخی-فرهنگی دشت دهلران، پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- ملک‌شهمیرزادی، صادق؛ (۱۳۹۱)، ایران در پیش از تاریخ: از آغاز تا سپیده‌دم شهرنشینی، سازمان میراث فرهنگی کشور.

ب) انگلیسی

1. Bousman, C. (2006). Satellite Archaeology for Everyone. The SAA Archaeological Record, 6 (3), p.32-34.
2. Jensen, M. (2013). The Application of Google Earth in Archaeology: A Survey of Northumberland. Undergraduate Dissertation, Durham University Department of Archaeology.
3. Madry, S. (2007). An evaluation of Google Earth for archaeological aerial prospection and site survey. In: Clark, J.T., Hegemeister, E. (Eds.), Digital Discovery: Exploring New Frontiers in Human Heritage. Proceedings of the 34th Conference of Computer Applications and Quantitative Methods in Archaeology, Fargo, United States, April 2006. Archaeolingua, Budapest, pp. 303-311.
4. Neely, James A. (2016). Parthian and Sasanian settlement patterns on the Deh Luran Plain, Khuzistan Province, Southwestern Iran, IA 51 pp. 235-300.
5. Neely, James A. (1974). Sassanian and early Islamic water-control and irrigation systems on the Deh Luran Plain, Iran, In Irrigation's impact on society. ED by T.E Downing and M.Gibson, Anthropological Papers, No 25, University of Arizona Press, pp 21-42.
6. Parcak, S. (2009). Satellite Remote Sensing for Archaeology. London: Routledge. P13-51.
7. Ur, J. (2006). Google Earth and Archaeology. The SAA Archaeological Record, 6 (3), p.35-38.



تصویر ۵- دامداران بومی در محدوده ساختارهای سنگی (دشت دهلران)



تصویر ۶- الگوی پراکنش ساختارهای سنگی و عشایر کوچرو معاصر
(نقاط زرد رنگ نشان دهنده عشایر معاصر هستند)



تصویر ۷- بقایای به جامانده از عشایر کوچرو معاصر
(دشت دهلران منطقه آبگرم-سرگراب)

بررسی خط و کتابت با تأکید بر تزیینات خط در آثار معماری (در قرون اولیه اسلامی)

مهندس آزاده محمودیان^{۴۲}

چکیده

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد تلاش برای ارتباط با هم‌نوعان در جوامع بشری از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. چرا که، با ارتباط شفاهی، نیازهای اولیه خود را تا حدودی برآورده می‌ساخت؛ اما، این شرایط برای ماندگاری ارتباط و بسیاری نیازمندی‌های روزمره زندگی اجتماعی کافی نبود. بنابراین، تفکر و تدبیر برای کشف و شناخت روش‌ها و الگوهای ارتباطی همچنان استمرار داشته است. انسان برای مکتوب ساختن مکونات درونی و رفع نیازهای ارتباطی خود توانسته است از نمادها، خطوط و تصاویر استفاده نماید. ترسیم‌های اولیه، تا کشیدن تصاویر مختلف بر روی سنگ‌ها و صخره‌ها بخشی از این تلاش‌ها در مکان‌های مختلف بوده است. خط نخستین، دارای تصاویر و علائم و نشانه‌های بی‌شماری بوده که برای بیان مفاهیم مختلف و متنوع بکار رفته است. تصاویر، نشانه‌ها، علائم اعداد و خطوط مورد استفاده بر روی ابزارهای گلین و سفالین یا فلزات و نیز مهرها و مهره‌ها در دوران مختلف بخشی از تلاش‌های انسان برای بیان و انعکاس رویدادها و رخدادها بوده است. خط و کتابت زبان هنری مشترک، برای تمامی انسان‌هاست که از عهد باستان تا کنون مراحل مختلفی را طی کرده است. خوشنویسی از شاخص‌ترین هنرهای رایج در جوامع مختلف بوده که در پهنه سرزمین‌های اسلامی از ویژگی‌های خاصی برخوردار بوده است. چرا

۴۲ - ارشد مهندسی معماری، مدرس دانشگاه

که، در اساس و آغاز شکل گیری، آنرا هنر تجسم کلام وحی دانسته‌اند. با توجه به اینکه خط و کتابت نقش کلیدی در ارایهٔ فکر و اندیشه انسان‌ها داشته و عامل پدیدار شدن هنری ارزشمند با زیبایی‌ها و ظرافت‌ها بوده است؛ لذا، در این نوشتار ابعاد مختلف این موضوع مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: خط هیروگلیف، خط کوفی، سخته نویسی، چهره پردازی، خوشنویسی. مهره .

مقدمه: قبل از اختراع خط و توسعهٔ فرهنگ کتابت، ثبت و ضبط و نقل وقایع در جوامع مختلف رواج داشت. نقالان و قصه‌گویان با مهارتی خاص وقایع تاریخی را از نسل‌های ما قبل خود فرا می‌گرفتند و برای دیگران بازگو می‌کردند. کسانی که مسئولیت نقل حوادث تاریخی را بر عهده داشتند، معمولاً دارای حافظهٔ قوی بودند یا بر اثر تمرین و تکرار در کار خود تبحر پیدا می‌کردند. بنابراین، با استفاده از این شیوه حوادث و اتفاقات گذشته را به نسل‌های بعد منتقل می‌کردند و این کار به وسیله مورخان انجام می‌شده است. با گسترش اسلام در میان اقوام ساکن در سراسر شبه جزیرهٔ عربستان، ایران، ماوراءالنهر، بخش‌هایی از هند، شمال آفریقا، اندلس و... زبان عربی رواج پیدا کرد یا جای خطوط قدیمی را گرفت. بدین سان خطی واحد در میان ساکنان ممالک اسلامی پدیدار گردید. خط عربی که پیش از ظهور اسلام نگارشی ساده و کاربردی محدود داشت، به سرعت با خطوط دیگر در آمیخت و به کمال رسید. مسلمانان خط زیبا را نه تنها در نسخه‌پردازی قرآن، بلکه در بیشتر هنرها به کار می‌بردند (پاکباز، ۱۳۹۵: ۲۰۷). تکامل و تبدیل خط به هنر خوشنویسی بیش از هر کجا در میان مسلمانان به چشم می‌خورد. در اولین آیات قرآن کریم هم چون آیه‌های «ن، والقلم و ما یسطرون» (القلم) و «الذی علم بالقلم» (العلق)، به خط اشاره شده است.

به دلیل محدودیت نسبی سایر هنرها همچون نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی و حتی گاهی حرام شمردن آن‌ها (عکاشه، ۱۳۸۰: ۱۰۷). هنر خوشنویسی یا خطاطی همواره در کلیه کشورهای اسلامی به عنوان والاترین هنر مورد توجه بوده است. بنابراین، در مواردی که در تمدن بیزانس از تصاویر پیکره‌ای بهره گرفته‌اند، در جهان اسلام از فرم‌های غیر پیکره‌ای استفاده شده است. به عنوان مثال: می‌توان به تأثیر شکوهمند خوشنویسی در کتیبه‌های یک محراب یا خطوط نگاشته شده بر روی سکه‌ها توجه کرد. از ویژگی‌های مهم هنر اسلامی برتری یافتن خوشنویسی و جایگزینی نسبی آن با نقاشی و پیکره‌سازی است. این همه به علاوه دلایل اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی و رقابت با تمدن‌های دیگر موجب شد تا هنرمندان و هنرپروان در سراسر سرزمین‌های اسلامی به هنر خوشنویسی توجه ویژه داشته باشند. از این رو، ذوق زیبایی شناختی مردمان این سرزمین‌ها به ویژه ایرانیان در اوج قدرت و نهایت ظرافت در این هنر تجلی یافت و خوشنویسی همواره مانند محوری در میان سایر هنرهای بصری درخشیده است.

اهداف تحقیق: بررسی تحولات تاریخی خط و کتابت در ایران باستان با تأکید بر خط و کتابت در قرون اولیه اسلامی در راستای تحقق این هدف تلاش شده معنا و مفهوم خط و خوشنویسی بررسی شود. از جهتی، انواع خط و تحولات هنر خوشنویسی در سرزمین‌های اسلامی و نیز ابعاد تزئینی خط در کتیبه‌ها در آثار معماری دوره اسلامی مورد مطالعه قرار گیرد.

پیشینه تحولات خط و کتابت

انسان از آغاز زندگی به علت اجتماعی بودن ذاتی‌اش به دنبال روشی برای برقراری ارتباط بوده است که بتواند عقاید خود را به دیگران بفهماند برای ادای این منظور ابتدا از نقاشی شروع کرده است. نقاشی روی دیواره غارها در مکان‌های مختلف جهان را می‌توان مدخل ورود به خط و کتابت قلمداد نمود. انسان اولیه در ابتدا به شکل و تصاویر حیوانات و جانورانی که از آن‌ها استفاده می‌کرده است، با رنگ‌های طبیعی که با تجربه به دست آمده بودند، روی بدنه غارها به تصویر می‌کشیدند (میردانش، ۱۳۸۰: ۱). در مراحل بعدی و در دوران زندگی در دامنه‌ها و دشت‌های حاشیه‌ای شاهد تحولات شگرفی در این عرصه بوده ایم. تکامل خط، طی مراحل مختلفی صورت پذیرفته است. بشر با تحول در فکر و اندیشه خود توانسته است به منظور رفع نیازهایش در طی قرون و اعصار انواعی از خط را ابداع نماید. ایلام، مصر، هند، چین و تمدن‌های بین‌النهرین نقش عمده‌ای در تکامل خط و تهیه کاغذ داشته‌اند. مطالعات باستان‌شناسی، گوشه‌هایی از تاریخ خط و کتابت را تاکنون روشن ساخته و احتمالاً در آینده نکات تازه‌تری کشف خواهد شد. مراحلی که تا کنون برای تکامل خط مطرح بوده عبارتند از:

۱. خط تصویری یا «تصویرنگار» که عبارت بود از تصاویر و عکس‌های موضوعات مختلف. این خط به نام خط هیروگلیف نیز معروف است و در اکثر تمدن‌های باستانی رواج داشته است.
۲. خط اندیشه‌نگار: عبارت بود از علائم قراردادی برای نوشتن.

۳. خط سیلاب‌نگار: مرحله قبل از الفباست که نوشته‌ها را به صورت سیلاب‌ها یا هجاها می‌آوردند، مانند خط میخی. بیشتر کتیبه‌های باستانی با خط میخی نگاشته شده و دارای انواع مختلفی است.

۴. خط الفبایی که با علائم خاص خود، جایگزین خطوط گذشته شده و در فرهنگ‌های مختلف با اشکال مختلف ملاحظه می‌شود.

خط و کتابت یکی از بزرگترین و مهمترین اختراعات تاریخ بشر است؛ زیرا با اختراع خط، ثبت رویدادها و رخداد های تاریخ زندگی انسان ها امکان‌پذیر شده است. بررسی‌های باستان شناسی نشان می‌دهد بسیاری از محوطه‌های باستانی در محدوده تمدن ایلام و سرزمین بین‌النهرین دارای شناسه‌ها و شواهد دوران آغاز نگارش قلمداد می‌شوند. آغاز نگارش به دوره‌ای از زندگی و حیات انسان گفته می‌شود که برای اولین بار نوشتن بر روی لوحه‌های گلی آغاز می‌شود. خط نخستین دارای تصاویر و علائم و نشانه‌های بی شماری است (مجیدزاده، ۱۳۸۴: ۶۰). دلوگاز لایه ۷-۳ اوروک رادوره آغاز نگارش گاه نگاری کرده است، پرکینز اوروک ۸ را دوره آغاز نگارش معرفی نموده است. دلوگاز آغاز نگارش را به چهار مرحله (a-d) تقسیم کرده است. ملوان ار بریتانیا، اصطلاح جمذت نصر برای مرحله پایانی اوروک به کار می‌برد که بیشتر الواح گلی مکشوفه در بین‌النهرین متعلق به ۳۰۰۰ ق.م تا زمان میلاد بوده است. خط تصویری یا خط پیکتوگرافی (تصویری) خط قرار دادی ایلام است که در شوش به دست آمده و متعلق به هزاره سوم ق.م است. این نوع خط به عنوان قدیمی‌ترین اثر مکتوب، از چپ به راست نوشته می‌شود. بعضی ابتدا سومریان و برخی دیگر سومریان و ایلامیان را به طور همزمان مخترعین خط می‌دانند و در واقع می‌توان ایلامیان را از اولین مخترعان خط میخی به حساب آورد. بخش عمده‌ای از گل نوشته‌های ایلامی در

شوش و چغازنبیل به دست آمده است. می‌توان اظهار نظر نمود که بنای زیگورات چغازنبیل گنجینه هویت تاریخ ایران زمین در عرصه خط و کتابت است. از ویژگی‌های مهم این زیگورات آجر نوشته‌هایی است که قسمت مهمی از اسرار این بنا را فاش می‌کند. تعداد این آجر نوشته‌ها بسیار زیاد است و پنج یا شش تیپ مختلف را در برمی‌گیرد که بر اساس معیار نوشته‌ها و خطوط از هم متمایز می‌شود. مضمون بیشتر آنها نفرین بر ویران کنندگان بناست. روی دیوارهای معبد آجرهایی به خط ایلامی و اکدی دیده می‌شود. این آجرها روی بدنه‌های زیگورات به فاصله هر ده رج تکرار شده‌اند. یعنی به ازای هر ده ردیف آجر ساده، دور تا دور بنا یک ردیف آجر کتیبه دار کار گذاشته شده است. این کتیبه‌ها همگی دارای مضمون یکسانی هستند و بیانگر نام و نسب پادشاه و هدف او از ساخت بنا همچین مجسمه‌های خدایان و عبادت موبد بزرگ ذکر شده است. آجرها توسط مهر مکتوب نشده‌اند؛ بلکه هر کدام جداگانه با دست نوشته شده‌اند؛ زیرا، ایلامیان از خط برای تزئین بنا استفاده کرده‌اند. در سال ۱۸۷۶ صدها آجر مکتوب از دل خاک بیرون آمده و اکنون در موزه‌های مختلف جهان قرار دارند (پورمحمدی، ۱۳۹۵: ۷۶). خط و کتابت در دوره تاریخی جایگاه ویژه‌ای در تمدن و فرهنگ ایرانی داشته است؛ اما اوج هنر خط و کتابت در دوره اسلامی و تحت تأثیر هنرمندان ایران رونق یافت. تأکیدهای مکرر قرآن بر اهمیت کتابت و ضرورت تدوین و حفظ کتاب خدا از طریق نوشتن، نقش مهمی در تعلیم و ترویج خوش نویسی در بین مسلمان برعهده داشته است.

خطوط و کتیبه‌ها: اصولاً خطوطی که بر روی اشیای هنری دوره اسلامی و همچنین بر سطوح داخلی و خارجی بناهای این دوره نقش می‌بندد، برای ذکر نام سفارش دهنده و هنرمند یا تاریخ و چگونگی تعلقات آن و مثبت کلمات و عبارات مقدس

مذهبی چون: بسم الله الرحمن الرحيم و اسامی مختلف خداوند و رسولش و جانشینان رسول اکرم(ص) یا آیات سوره‌های قرآن کریم که متناسب با بنا و هم‌چنین، یادآور وظایف دینی و اخلاقی و... می‌باشد.

اساتید خوشنویسی: در دوران اسلامی هنرمندان زیادی در سرزمین‌های اسلامی برخاستند و آثار ارزشمند خوشنویسی خود را به جامعه هنری در ممالک اسلامی تقدیم نموده‌اند. در این میان، نقش هنرمندان ایرانی، عثمانی و هندی برجسته بوده است. چهار تن از خوشنویسان نامی دوره اسلامی که در هنر خط ثلث، نسخ، نستعلیق و شکسته نستعلیق سرآمد بوده‌اند و به «ارکان اربعه هنر» خوشنویسی مشهور گشته‌اند عبارتند از:

– در خط ثلث: یاقوت مستعصمی (۶۹۸ هجری قمری)؛

– در خط نسخ: میرزا احمد نیریزی (اواسط قرن ۱۲)؛

– در خط نستعلیق: میرعماد حسنی (۱۰۲۴ هجری قمری)؛

– در خط شکسته ی نستعلیق: عبدالمجید طالقانی (۱۱۸۵ هجری قمری).

انواع خط

خطوط متعدد و متنوعی در سرزمین‌های ایرانی و اسلامی رواج دارد. در این میان خطوط اصلی به نظر خط شناسان عبارتند از: رقاع، ثلث، ریحان، محقق، توقیع و نسخ. این خط‌ها که به خطوط شش‌گانه یا اقلام سته نیز مشهورند، در اوایل قرن چهارم سال ۳۱۰ هجری قمری به وسیله ابن مقله بیضاوی شیرازی از بین اقلام مختلف انتخاب شد و وی در زیبا کردن آن‌ها ابتکاراتی به خرج داد. این خط‌ها به «خطوط اصول» نیز مشهورند.

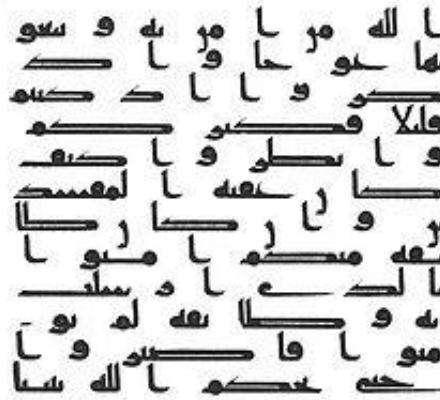
در ایران خط‌های تعلیق، نستعلیق و شکسته نستعلیق بیشتر رواج داشته که در دوره صفویه رونق پیدا کرده است. خوشنویسی اسلامی انواع مختلفی از شیوه‌های گوناگون دارد که به آن‌ها کلک، خط یا قلم می‌گویند این قلم‌ها که در زمان‌ها و سرزمین‌های

مختلف اسلامی رایج بوده، اغلب کم و بیش در کنار هم به حیات خود ادامه داده‌اند فقط در برهه‌های از زمان یا مکان‌هایی خاص از اهمیت شان کاسته شده یا ارج و قربی ویژه یافته‌اند. در بین انواع خوشنویسی، نستعلیق زیباترین نوع خوشنویسی محسوب می‌شود؛ بطوری که آن را 'عروس خطوط اسلامی' لقب داده‌اند. نستعلیق آمیخته دو خط تعلیق و نستعلیق است. مهم‌ترین خطوط رایج در بین سرزمین‌های اسلامی عبارتند از: کوفی، بنایی، نسخ، ثلث، محقق، ریحان، تعلیق، توقیع، اجازه، جلی، دیوانی، دیوانی جلی، دیوانی خفی، رقاع، رقعہ، مسلسل، سنبلی، آندلسی یا مغربی، سیاق، شجری، شکسته، نستعلیق، شکسته نستعلیق، معلی.

خط کوفی

اعراب پیش از ظهور اسلام از شیوه معینی در نگارش و مکاتبات پیروی نمی‌کردند. اما، با ظهور اسلام و توسعه سرزمین‌های اسلامی، در طول دوران مختلف، با ذوق هنری هنرمندان، شیوه‌ها یا قلم‌های مختلفی به وجود آمد که در کنار یکدیگر کاربرد داشته و عمده‌ترین آن‌ها تا به امروز همچنان رواج دارند. در صدر اسلام زیانویسی امری ناشناخته بود. در قرون اولیه اسلامی، خط کوفی برای تحریر قرآن پدید آمد که متشکل از عناصر مدور، عمودی‌های کوتاه و افقی‌های کشیده بود. خط کوفی با اشکال حروف عربی نوشته می‌شود؛ اما بدون نقطه می‌باشند. با تأسیس شهرهای کوفه و بصره در دوران شکوفایی اسلام، دانشمندان در سرزمین‌های اسلامی توجه زیادی به زبان و خط عربی داشتند و کوفه نقش تعیین‌کننده‌ای در خط مکی - مدینه‌ای داشت؛ و خط جدیدی پدید آمد که بنام خط کوفی مشهور شد. خط کوفی در پیدایش سلسله خطوط اسلامی رتبه نخست را داشته است؛ ولی در جریان تحولش تا سده پنجم هجری صورت هندسی و تزئینی یافت و تا حدی ناخوانا شد و به روشی برای تزئینات

و خوشنویسی بدل گشت. هیچ خطی چون کوفی برای مقاصد تزئینی با انواع و انحنا مختلف خود تا این حد مناسب نیست. خط نبطی و سریانی پس از فتوحات اسلام میان اعراب باقی ماند و تدریجاً از نبطی^{۴۳} خط نسخ پدید آمد و از سریانی خط کوفی پیدا شد. خط کوفی در ابتدا به خط حیره مشهور بوده و آن را به شهر حیره از شهرهای عربی عراق نسبت می‌دادند بعدها که مسلمانان در نزدیکی حیره شهر کوفه را ساختند خط حیری به خط کوفی تبدیل یافت (اثر، ۱۳۸۲: ۷۷).

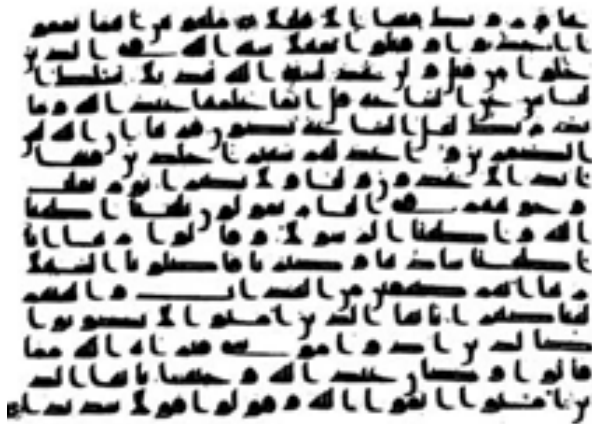


نمونه‌ای از خط کوفی اولیه

خط کوفی دارای انواع مختلفی است. خط کوفی ساده، خط کوفی مایل، خط کوفی مشق، کوفی خراسانی، کوفی پیرآمیز، کوفی ایرانی. این نوع خطوط در آثار معماری اسلامی ایران با روش حجاری، گچبری، کاشیکاری و آجرکاری به کار رفته و یا بر اشیای هنری چون سفال، فلز، پارچه و غیره نقش بسته؛ ولی کوفی تزئینی که بیشتر خطوط محراب‌هاست در موزه دوران اسلامی نیز به آن کتابت شده است. این نوع خط جز رعایت حروف الفبا تحت قواعد اساسی ثابت و معینی نیست و بیشتر

^{۴۳}-nabati

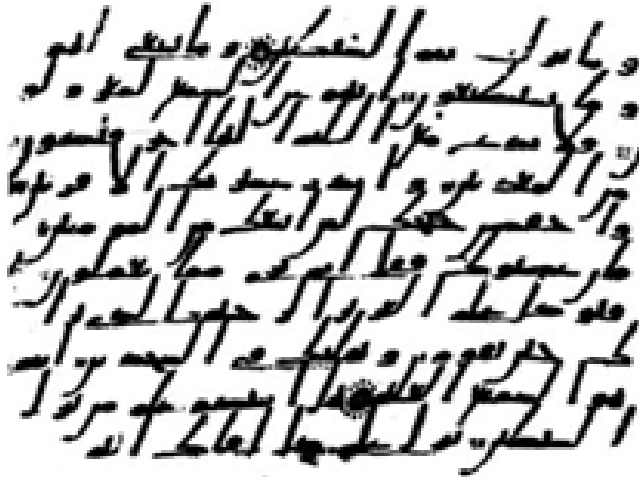
پیچیده و سخت خوانده می‌شوند؛ دزیرا، در آن تصورات و ابداعات بسیار شده و برای نظم و ترتیب و قرینه‌سازی و پرکردن زمینه، متوسل به رسم نقاشی شده و خط را در میان شاخه، گل، برگ و تزئینات هندسی که همراه حروف به کار رفته پنهان ساخته‌اند. **خط کوفی ساده (بسیط):** کوفی ساده از انواع کوفی مشرقی است که در قرن اول هجری رواج داشته و می‌توان گفت منشأ دیگر اقلام کوفی بوده است. این خط به دلیل سادگی و نداشتن نقطه و اعراب در تمام شرق و غرب جهان اسلام نگاشته می‌شد. خط کوفی ساده برای کتابت قرآن مجید، نگارش نامه‌ها و مکتوبات، سنگ نوشته‌ها و کتیبه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت و در آن از تزئینات معمول استفاده نمی‌شد. (علی اصغر مقتدایی، سال سوم پرونده هجدهم).



نمونه خط کوفی ساده

خط کوفی مایل: خط مایل از مهم‌ترین خطوط کوفی ساده است که برای کتابت قرآن مجید در قرون اولیه اسلامی استفاده می‌شده است. از ویژگی‌های خط مایل، این است که حرکت قلم به صورت مایل بوده و عمودی‌ها به صورت شیب‌دار و مورب به

سمت راست نوشته می شوند. در این خط هیچ گونه تذهیب و علامتی از نشانه گذاری برای سوره ها وجود ندارد و فقط برای تفکیک آیات، نشانه هایی از قبیل دوایری که اطراف آن ها نقطه گذاری شده و یا شش نقطه افقی (دو به دو زیر هم) تعیین شده است که همه این ها معرف ویژگی های خطوط کوفی اولیه است. خط مایل تا قرن دوم هجری رواج داشت و سپس منسوخ شد و خط کوفی بنایی جایگزین آن گردید.

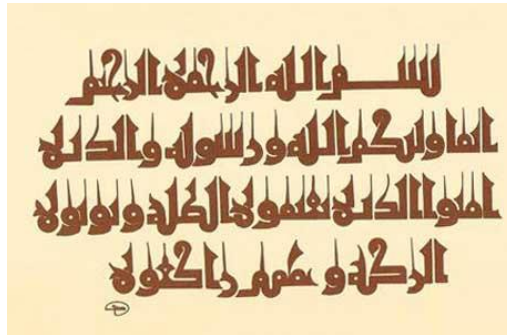


نمونه ی خط کوفی مایل

خط کوفی مشق: این نوع خط نسبت به خط مایل کمی مدورتر بود و از آن به عنوان خط مطول و تمديد یاد شده است. حروف عمودی در آنها کوتاه است و نوع حرکت افقی قلم و کشیده ها از خصوصیات بارز این خط به شمار می رود. طول این امتدادهای افقی سطر به سطر متفاوت است. خط مشق به دلیل همین پیچیدگی و رعایت نکردن بعضی از ضوابط آنها بعدها ساده تر شد.

خط کوفی خراسانی

خط کوفی خراسانی: این شیوه از کوفی در خراسان قدیم و در عهد غزنویان، سده‌های چهارم و پنجم هجری رواج داشته است. الف و لام‌ها در آن خط از کشیدگی و موازات بیشتر، برخوردارند. سنگ مزار مطهر حضرت امام رضا علیه السلام با این خط نوشته شده است. خط کوفی خراسانی را کوفی غزنوی نیز نام نهاده‌اند.



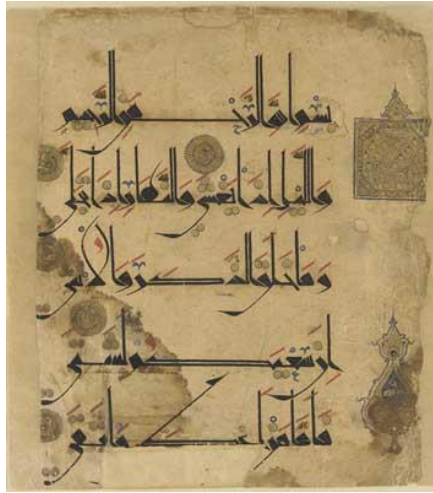
خط کوفی خراسانی

خط کوفی پیر آموز: کلمه پیر آموز در اصل پارسی و ایرانی است و در فرهنگ‌ها و کتب ادبی به معنی سهل و آسان آمده است. در بیان وجه تسمیه این خط آمده است، چون فراگرفتن این خط چنان آسان بوده که پیران هم می‌توانستند آن را بیاموزند از این رو به پیر آموز معروف شده است.



تصویر ۵: خط کوفی پیر آموز

خط کوفی ایرانی: خط کوفی شرقی که به آن کوفی ایرانی نیز می‌گویند، در اواخر قرن چهارم هجری قمری توسط ایرانیان ابداع گردید، کوفی شرقی، در بین خطوط کوفی، مقام خاصی داشته و خصوصیات منحصر به فردی را داراست که مشخصاً با نوع کوفی اصیل متفاوت است. بارزترین مشخصه این نوع خط، عمودی‌ها و دنباله‌های بالارونده کشیده، و حروف کوتاه خوابیده که به سوی چپ مایل است. این امر حرکت و پویایی آن را تقویت می‌کند. طوری که برخی محققان آن را (کوفی خوابیده)، (کوفی مایل) نیز نامیده‌اند، خط کوفی شرقی از خطوط انحنادار تأثیر گرفته و خطوطش ظریف و شکیل‌تر از کوفی اصیل است. خط کوفی شرقی را کاشان ایرانی به کار می‌گرفته‌اند.



تحولات خوشنویسی در ایران

قبل از اسلام در میان فرهنگ‌های ایرانی خطوط مختلفی مانند میخی، پهلوی و اوستایی رایج بود؛ ولی پس از ظهور اسلام ایرانیان الفبا و خطوط اسلامی را پذیرفتند. در ایران

پس از فتح اسلام، خطاطی به شیوه نسخ وجود داشت. در پرتو حمایت ابوبکر بن سعد زنگی در فارس، ده‌ها نسخه قرآن خطی به وجود آمد. در زمان حکومت ایلخانان، به دلیل نفوذ چینی‌ها و مغول‌ها، اوراق مذهب کتاب‌ها نخستین بار با نقش‌های تزئینی زینت یافت. در زمان حکومت تیموریان در ایران، خط و خوشنویسی به اوج کمال خود رسید. میرعلی تبریزی با ترکیب خط نسخ و تعلیق، خط نستعلیق را بنیان نهاد. مشهورترین خطاط قرآن در این دوره بایسنقر میرزا بود و بزرگ‌ترین استاد نستعلیق‌نویس در طول تاریخ میرعماد حسنی بود. اوایل قرن هفتم خط تعلیق از ترکیب خطوط نسخ و رقاع به وجود آمد که بیشتر به عنوان خط تحریر برای نوشتن نامه‌ها و فرمان‌های حکومتی بکار می‌رفت. خط تعلیق را می‌توان نخستین خط کاملاً ایرانی دانست. دومین خط ایرانی در قرن هشتم توسط میرعلی تبریزی (۸۵۰ ه. ق) از ترکیب و ادغام دو خط نسخ و تعلیق شکل گرفت و به نام نستعلیق نامیده شد. نستعلیق در دوره تیموری کامل‌تر شد و در دوران صفوی به اوج رسید که سرآمد همه خوشنویسان میرعماد در این دوره ظهور کرد. هم‌زمان به هند و عثمانی راه یافت و خوشنویسان بزرگی به ویژه در هند در این عرصه خوش درخشیدند. در ایران پس از یک دوره رکود دوباره در دوران قاجار آثار درخور توجهی از نستعلیق پدیدار گشت. در اواسط قرن یازدهم سومین خط خالص ایرانی، یعنی شکسته نستعلیق به دست مرتضی قلی خان شاملو حاکم هرات با تغییر دادن خط نستعلیق ابداع شد. علت پیدایش آن را می‌توان به سبب نیاز به تندنویسی و راحت‌نویسی در امور منشی‌گری و بیش از آن ذوق و خلاقیت ایرانی دانست.

کتیبه بندی تزئینی در آثار معماری ایرانی

تزئین سردر فضاهای ورودی، دیوارها، درها، گنبدها و محراب ها در مساجد، زیارتگاه ها، آرامگاه ها، آب انبارها، سقاخانه ها، کاروانسراها و... با کتیبه و به قصد تبرک و تیمن و تقدس، از زمان های قدیم مرسوم بوده است. برای تزئین کتابها و نوشته ها از آیات قرآنی، احادیث نبوی، ادعیه و اشعار غالباً مذهبی استفاده می کرده اند.

آثار معماری مزین به خط

یکی از انواع خوشنویسی اسلامی، خط بنایی یا مَعْقِلی یا هزارباف است که از ترسیم اشکال هندسی مانند مربع، لوزی، مستطیل و خطوط موازی و متقاطع شکل گرفته است. خط بنایی در واقع نوع تزئین نشده و هندسی خط کوفی است که براساس خانه های شطرنجی طراحی می شود. این خط از قرون اولیه هجری در معماری بناهای اسلامی مورد استفاده قرار می گرفت. می توان گفت مهمترین اثر معماری ایرانی اسلامی مزین به این نوع خط مسجد امام (مسجد جامع عباسی) در در مجموعه میدان نقش جهان اصفهان است.





بقعه مای صالح (مهدی صالح)

آثار بقعه مای صالح (مهدی صالح) با سبک معماری دوره ایلخانی در حاشیه شمالی شهر ماژین از توابع شهرستان دره شهر واقع شده است. رودخانه کرخه از شرق این اثر جریان دارد و رشته عظیم کبیر کوه که مهمترین و بلندترین ارتفاعات حاشیه غربی زاگرس می باشد به صورت دیواره ای منظم و نفوذ ناپذیر با فاصله حدود یک کیلومتر در غرب بخش ماژین و بنای بقعه، با جهت شمال غربی - جنوب شرقی امتداد دارد. بررسی های تاریخی نشان می دهد که پس از مرگ ابوسعید و رقابت سرداران مغول برای بدست گرفتن قدرت، حکومت های ملوک الطوائفی جای حکومت مرکزی را گرفت و اقتدار ایلخانیان روبه ضعف نهاد. در این میان دولت ایلکانیان در مغرب ایران و عراق عرب به وسیله شیخ حسن ایلکانی تأسیس گردید. در محدوده بخش ماژین که بر سر راه ارتباطی اندیمشک، پلدختر و دره شهر واقع شده است آثاری منسوب به دوره ایلخانی بر جای مانده است که مهمترین آنها بقعه مای صالح (مهدی صالح) می باشد. در این مقاله این اثر معرفی شده است.

خط نسخ در قالب گچ بری

روی سطوح جانبی قبر، آیات شماره ۲۲ و ۲۳ سوره مبارکه (حشر) با خط نسخ و در قالب گچ بری به زیبایی تمام حک شده است. متن آیه سطح جنوبی «بسم الله الرحمن الرحيم. هو الذي لا اله الا هو. عالم الغيب و الشهاده هو الرحمن الرحيم - هو الذي لا اله الا» دنباله آیه روی سطح جنوبی: «هو الملك القدوس السلام المومن». در سطح شمالی دنباله آیه ۲۲ و آیه ۲۳ سوره مبارکه (حشر) نوشته شده است: «المهين العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون. هو الله الخالق الباري المصور له الاسماء الحسنی يسبح ما في السموات و الارض هو العزيز الحكيم».

همین بر روی دیوارهای جانبی بنا در داخل مقبره آیاتی از قرآن کریم به طرز بسیار زیبایی گچ بری شده است که متأسفانه قسمت عمده این آیات در قسمت های شرقی و شمالی از بین رفته و به طور ساده گچ اندود شده است. بر روی این دیوار آیاتی از سوره مبارکه «الفتح» با دو خط کوفی و نسخ گچ بری شده بوده است که متن آن به شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحيم. انا فتحنا لك فتحا مبينا. ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك و ما تأخر و يتم نعمته عليك و يهديك صراطا مستقيما و ينصرك الله نصرا عزيزا هو الذي انزل السكينة في القلوب المومنين اليزداد و...» بر اساس روایت منبع پیشین، دنباله این نوشته در همان ایام هم به دلیل تخریب و شکستگی قابل رویت و قرائت نبوده است. این بنای عظیم همان طوری که قبلا بیان شد از شاهکارهای معماری اسلامی عصر ایلخانی است. تزئینات بسیار زیبا از جمله نقش و نگارهای که در گچ بری های آن به چشم می خورد، هر بیننده ای را به تعجب و تحسین وا می دارد. مخصوصا گچ بری های دو طرف محراب که به صورت منظم و متوازن دو دایره همانند و هماهنگ گل

های زیبایی گچ بری شده است که در قالب دو مجموعه دایره ای هشت پر مشاهده می شود. هر یک از این گل ها دارای حواشی زیبایی است که در وسط یک گل هشت پر یارزت مشاهده می شود. آیات قرآنی همان طوری که قبلا بیان شد به شکل زیبایی حواشی این گل های دایره ای را عظمت بخشیده است. در بالای محراب مقبره (مهدی صالح) و در داخل گچ بری جناغی، نقوش دیگری با دو حاشیه مختلف وجود دارد که در قسمت پایین محراب سوره مبارکه توحید و پایین تر از آن قسمتی از آیه الکرسی با بهره گیری از خط کوفی با مهارت و زیبایی خاص گچ بری شده است. گچ بری داخل محراب بسیار چشمگیر و زیباست. نوع گچ بری آن لانه زنبوری است. در دو طرف این محراب نیز چهار جمله « لا اله الا الله. محمد رسول الله (ص). نصر من الله و فتح قریب و بشر المومنین» به طرز زیبایی گچ بری شده است که دقت و توجه معمار بنا و هنرمندی او تحسین برانگیز است



بقعه مای صالح (معین صالح)

گنبد سلطانیه: این بنا یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین بناهای دوره اسلامی ایران است که در ۳۰ کیلومتری زنجان و در بخش قدیمی شهر سلطانیه واقع است. کتیبه‌های مختلفی بر روی این اثر ترسیم شده و نیز دارای تزئینات آجری زیبایی است. آیات قرآن، احادیث پیامبر (ص) و کلمات قصار حضرت علی (ع) در سراسر گنبد دیده می‌شود. خط کوفی نوشته شده بر روی دیوار ایوان جنوبی: اللهم اشفنا بشفاثک و داونا بدوائک (خداوندا ما را به شفای خود شفا ده و به دواي خود ما را مداوا فرما) که در ارتباط با مریض بودن اولجایتو است. در همان ایوان برای اولین بار با آیه‌ای در ارتباط با مرگ روبه رو می‌شویم که با رنگ قرمز آیه "کل من علیها فان" چندین بار تکرار شده است. وجود این آیه به نشانه در گذشت سلطان اولجایتو بوده است. گنبد سلطانیه پس از «سانتاماریا» کلیسای جامع مریم مقدس در فلورانس ایتالیا و مسجد «ایاصوفیا» استانبول سومین بنای عظیم تاریخی در جهان است که در محدوده ۳۵ کیلومتری شرق زنجان واقع شده است. گفته می‌شود در ساخت گنبد بزرگ شهر فلورانس، از این گنبد الگوبرداری شده است. گنبد از کاشی‌های فیروزه‌ای رنگ پوشیده شده و سقف داخل اطاق‌های بالا با گچ‌بری‌ها و آجرهای رنگارنگ تزیین یافته است. در حاشیه طاق‌ها آیات قرآنی و اسم‌الله با خط جلی نوشته شده است. حکاکی‌هایی در آجرهای دیوارها و سقف‌های رنگین بنا نیز دیده می‌شود (شروع ساخت بنا به دستور ارغون خان از ایلخانان مغول بوده و در عهد حکومت سلطان محمد خدا بنده العجایتو به اتمام رسید). این بنای تاریخی دارای ۴۸/۵ متر ارتفاع و دارای هشت ایوان مرتفع و نزدیک به ۵۰ اتاق و حجره می‌باشد. گنبد سلطانیه اولین بنای آجری جهان و باشکوه‌ترین بنای اسلامی است.



گنبد سلطانیه

برج علویان: برج و مسجد علویان که از شاهکارهای هنر معماری و تزئیناتی اسلامی است در داخل شهر همدان ساخته شده است. این بنا منسوب به دوره سلجوقیان است و سازمان میراث فرهنگی کشور از آن محافظت می کند. تزئینات نمای آجری و گچبری های بسیار زیبا در قالب تصاویر و نوشته ها، عظمت هنر معماری اسلامی را در این بنا نشان می دهد.





تزیینات گچبری گنبد علویان - همدان

برج قابوس: این اثر تاریخی، بلندترین برج آجری جهان و یکی از بی نظیرترین یادمان‌های برجسته معماری ایران در دوره اسلامی است که در شمال شهر گنبد قابوس و در سه کیلومتری بازمانده شهر قدیم جرجان مرکز حکومت آل زیار واقع شده است. این برج بر روی تپه‌ای به بلندی ۱۵ متر قرار گرفته و در سال ۳۹۷ هـ ق به عنوان یادمان شمس المعالی قابوس بن وشمگیر ساخته شده است. ارتفاع این برج ۵۵ متر و با احتساب بلندی تپه در مجموع ۷۰ متر از سطح زمین ارتفاع دارد. میل گنبد بیش از هزار سال، سرفرازانه سر به آسمان کشیده و تمدن کهن مردم این دیار را به رخ جهانیان می‌کشد. این بنا از چهار بخش تشکیل شده است که شامل: پی و صفة بنا، سردابه، بدنه و گنبد مخروطی می‌شود. ارتفاع بنا ۷۰ متر، بدنه بنا ۳۷ متر و دارای ۱۰ ترک است.



برج قابوس

ساختمان این بنای آجری از دو قسمت تشکیل شده است:

الف) بدنه سیل؛

ب) گنبد مخروطی شکل آجری از نوع رک.

در روی بدنه بنا هیچ آرایه آجری به جز کتیبه‌های آن دیده نمی‌شود (حسین پناه، ۱۳۸۸: ۱۵۰). دو ردیف کتیبه کوفی، روی بدنه و قاعده گنبد، حکایت از آن دارد که این بنا در سال ۳۹۷ هجری ساخته شده است (سایت راسخون).

رباط (کاروانسرا) سرخس: این کاروانسرا دارای تنوع بسیار عظیم استفاده از آجری باشد که به موزه آجرکاری ایران مشهور است. یکی از انواع این آجرکاری‌ها، کتیبه آجری است. این کتیبه‌های آجری را در قسمت‌ها متفاوت می‌توان مشاهده نمود:

الف) کتیبه کوچکی در ایوان خاوری حیاط دوم که فقط چند حرف آن باقی مانده است.

ب) روی سردرها که از خط درشت با استفاده از آجرهای درشت که سردرها را برگرفته‌اند.

ج) خط باریکی به صورت افقی روی طرح‌های هندسی ایوان انتهایی است.

نتیجه گیری: قدیمی ترین نسخه های قرآن به خط کوفی است. پس از قرن پنجم هجری، خط کوفی تقریباً جای خود را به خط نسخ داد که حروف آن بر خلاف حروف زاویه دار کوفی منحنی و قوس دار است. خط عربی در آغاز به نوعی از خط نسخ که برگرفته از شیوه نگارش خط نبطی بود نوشته می شد. خط کوفی نیز بر آن اضافه شد که گفته می شود در کوفه رایج شد و این همان خطی است که کاتبان اصلاحات خود را بر آن اعمال کردند که بزودی در خط نسخ نیز انجام شد. سریانی های مقیم شام خط عربی را با چند شکل می نوشتند که از آن میان، خط سطرنجیلی ویژه کتابت تورات و انجیل بوده است. خط کوفی تحت تأثیر خط سطرنجیلی برای نگارش قرآن پدید آمد. بعدها در دوران عباسیان، خط های دیگری نیز برای نگارش الفبای عربی رواج یافت. در زمان مأمون عباسی نویسندگی، ترجمه و امور دیوانی اهمیت پیدا کرد و کاتبان در نیکو ساختن خط به رقابت پرداختند و چندین قلم دیگر پدیدار شد. در نتیجه خط کوفی به بیش از بیست شکل درآمد؛ ولی قلم نسخ اولیه، کم و بیش به همان شکل در میان مردم و برای تحریر مطالب غیررسمی رایج بود تا آنکه ابن مقله خوشنویس نامی (درگذشت: ۳۲۸ ه. ق) با نبوغ خود نیاز به بازبینی خطوط را درک کرد و خطوط مشخص و قواعد معینی را مطرح کرد. بخش عمده ای از سنگ نوشته ها و تزئینات حجاری در بنا های ایرانی با بهره گیری از خط و کتابت رایج در سرزمین ایران انجام شده است. شرح بنا، سازنده و معمار ابنیه و دوران حکومتی حاکمان از جمله محتوای سنگ نوشته ها را تشکیل می دهد. از جهتی بهره گیری از خوشنویسی ایرانی - اسلامی در بناها و معماری اسلامی نقش تزئینی در بنا را ایفا نموده است.

منابع و مآخذ:

- پاکباز، روئین؛ (۱۳۹۵)، دایره المعارف هنر، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- پیرنیا، محمد کریم؛ (۱۳۸۳)، آشنایی با هنری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- شریف، میر محمد؛ (۱۳۸۲)، هنرهای اسلامی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- عمید، حسن؛ (۱۳۷۷)، فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- جوانی دیزجی، آیدین؛ (۱۳۸۸)، تاریخ معماری - درک عمومی معماری، تهران: انتشارات گنج هنر.
- عکاشه، ثروت؛ (۱۳۸۰)، نگارگری اسلامی، ترجمه غلامرضا تهامی، چاپ اول، تهران: انتشارات سوره مهر.
- فصلنامه علمی و فرهنگی و هنری اثر؛ (۱۳۸۲)، شماره ۳۵، تابستان.
- میردانش، سید مهدی؛ (۱۳۸۰)، آشنایی با بناهای تاریخی، تهران: انتشارات مدرسه.
- مجیدزاده، یوسف؛ (۱۳۸۴)، تاریخ و تمدن بین النهرین، جلد نخست، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- محمودیان، حبیب اله؛ (۱۳۸۳)، معرفی اجمالی قلعه‌های باستانی استان ایلام، ایلام: انتشارات گویش.
- محمودیان، حبیب اله؛ (۱۳۷۹)، معرفی یکی از مقبره‌های دوره اسلامی در استان ایلام، فصلنامه فرهنگ ایلام، شماره اول، بهار.
- محمودیان، حبیب اله؛ (۱۳۸۱)، گزارش مستند سازی آثار شهرستان دره شهر. میراث فرهنگی استان ایلام.
- محمودیان، حبیب اله؛ (۱۳۷۷)، راهها و معابر باستانی غرب زاگرس در دوران پارت و ساسانی
- مشکور، محمد جواد؛ (۱۳۷۲)، تاریخ ایران زمین،، اشراقی.

– مهریار، محمد؛ (۱۳۶۵)، بررسی اجمالی پل دختر (جایدر)، مجله اثر شماره‌های ۱۲-۱۳-۱۴ اسفند.

– وب‌گاه زر قلم – برداشت آزاد با ذکر منبع.

– وب‌گاه تبیان – برداشت آزاد با ذکر منبع.

– هنر، سید حسین؛ (۱۳۸۹)، هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران: انتشارات حکمت.

1- Brend, Barbara , *Islamic Art* ,British Museum Library, Third Edition, ۱۹۹۵,

– سایت [www. Gareth. Com.](http://www.Gareth.Com)

– سایت [www. Rackham. Net.](http://www.Rackham.Net)

– سایت [www. Cgpersian. Com.](http://www.Cgpersian.Com)

– سایت [Wikipedia. Org.](http://Wikipedia.Org)

بررسی باستان شناختی عنصر ستون در آثار معماری سنگی

دکتر علی خاکی^{۴۴}، دکتر پریسا پورمحمدی^{۴۵}، حبیب اله رشید بیگی^{۴۶}

چکیده

بررسی آثار بر جای مانده از سازه‌های معماری سنگی در ایران نشان می‌دهد هنرمندان و معماران ایرانی با تفکر و تدبیر خود توانسته‌اند هنر خود را در عرصه معماری سنگی به نمایش بگذارند. در میان اجزای تشکیل دهنده معماری سنگی، ستون از ظرافت و ویژگی خاصی برخوردار بوده از این رو، در مطالعات باستان شناسی دارای اهمیت زیادی است. در معماری کاخ‌ها، عمارت‌ها و تالارهای ایجاد شده در شهر و مکان‌های باستانی چون: تخت جمشید، پاسارگاد، شوش و... از ستون استفاده شده که بررسی الگوها، تکنیک‌ها و شیوه‌های بکار رفته این عنصر، در معماری سنگی مورد توجه باستان شناسان و هنرمندان معمار و پژوهشگران این عرصه بوده است. از این رو، در این نوشتار تلاش شده این عنصر مهم از ابعاد مختلف مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: شالی ستون، معماری سنگی، سرستون، حکمتانه، صد ستون، آپادانا.

^{۴۴} - عضو هیئت علمی دانشگاه شهید رجایی.

^{۴۵} - دانش آموخته دکترای باستان شناسی دوره تاریخی ایران. مدرس دانشگاه هنر شیراز.

^{۴۶} - دانش آموخته باستان شناسی پیش از تاریخ ایران.

مقدمه: سنگ از جمله عناصر موجود در طبیعت است که از هزاران سال پیش در معماری و ساختمان سازی در جوامع مختلف مورد استفاده بوده و امروزه نیز همچنان از مصالح محبوب و مهم معماری مدرن محسوب می‌شود، سنگ‌ها به دلیل داشتن قابلیت های متنوع چون: استحکام، زیبایی، عایق بندی صدا و حرارت، نفوذ ناپذیری و ده‌ها ویژگی دیگر موجب شده که در معماری داخلی و خارجی سازه‌های مختلف مورد استفاده قرار گیرد. با ورود آریائی‌ها به ایران در اواخر هزاره دوم پیش از میلاد، دگرگونی‌هایی در شیوه زندگی از جمله مصالح و چگونگی ساختمان سازی پدید آمد و مصالح سنگی به شکل و شیوه جدیدی به کار گرفته شد. بررسی و مطالعه علمی مجموعه آثار معماری سنگی برجای مانده از کاخ‌ها، تالارها و عمارت‌ها در شهرهای عهد باستان نشان می‌دهد هنرمندان معمار با بهره گیری ابتکار و خلاقیت خود، شاهکار های ارزشمندی را خلق نموده اند که با گذشت هزاران سال همچنان پایدارند. یکی از عناصر مهم در معماری سنگی، استفاده از ستون در تالارها و بناهای نسبتاً بزرگ برجای مانده از دوران تاریخی است. بهره گیری از ستون در دوران مختلف در سازه های معماری عنصر ایرانی نقش کلیدی داشته است. ایلامیان از جمله اقوام ایرانی است که در بنا های خود از ستون استفاده کرده‌اند (محمودیان، ۱۳۹۳: ۷).

در دوران بعد به ویژه در عصر هخامنشی ستون جایگاه ویژه‌ای در معماری ایفا نموده است. کاخ‌های مجموعه تخت جمشید، پاسارگاد و شوش مهم‌ترین نمادهای بناهای سنگی و بهره گیری از ستون قلمداد می‌گردد. به لحاظ اهمیت ستون در معماری سنگی، در این نوشتار تلاش شده تا ابعاد مختلف این عنصر معماری مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

سازه‌های سنگی

ساختمان‌های دورهٔ هخامنشی مانند پاساگارد، شوش، تخت جمشید و بعضاً هگمتانه در قسمت پایه‌ها و ستون‌ها و سردرها از سنگ ساخته شده است. این سنگ‌های بزرگ به صورت منظم تراش داده شده و بدون ملاط روی هم گذاشته شده‌اند. این سنگ‌ها با بست‌های آهنی به یکدیگر پیوند داده شده‌اند. در سنگ نوشته‌هایی که به جای مانده و کتیبه داریوش در شوش نمونه‌ی مشخصی از این نوع می‌باشد گفته شده است که در کاربرد مصالح و شکل دادن به آن‌ها در مناطق مختلف جهان به گونه و شکلی خاص بهره‌گیری شده است. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد تراش سنگ‌ها و حجاری-های شوش به دست اقوام «ایونی» انجام شده است.

روش‌های استخراج سنگ

برای استخراج سنگ از معدن در دوران باستان روش‌های مختلفی به کار می‌بردند. ابتدا با ذره‌های فلزی و یا اره‌هایی شبیه به اره‌های امروزی اطراف سنگ را از کوه جدا می‌کردند و سپس در شکاف‌های حاصله گوه‌های چوبی قرار داده و شکاف را از آب پُر می‌کردند. در نتیجه گوه چوبی باد کرده و به سنگ فشار آورده و تکه سنگ را از کوه جدا می‌کرده است. ابزار دیگری که در این کار مورد استفاده قرار می‌گرفت «قلم فلزی» بود. در جدا نمودن سنگ ساختمانی از کوه دقت زیادی در انتخاب بخش-های بی‌رگه می‌کردند.

تراش و تزئینات سنگ

تکه‌های سنگ که با روش‌های مختلف از کوه جدا می‌شد هر چند شکل هندسی داشتند؛ اما، روی آن‌ها صاف و هموار نبود. بنا براین، تکه‌های سنگ پس از انتقال به جایگاه ایجاد ساختمان با دست هنرمندان سنگ‌تراش، کار هموار کردن رویه‌های

سنگ و برخی تزیینات «نما» آغاز می‌شد. بخشی از کارهای مربوطه پیش از قرار دادن در بنا و بقیه آن پس از قرار گرفتن در محل نهایی انجام می‌گرفت. ابزارهای صاف کردن رویه سنگ، افزون بر تیغه‌های فلزی تکه‌هایی از سنگ‌های تخت بوده است که به حالت چکش و با کوبیدن به بخش‌های نا صاف سنگ هموار می‌شد. از شن‌های ریز که کار سمباده را انجام می‌داد در صاف کردن اولیه سنگ بهره‌گیری می‌شد. از ابزارهایی چون «گونیا» و «ریسمان» برای شکل‌گیری منظم و دقیق سنگ استفاده می‌شد.

کاربرد سنگ

کاربرد سنگ در ساختمان از دوران باستان تابع امکانات معدنی و ابزارهای شکل‌دادن به سنگ و هدف‌های خاص ساختمانی بوده است. نخستین ساختمان‌های بزرگ سنگی در مصر باستان ساخته شده است که در آن منابع سنگ فراوان یافت می‌شد. در آن سرزمین تکه‌های کم و بیش منظم سنگی به کمک ملاط گچ روی هم نهاده می‌شد. کاربرد سنگ و مصالح سنگی در ساختمان‌ها در دوره‌های اشکانی و ساسانی نیز ادامه داشته است. ساختمان‌های سنگی اشکانی و ساسانی عموماً از سنگ‌های لاشه که در ملاط گچ و خاک و یا آهک قرار می‌گرفتند ساخته می‌شد؛ زیرا ایرانیان همواره تلاش بناهایی پایدار احداث نمایند و به این لحاظ از سنگ استفاده می‌نمودند. از انواع سنگ علاوه بر کاربرد در ساخت ابزارهای سنگی و ساختمان‌سازی، در فرم‌های آرایش «تزیینی» نیز به کار رفته است. در عهد باستان معدن و کان‌سازهای برخی از سنگ‌های درخشان و رنگین در ایران شناخته شده است. این سنگ‌های بهاء دار به علت رنگ، درخشش و جلا به عنوان اشیای آرایشی به کار رفته و داد و ستد می‌شده

است. ایرانیان به سنگ‌های شفاف، رنگین و بهادر اهمیت می‌دادند. این نگرش موجب پیدایش پیشه‌ها و مشاغلی در بخش سازه‌های سنگی بوده است.

مراحل ساخت ستون‌های سنگی

از اهرم، قلم‌های چند دندانه، پتک و چکش برای کندن سنگ‌ها از بدنه‌ی کوه‌ها و تراش سنگ‌ها استفاده می‌شده است و گروه‌های مختلف این کار را انجام می‌دادند. گروهی وظیفه کندن سنگ‌ها از بدنه کوه را بر عهده داشتند و در اطراف قطعه سنگ مورد نظر (نیم متر یا یک متر) حفره‌هایی ایجاد می‌کردند و درون آن را الوار چوبی می‌گذاشتند و با آب زدن به چوب حجم آن را افزایش می‌دادند. - چوب با آب خوردن حجمش زیاد می‌شود - افزایش حجم چوب باعث می‌شد تا سنگ کم کم از کوه جدا شود (محمودیان، ۱۳۹۷: ۱۱۹). گروه دوم، وظیفه حمل سنگ‌های غول پیکر را به عهده داشتند. آن‌ها سنگ‌ها را به وسیله ارابه‌های که توسط اسب، قاطر یا هر حیوان بارکش دیگری کشیده می‌شد یا به وسیله بلم از روی آب عبور می‌دادند. گروه سوم، وظیفه تراش سنگ‌ها را به عهده داشتند، آن‌ها سنگ‌ها را به صورت قالب در می‌آوردند و برای جا به جایی سنگ‌ها در ارتفاعات بازو‌هایی برای سنگ‌ها تعبیه می‌کردند و دور بازوها را طناب می‌پیچیدند و آن را بالا می‌بردند. مثلاً قلعه ستون را که شکل اولیه‌اش مکعب است را دو بازو اطرافش تعبیه می‌کردند. عملیات تراش و گرد کردن را بعد از سوار کردن قلعه‌ها روی همدیگر انجام می‌دادند. برای بالا بردن ستون از داربست‌های چوبی، طناب‌های ضخیم، قلاب و قرقره استفاده می‌کردند.



پایه ستون در معماری هخامنشی

نحوه تثبیت قطعه‌های ستون

– یک گودی چهارگوش روی مرکز کف قطعه ستون ایجاد می‌کردند، اطرافش را زبره تراش و حاشیه‌اش را صاف و صیقلی می‌کردند. بین این دو قطعه یک قطعه چوب می‌گذاشتند و دو قطعه را با استفاده از سرب یا آهن گداخته به هم ثابت می‌کردند (روش گودی و زبانه).

– گاهی اوقات قطعه بالایی که زائده دارد که در گودی و پائین قرار می‌گیرد.

– قسمت زبره تراش باعث می‌شود دو قلعه ستون روی هم اصطکاک بیشتری داشته باشند و در مقابل تکان‌های شدید مقاوم باشند.

– برای تراش سنگ‌ها از تکنیک بادبرد استفاده کرده‌اند؛ یعنی بخشی از سطح سنگ صیقلی است و بخشی حالت زبره تراش دارد.

– در ساخت بنا از سنگ‌های مختلفی استفاده می‌کردند مثل سنگ مرمر سفید، خاکستری و سیاه. معادن این سنگ‌ها معمولاً در کنار محوطه‌های هخامنشی است. مثلاً برای ساخت پاسارگاد از معادن سیوند و کوه‌های تنگه بلاغی استفاده شده است. – معماری هخامنشی اساساً شاهانه و دولتی است. دولت در اختیار شاه است و پدیده‌های هنری با سفارش دولت شکل می‌گیرد و سلیقه دولت در هنر دخیل است و خلاقیت فردی هنرمند تأثیری ندارد. ایده از طرف پادشاه به هنرمند تحمیل می‌شود. به همین خاطر هنر هخامنشی معرف هنر شاهانه است (محمودیان، ۱۳۹۷: ۱۲۰).

– اکثر بناهایی که در دوره هخامنشی ایجاد شده بخش اعظمی در دوره کوروش کبیر است و ادامه و هنرهای آن کمبوجیه و مرحله دوم ساخت و سازهای گسترده در زمان داریوش اول، ساخت شوش و تخت جمشید است. در این دوره (از زمان کوروش کبیر تا داریوش اول) تحول آنچنانی در هنر معماری هخامنشی دیده نمی‌شود. الگوها و طرح‌های کلی یکی است. اگر در جزئیات پیشرفت‌هایی دارند بنابراین، هنر هخامنشی هنری ایستا و غیر پویاست. پادشاهان هخامنشی معمولاً عناصر برگزیده هنر معماری اقوام و ملل تابع خود را برای ایجاد بناها استفاده می‌کردند. آن‌ها از هنرمندان و طراحان یونانی، مادی، بابلی، ایونی و... استفاده می‌کردند.

اجزای ستون: هر ستون از سه قسمت عمده تشکیل شده است که هر قسمت دارای مشخصات و ویژگی خاصی است که تجلی هنر هنرمندان این گونه سازه‌ها است. اجزاء ستون « عبارتند از: ر ستون؛ ساقه ستون؛ شالی ستون؛ ته ستون یا پایه ستون. هر یک از این بخش‌ها نیز از نظر فرم و شکل به اجزائی دیگری تقسیم شده است.

انواع سرستون در المان‌های معماری سنگی دوره‌ی هخامنشی:

۱. پیکره‌ گاو
۲. پیکره‌ انسان
۳. پیکره‌ اسب
۴. پیکره‌ شیر



سرستون در معماری هخامنشی

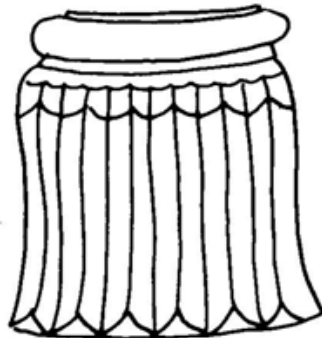
انواع پایه ستون

- مکعبی ساده؛
- گلدان برگشته (زنگوله).

از دوره‌ هخامنشی آثار متعددی در پهنه‌ فلات ایران و سرزمین‌های هم‌جوار برجای مانده است که در این نوشتار برخی از آن‌ها به اجمال معرفی می‌شود.



مشخصات و ویژگی های پایه ستون های سنگی مکشوفه از تپه باستانی هگمتانه



پایه ستون

بناهای سنگی ستون دار

شوش: کاخ های شوش در دوره حکومت داریوش هخامنشی ساخته شده اند. این مجموعه از چهار جزء تالار پذیرایی، تالار بار عام، اتاق های مسکونی و دروازه اصلی تشکیل شده است. بررسی ها نشان می دهد ستون های شوش به صورت شیاردار ساخته شده اند و با سرستون هایی به شکل نیم تنه گاو مزین گشته اند. همچنین، ارتفاع این ستون ها از کف زمین به ۲۰ متر می رسد.

پاسارگاد: مجموعه کاخ‌های پاسارگاد در ۴۸ کیلومتری شمال تخت جمشید واقع شده و شامل: دروازه اصلی، تالار بار عام و کاخ مسکونی است. کاخ‌ها و دروازه دارای تالار مستطیل شکلی بوده‌اند و با سقف‌های مسطح متکی بر ستون‌های سنگی پوشیده شده‌اند. ستون‌ها را از سنگ سفید و ساده و بدون شیار و ته ستون‌ها را به شکل مربع و از سنگ سیاه ساخته بودند. سرستون‌ها نیز از جنس سنگ سیاه به شکل نیم تنه گاو ساخته شده است.

تخت جمشید: تخت جمشید در دامنه کوه رحمت در شمال شرقی شیراز واقع شده و متعلق به دوره هخامنشی است. این مجموعه شامل چند کاخ عظیم ستون دار است. از جمله بناهای مهم مجموعه تخت جمشید، تالار ملل است که ستون‌های آن حدود ۱۶/۵ متر ارتفاع دارند. نکته با اهمیت در رابطه با ستون‌های تالار ملل، شالی ستون‌ها و سرستون‌های زیبای این بنای هخامنشی است. کاخ آپادانا با ۳۶ ستون و سه ایوان از دیگر بناهای مجلل تخت جمشید است. مجموع ستون‌های این کاخ ۷۲ ستون است. هرستون از سه قسمت شکل گرفته‌اند. زیرستون به شکل زنگوله و مزین به گلبرگ‌های موازی به ارتفاع ۱/۵ متر؛ ساقه استوانه‌ای با شیارهای استوانه‌ای به ارتفاع ۱۵/۶۳ متر؛ سرستون به شکل گاو دو سر که تیر چوبی در میان آنها قرار می‌گیرد. ارتفاع کل ستون ۱۹ متر است.

تالار شورا (کاخ سه دروازه): ستون‌های این کاخ دارای زیرستون‌های زنگوله‌ای و مزین به گلبرگ هستند. تنه مرکب از قلمه شیاردار، گل و بوته و دو عضو گل دار دیگر است. بر بالای این ستون‌ها گاوی با دو سر انسان به پایین نگاه می‌کند. از دیگر آثار مجموعه تخت جمشید می‌توان به تالار خزانه اشاره کرد. ستون‌ها در این بنا از جنس چوب با پوششی از گل و گچ رنگین به رنگ‌های سفید و آبی و قرمز ساخته

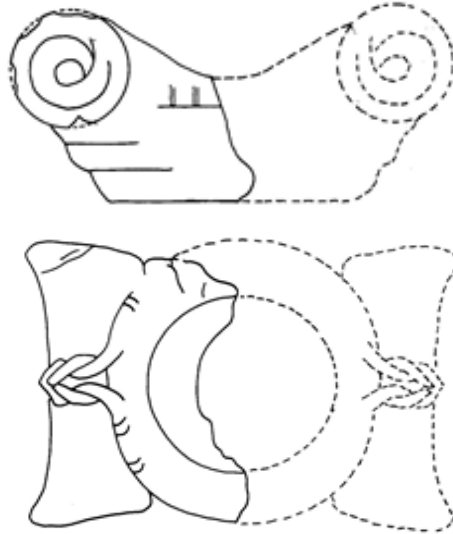
شده‌اند. زیرستون‌های این بنا از سنگ چهار گوش یا گرد ساخته شده‌اند. تالار صد ستون از جمله مهمترین بناهای ستوندار مجموعه تخت جمشید است. قلمه ستون‌ها به شکل استوانه شیاردار می‌باشند که بر بالای آنها نیز سرستون گاو دو سر قرار داشته است. ارتفاع هر یک از ستون‌ها در این بنا ۱۴ متر بوده است.

معبد آناهیتا: این بنا در بخش غربی تپه سنگی کنگاور از توابع استان کرمانشاه از دوره تاریخی به یادگار مانده است. یافته‌های باستان شناسی نشان می‌دهد اولین بار این بنا در زمان اردشیر دوم هخامنشی بنیاد نهاده شد و بعدها در دوره اشکانی و ساسانی مورد مرمت و بازسازی قرار گرفته و الحاقاتی به آن افزوده شد. در فاصله سال‌های ۱۳۴۸-۱۳۵۳ مرکز باستان‌شناسی ایران هیأتی را به سرپرستی سیف‌الله کامبخش فرد به کنگاور اعزام کرد. این هیأت موفق شد بنای معبد را از دل خاک بیرون آورد

نمونه سرستون

این سرستون از نظر فرم ویلان به شکل مربع مستطیل می‌باشد و در فصل پنجم کاوش‌های باستان‌شناسی تپه هگمتانه در سال ۱۳۷۳ از تراشه HG.73.AQ42 که تصدی تراشه با مهرداد ملک زاده و خسرو پوربخشنده بود، در عمق خاک و در داخل یکی از اتاق‌های واحد مسکونی کنار معبر اصلی واقع در کارگاه مرکزی پیدا شد. این سرستون که از سنگ یکپارچه زردرنگ و از نوع معروف «خاقانی» است از نظر تزئینات دارای کنده کاری‌هایی در سطوح بدنه می‌باشد. نوع تزئینات کنده کاری‌ها شبیه به گل‌های فرو رفته در هم می‌باشد که از تکنیک و شیوه حجاری خاصی برخوردار است. قسمت مرکزی و وسط سرستون که روی ستون استوار می‌شود مدور بوده؛ لیکن سایر قسمت‌های سرستون به صورت برجسته می‌باشد. به طوری که از طرفین شکل دو مارپیچ «حلزونی» را به خود می‌گیرد. حد فاصل در مارپیچ که به

شکل بالش هشتند، گل هائی به شکل تودرتو و فرورفته در هم آنرا مزین نموده‌اند؛ لیکن سایر قسمت ها تقریباً ساده می‌باشد. طول و عرض باقیمانده این سرستون ۵۰ و ارتفاع آن ۳۰ سانتی متر است و هم اکنون در موزه هگمتانه نگهداری می‌شود. « طرح ۱ »



طرح شاه ۱. سرستون یا پلان برج مستطیل، هگمتانه، توشیح ۱۲، A9

سرستون مدور

این سرستون در واقع بخشی از قسمت فوقانی یک سرستون سنگی مدور شکسته شده- ای می‌باشد که در سال ۱۳۵۳ در جریان تخریب منازل و تأسیسات مسکونی سطح تپه هگمتانه جهت آماده سازی محیط برای کاوش های آنی توسط مهندس مهریار کشف گردید.



no 1331-336
NS0447A/EN

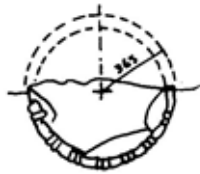
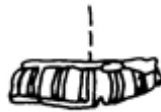
قسمت فوقانی ستون از نظر تکنیک و شیوه حجاری در سطح بالائی قرار دارد و تزئینات مشکله شامل شیارهائی است که نقش آن ۱۶ بار بر روی محیط آن تکرار شده است. این قطعه سرستون فوقانی ستون از جنس مرمرسیاه رنگ بوده و قطر بزرگ آن ۷۳ سانتی متر بوده و هم اکنون در موزه هگمتانه نگهداری می شود (مهريار، ۱۳۶۱: ۹۵). این سرستون از نظر اشکال و طرح بدیع و قابل مقایسه با سرستون تالار و ایوان کاخ مرکزی تخت جمشید می باشد.

این کاخ مرکزی در گوشه جنوب شرقی آپادانا و در بین سایر کاخ های تخت جمشید قرار گرفته و وسیله ارتباط بین آپادانا و صدستون و خزانه و حرمسرا و تجر و هدیش می باشد. هر تسقلد آن را کاخ سه دری نامیده است « Tripylir » چون تالار

مرکزی آن دارای سه درگاه بزرگ می باشد و اشمیت آن را کاخ سورا نامیده است (- سامی، ۱۳۴۸: ۱۸۰-۱۷۹). علاوه براین، نمونه دیگری در کاخ حرمسرای خشایارشا ایوان شمالی و تالار مرکزی در تخت جمشید می شود (شهبازی، ۱۳۵۵).

سرستون مدور

این تکه از سرستون که بخشی از قسمت فوقانی سنگی محسوب می گردد، سال ۱۳۵۳ در جریان تخریب اماکن مسکونی سطح تپه توسط هیأت آماده سازی کسف و ضبط گردید و همانند سرستون مدور شماره دو از نظر اشکال و طرح تزئینات دارای « شانزده» شیار بر روی محیط آن است « طرح ۳»، سرستون مذکور مرمسیاه رنگ و قطر بزرگ آن ۷۳ سانتی متر و دارای شماره ثبت ۱۹ می باشد و در موزه هگمتانه در همدان نگهداری می - گردد (مهیار، ۱۳۶۱: ۹۵). شیارها طوری از نظر شیوه حجاری و سنگتراشی مک شده اند که در عین ظرافت، هماهنگی را حفظ نموده است. طوری که حد فاصل دو شیار بزرگ را در شیار کوچکتر تشکیل می دهند این شیارها از بالا و پائین سرستون و موازی هم امتداد دارند سرستون فوق از نظر تزئینات و اشکال محیطی قابل مقایسه با سرستون تالار و ایوان کاخ مرکزی تخت جمشید می باشد (سامی، ۱۳۴۸: ۱۷۸-۱۸۰).



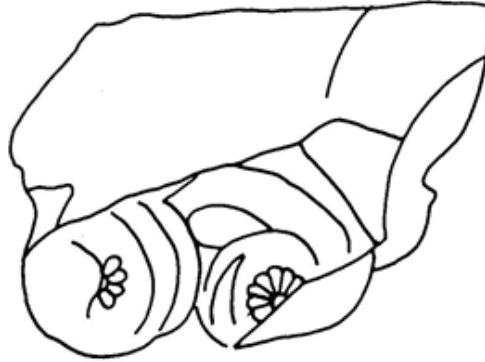
شماره ۱۵۱
مطالعات ایلام شناسی

سرستون با طرح گاو

این سرستون که قابل مقایسه با سرستون های دوره هخامنشیان است با طرح سرگاو متعلق به سرستونی است که در سال ۱۳۵۳ توسط هیأت آماده سازی محوطه هگمتانه از محل مدرسه ابن سینا در شهرستان همدان یافت شده است. این سرستون با طرح سرگاو و از سنگ سفید خاقانی است که فقط قسمتی از سرستون می باشد و بقیه قسمت های آن به صورت شکسته می باشد. قطعه سرستون سنگی مذکور دارای تزئینات کنده کاری در سطوح مختلف آن می باشد (مهریار، ۱۳۶۱: ۹۵). این سرستون با طرح گاو از بعضی جهات قابل مقایسه با مجسمه سر از همدان « اکباتان » احتمالاً کله انسانی یک گاو بالدار بوده که بلندی آن $19\frac{3}{4}$ سانتی متر است و متعلق به قرن پنجم ق.م بوده و هم اکنون در موزه شهر کانزاس در ایالت میسوری نگهداری می شود (ویلیام کالیکان، ۱۳۵۰: ۲۰۹).

سرستون با طرح گل رُزت

این تکه از سرستون از قسمت فوقانی سرستون سنگی است که سال ۱۳۷۴ و در ششمین فصل کاوش های تپه هگمتانه از تراشه AV47 در عمق ۱۷۰ سانتی متری واقع در کنار دیوار معبر به شماره لوکوس G005 از تراشه AV48 که تصدی تراشه را آقای رشیدیگی به عهده داشته اند پیدا گردید. این قطعه سنگ در داخل معبر قرار داشت که فاصله آن با دیگر معابر مکشوفه از تپه ۱۷/۵ متر می باشد. این قطعه سنگ از جنس مرمرسیاه و دارای تزئیناتی شبیه به گل رُزت در روی آن وجود دارد که بسیار خوب و عالی در روی آن حجاری شده است طول سرستون ۴۵ و عرض ۳۲ و ارتفاع وضع موجود ۱۶ سانتی متر است. طرح « ۴ »



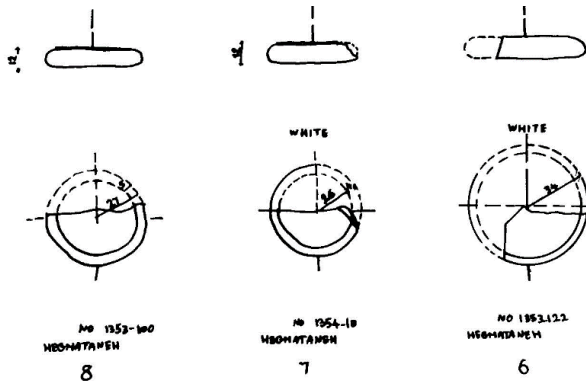
مشخصات و ویژگی‌های ساقه ستون‌های سنگی تپه باستانی هگمتانه ستون مدور شیاردار

هیأت آماده سازی محیط تپه هگمتانه موفق گردید از بین المان‌های سنگی معماری متعلق به ستون یک قطعه کوچک از قلعه ستون « ساقه » را در سال ۱۳۵۳ از این منازل مسکونی تپه به دست آورد. این قطعه قلمه ستون از جنس مرمرسیه و بسیار خوش تراش است. قطر آن ۸۰ سانتی متر بوده و در موزه موقت هگمتانه نگهداری می‌شود. اطراف ساقه ستون دارای تزئینات شیاری است که تعداد آن براساس بازسازی انجام گرفته شده ۳۲ شیار دارد (مهریار، ۱۳۶۱). نمونه‌هایی بسیار از این نوع قلمه ستون در سایت‌های باستانی ایران منجمله در کاخ صدستون در تخت جمشید قرار دارد (سامی، ۱۳۴۸: ۱۹۴).

شالی ستون‌های سنگی

در بررسی المان‌های معماری سنگی تپه هگمتانه به تعدادی شالی‌های ستون بر می‌خوریم که این شالی‌ها اکثراً از سطح تپه هگمتانه جمع آوری شده‌اند. این شالی‌ها که به تروس و بالشتک نیز خوانده می‌شوند جزئی از یک قسمت ستون هستند که معمولاً روی ته ستونها و یا همراه با آنها « یکپارچه حجاری شده » دیده می‌شوند. در بررسی و

مطالعه شالی‌های ستون مکشوفه از هگمتانه به تعدادی از انواع آن شامل شالی‌های بزرگ، شالی‌های متوسط و شالی‌های کوچک و همچنین، به تعدادی که به صورت یکپارچه «ته ستون و شالی» حجاری شده‌اند بر می‌خوریم که در این نگرش به معرفی و مطالعه و مقایسه آنها می‌پردازیم. شالی‌های مکشوفه از تپه هگمتانه دارای انواعی چون مرمرسیاه صیقلی، خاقانی زردرنگ می‌باشند.

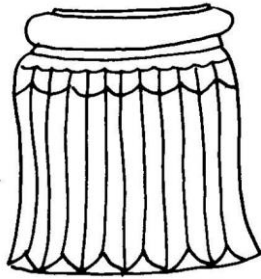


بررسی مشخصات و ویژگی‌های ته ستون‌های سنگی، تپه باستانی هگمتانه

در بررسی و مطالعه ته ستون‌های سنگی که یکی از اجزا و عناصر معماری اصلی ستون محسوب می‌گردد انواعی از قبیل ته ستون‌های ناقوسی، شکل شیاردار، ته ستون‌های مکعبی «مطبق» همراه با شالی، و همچنین ته ستون‌های مکعبی منفرد مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این ته ستون عموماً از سطح تپه باستانی یا در حین تخریب منازل کشف گردیده‌اند. تعدادی از آنها نیز در سالیان گذشته از سطح تپه هگمتانه به نواحی دیگر منجمله موزه ملی ایران منتقل شده‌اند و تعدادی از آنها نیز مورد توجه و نظر پژوهشگران خارجی قرار گرفته و بررسی‌هایی از نظر معرفی و مقایسه روی آنها انجام گرفته است.

پایه ستون ناقوسی

این نمونه پایه ستون که در واقع نیمی از بخش تحتانی پایه ستون رنگی شکل است همانند پایه ستون شماره ۱۰ از سطح تپه به دست آمده و از جنس مرمرسیاه می باشد و تزئیناتی شیاردار دارد که محیط و دور پایه ستون را فرا گرفته اند. نوع تزئینات شیاری است که از بالا به پائین امتداد دارند و دارای ۱۶ بخش می باشد. هر بخش تزئینی دارای سه شیار است. این پایه ستون دارای شماره ثبت ۳۶ و در موزه تپه هگمتانه نگهداری می شود و با پایه ستون های مکشوفه از کاخ هخامنشی شاهور واقع در محوطه باستانی شوش قابل مقایسه است.



پایه ستون شیادار همدان



ستون های یادبود بیشابور



کاخ صد ستون



سر ستون تخت جمشید



معبد آناهیتا - کنگاور

منابع و مآخذ:

- سامی، علی؛ (۱۳۴۸)، پایتخت‌های شاهنشاهان هخامنشی « شوش، هگمتانه، تخت جمشید» دانشگاه پهلوی شیراز.
- شهبازی، شاپور؛ (۱۳۵۵)، شرح مصور تخت جمشید، انتشارات بن‌داو و تحقیقات هخامنشی.
- ویلیام کالیکان، مادی‌ها و پاسی‌ها؛ (۱۳۵۰)، ترجمه گودرز اسعد بختیار، شورای مرکزی.
- رشیدبیگی، حبیب‌الله؛ (۱۳۷۳)، بررسی، گمانه زنی تپه تاریخی دنبران در اسدآباد.
- رشیدبیگی، حبیب‌الله؛ (۱۳۷۴)، گزارش تراشه AV47 فصل ششم کاوشهای باستان شناسی همدان.
- سرفراز، فیروزمندی؛ (۱۳۷۳)، مجموعه دروس، باستان شناسی و هنر دوران تاریخی « هخامنشی، اشکانی، ساسانی»، تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
- سعیدی، فرخ؛ (۱۳۷۸)، راهنمای تخت جمشید، نقش رستم و پاسارگاد، تهران: پازینه.
- صراف، محمد رحیم؛ (۱۳۷۳)، گزارش فصل پنجم کاوشهای باستان شناسی تپه هگمتانه.
- کامبخش فرد، سیف‌اله؛ (۱۳۷۴)، معبد آناهیتا، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- مهریار، محمد؛ (۱۳۶۱)، بررسی عوامل معماری محوطه باستانی تپه هگمتانه، مجله اثر ۹-۷، تهران.
- حبیب‌اله محمودیان و آزاده محمودیان؛ (۱۳۹۳)، آشنایی با معماری ایران، ایلام: نشر زاگرو.
- و آزاده محمودیان؛ (۱۳۹۳)، آشنایی با تاریخ معماری، ایلام: نشر زاگرو.
- و؛ (۱۳۹۳)، آشنایی با معماری تزیینی، ایلام: نشر زاگرو.
- و و پریسا پورمحمدی؛ (۱۳۹۷)، عنصرسنگ در آثار معماری ایران، ایلام: نشر زاگرو.

بررسی هنر مقرنس کاری در آثار معماری ایران با تأکید بر دوره اسلامی

مهندس زینب لطفی^{۴۷}

چکیده

مقرنس کاری، یکی از عناصر تزئینی معماری است که در زیبا ساختن بناها به ویژه مساجد و مقبره ها با اهمیت می باشد. مقرنس ها در بناها به شکل طبقاتی که روی هم ساخته شده برای آرایش دادن ساختمان ها یا برای آنکه به تدریج از یک شکل هندسی به شکل هندسی دیگری تبدیل شود، به کار می روند. این مقرنس ها را می توان از جمله وسایل مؤثر ساختن گنبدها دانست. هنرمندان معمار با بهره گیری از ابتکار و خلاقیت خود در سطوح داخلی و خارجی بناها با استفاده از مصالح آجر، گچ و ... شاهکارهای زیبایی در عرصه معماری تزئینی خلق کرده اند. مقرنس ها معمولاً در سطوح فرو رفته گوشه های زیر سقف ایجاد می شود؛ اما محل قرار گیری این عنصر تزئینی می تواند در بالای دیوارها، سقف ها، گوشه ها، سردرها و ... باشد. به دلیل اهمیت تزئین در آثار معماری ایرانی، تلاش شده در این نوشتار، تاریخ تحولات هنر مقرنس کاری در ایران و آثار شاخص برجای مانده در مکان های تاریخی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: هنر مقرنس، معماری تزئینی، دکان داوود، گنبد، کاخ آشور، هاترا.

مقدمه: سرزمین تاریخی ایران با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی نقش پل ارتباطی شرق و غرب را در قاره آسیا ایفا نموده است، بنابراین، در طول تاریخ در مسیر تبادل و تهاجم فرهنگ ها و مهاجرت اقوام مختلف بوده است. این شرایط موجب شده تا معماری در ایران از تنوع برخوردار باشد. معماری آثار تاریخی ایرانی دارای مفهوم و

^{۴۷} - دانش آموخته ارشد مهندسی معماری

هدف دینی و آئینی است. بیشتر آثار برجای مانده از دوران تاریخ کهن را معابد و زیگورات ها تشکیل داده است. هم چنین، نمادگرایی کیهانی و پدیده‌های طبیعی چون آب در معماری ایرانی به روشنی نمایان است. پیشینه معماری ایران به دوران پیش از تاریخ می‌رسد. معماری ایران در دوران تاریخی از شکوه و عظمت برخوردار بوده است. هنرمندان معمار ایرانی در دوران اسلامی نیز این هنر ارزنده بشری را متحول ساختند (محمودیان، ۱۳۹۳: ۷۷).

ویژگی‌ها و مشخصات معماری ایرانی

بررسی‌ها و کاوش‌های باستانشناسی نشان می‌دهد که سابقه معماری ایران به حدود هزاره هفتم قبل از میلاد می‌رسد. از آن زمان تا کنون پیوسته این هنر در ارتباط با مسائل گوناگون، به ویژه علل مذهبی، توسعه و تکامل یافته است. معماری ایران دارای ویژگی‌هایی است که در مقایسه با معماری کشورهای دیگر جهان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است: ویژگی‌هایی چون طراحی مناسب، محاسبات دقیق، فرم درست پوشش، رعایت اصول فنی و علمی در ساختمان، ایوان‌های وسیع، ستون‌های بلند و تزئینات زیبا، معرف شکوه و عظمت معماری ایران است (همان: ۷۷).

شیوه‌های معماری ایرانی

معماری ایرانی در طول دوران مختلف شیوه‌های مختلفی را تجربه نموده که براساس دوره‌های مختلف تحت عناوینی چون: شیوه پارسی (هخامنشیان)، شیوه پارتی (اشکانیان و ساسانیان)، شیوه خراسانی (صفاریان، طاهریان، غزنویان و...)، شیوه رازی (سامانیان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان)، شیوه آذری (ایلخانیان و تیموریان) و شیوه اصفهانی (صفویان، افشاریه، زندیه و قاجاریه تا معماری دوره معاصر) بیان شده است. نخستین شیوه معماری ایران از دوران هخامنشی تا حمله اسکندر ۲۰۰ سال ادامه داشت.

نام این شیوه از قوم پارس گرفته شده که از اقوام آریایی است. آنان از سبک معماری دوره‌های پیش‌تر چون اورارتوها در بناهای خود استفاده کرده‌اند (محمودیان، ۱۳۹۳: ۷۹). در معماری پارسی سقف (اسمانه) با تیر و ستون اجرا شده است در تخت جمشید دهانه ستون‌ها را در حدود ۶ گز (هرگز ۱,۶ سانتیمتر) بوده است. این نوع دهانه بزرگترین دهانه تیر چوبی آن زمان بود ه است. پایه و اساس معماری پارس از ساختمان‌های غرب ایران الگو گرفته، ولی پارس‌ها در ساخت بناهای مهم خود (تخت جمشید) از همکاری سایر ملل و کشورها استفاده نموده‌اند. ساختار بناها در دوره پارسی از سنگ بود؛ ولی از دیوارهای خشتی به عنوان دیوار باربر و ترکیبی استفاده می‌شد. ارایه‌ها در دوره پارسی از عناصر تزینی مختلفی استفاده کرده‌اند. تزین بودن عناصر معماری یا نیارش و ارایه‌ها از این نمونه‌ها است. سرستون‌های تخت جمشید که هم جنبه‌ی تزینی داشته هم سازه‌ای نمونه بوده است.

ساخت ساختمان بر روی سکو (صفه): درونگرایی و زیباسازی پیرامون ساختمان با ایجاد استخر و پردیس از ویژگی‌های معماری این دوره است (همان: ۸۰). پارت‌ها تیره‌ای از آریایی‌ها بودند که طبق کتیبه داریوش کبیر سرزمین اصلی آنها پرتوه (خراسان کنونی) بوده است شیوه پارتی بعد از دوره هخامنشی رایج شده و شامل سه دوره‌ی سلوکی، اشکانی و ساسانی است که تا دوره اسلامی در ایران استمرار داشته است. در دوره اسلامی شیوه مختلفی در معماری در ایران رایج شده است. شیوه خراسانی پس از نفوذ اسلام و سقوط حکومت ساسانیان در ایران شکل گرفت. اعراب در این زمان چیزی به عنوان معماری نداشته‌اند. بنابراین، معماری اسلامی در ایران معماری اصیل عنصرایرانی است (همان: ۸۱). در این دوره مسجد به عنوان عنصر اصلی معماری شهر و مراکز سکونت قلمداد می‌شد. از نمونه‌های معماری این دوره می‌توان

به: مسجد فهرج یزد، تاریخانه دامغان، مسجد جامع اصفهان (سیر تحول معماری اسلامی ایران در مسجد جامع اصفهان دیده می‌شود)، مسجد جامع اردستان، مسجد جامع نیریز و... اشاره نمود. شیوه معماری رازی در دوره اسلامی با کارکردهای مختلف به وجود آمد. آرامگاه‌های برج مانند. میل‌های راهنما. کاروانسراها از نمونه های معماری سبک رازی هستند. در این دوره شیوه‌های طاق زنی و گنبدسازی پیشرفت چشم گیری داشته است. گنبد‌های دو پوسته به دو دلیل ساخته می‌شد. از نمونه های معماری این دوره می‌توان: گنبد قابوس، برج خرقان قزوین و مسجد جامع اصفهان را ذکر نمود. شیوه آذری در دوره هلاکو خان در مراغه و تیموریان در سمرقند به دلیل نیاز به ساختمان‌های گوناگون و گسترش شهرها ساخت و ساز سرعت گرفت در این شیوه از "پیمون" برای به دست آوردن سازه‌های متناسب استفاده شده است. در این دوره، استفاده از طرح‌های هندسی متنوع در معماری، استفاده از قوس‌های مختلف. گنبد‌های دو پوسته. طاق آهنگ و... رایج بوده است. نماسازی جدا از سفت کاری بود و همانند الحاق به آن اضافه می‌شد این الحاقات معمولاً با گچ یا گره سازی آجر و کاشی کار می‌شده است. نمونه بارز معماری این دوره، مسجد گوهرشاد در مشهد مقدس و حرم رضوی است.

تزینات و هنرهای تزینی در معماری ایرانی

انسان ذاتاً پذیرای زیبایی‌هاست. تزینات و هنرهای تزینی بخشی از این زیبایی‌ها قلمداد می‌شوند. بنابراین، تزینات در معماری می‌تواند بخش مهمی از نیازهای زیبا شناختی انسان را بر آورده سازد. آریایی‌ها پیش از این که خاک ایران را مسکن سکونت خود قرار دهند، در دشت‌ها و مراتع وسیع و سبز آسیای مرکزی زیر چادرها زندگی می‌کردند. در چادرهای مجلل رؤسای قبایل زیباترین قالی و ارزنده‌ترین جام

های سیمین و زرین و جواهرات دیده می‌شد. بررسی منابع نشان می‌دهد کهن‌ترین اشیای مکشوفه در ایران متعلق به چهارهزار تا چهارهزار و پانصد سال قبل از میلاد می‌باشد که از سیلک کاشان به دست آمده است (احسانی، ۱۳۶۸: ۱۱). در دوره هخامنشی با ساختن کاخ‌ها زیباترین تزیینات را در بناهای سنگی اعمال می‌کردند. بنای کاخ آپادانا در تخت جمشید با وسعت ۶۲۵ متر مربع که سقف آن بر روی چهار ستون قرار داشته است (سرفراز، ۱۳۷۲: ۱۸۷). ایوان کسری ومدائن واقع در ۲۰ کیلومتری جنوب شرقی بغداد (کشور فعلی عراق) که در عهد باستان پایتخت ایران بوده، به انواع تزیینات و جواهرات آراسته شده بود. الیاف سیم و زر آمیخته با تار و پود پرده‌ها و نقوش بافته آن، مناظر باغ و بوستان و شاهکارهای معماری نشانگر علاقه انسان به زیبایی‌هاست. آثار معماری تزیینی در تخت جمشید، پاسارگاد، طاق بستان و هزاران بنا و اثر ارزشمند که حاصل فکر و اندیشه انسان‌ها در فلات ایران و دیگر سرزمین‌ها است، مجموعه‌ای از شاهکارهای معماری تزیینی است. در این مبحث به تزیینات متنوع عناصر مختلف در سازه‌های معماری و مصالح مربوطه اشاره می‌شود (محمودیان، ۱۳۹۳: ۲۰). در مورد بنای دخمه «دا و دختر» بهره‌گیری از ستون‌ها و کنگره‌های دندانه دار به سبک بناهای دوره هخامنشی تخت جمشید است (معصومی، ۱۳۸۳: ۳۵۳). این نکته قابل ذکر است که دخمه سنگی معروف به دا و دختر «مادر و دختر» بر روی صخره‌ای در فهلیان از توابع شهرستان ممسنی فارس از دوره ماد برجای مانده است.

مقرنس چیست؟

یکی از عناصر تزیینی در ساختار معماری ایرانی مقرنس کاری است که از پیشینه کهنی برخوردار است. مقرنس نوعی تزیین حجمی و تاقچه‌بندی آذینی است که معمولاً در زیر سقف‌های گنبدی و یا در زیر گنبدها و نیم‌گنبدها استفاده می‌شود. در

بناهای بزرگ به ویژه در کاخ ها و بخش های مختلف بناهای اسلامی (مدارس، مساجد و...) استفاده از مقرنس رایج بوده است. این عنصر تزئینی در معماری دوره اسلامی بسیار رواج داشته است. به طوری که روی ایوان ها و درگاه های ورودی، بالای ایوان مساجد، بالای محراب مساجد، در زیر گلدسته های مناره ها و دیگر ابنیه استفاده می شود. مصالحی چون: آجر، گچ، کاشی، چوب یا فلز در این نوع ترین استفاده می شود. بررسی های باستان شناسی نشان می دهد که مقرنس در زیباسازی بناهای ایرانی به ویژه مساجد و آرامگاه ها نقش مهمی داشته است. مقرنس ها به شکل طبقاتی که روی هم ساخته شده برای آرایش دادن بناها یا برای آنکه به تدریج از یک شکل هندسی به شکل هندسی دیگری تبدیل شود، به کار می روند. در بسیاری موارد، مقرنس ها در سطوح فرو رفته گوشه های زیر سقف کاربرد داشته است؛ اما محل قرارگیری این عنصر تزئینی می تواند در بالای دیوارها، سقف ها گوشه ها سردرها و مانند آنها باشد. در واقع، مقرنس نوعی تجسم سه بعدی و برجسته نقش های هندسی گره چینی های معماری و هنر اسلامی است. به کارگیری مقرنس به طور عمده در معماری اسلامی در ایران و کشورهای اسلامی و عربی رشد کرد.

مقرنس کاری در عهد باستان

این عنصر تزئینی در دوران باستان و پیش از ظهور اسلام در سرزمین های تابع امپراتوری ایران رواج داشته است؛ اما نباید از نظر دور داشت که مقرنس پیش از اسلام با مقرنس پس از اسلام متفاوت بوده است (انصاری، ۱۳۶۰: ۱۵). مقرنس را در ابتدا دارای نقشی تزئینی می دانستند که در دوران باستان رواج داشته است. اولین نمونه مشهور آن «دکان داوود» از زمان ماد است؛ و در سر پل ذهاب که نمای صخره ای آن دارای سه جلو آمدگی در روی هم و هر کدام محیط بر دیگریست و مانند یک قرنیز

مرکب خود را نشان می‌دهد (زمانی، ۱۳۵۰: ۱۰) در دوران هخامنشی هنر مقرنس تحولی چشم‌گیر و بارز یافت به عنوان نمونه می‌توان از آتشگاه پاسارگاد نام برد. این بنا مربوط به قرن ششم قبل از میلاد است. صرف نظر از برجستگی‌های عمودی در چهار گوشه بنا در انتهای دیوار مقرنسی مرکب از عناصر زیر به چشم می‌خورد.

اول: یک قرنیز ظریف بلافاصله پس از دیوار؛

دوم: یک ردیف جرزهای مستطیل شکل که در بالای قرنیز اول قرار گرفته و از پایین بریده و آویزان دیده می‌شود.

سوم: ردیفی از طاقچه‌های واقع در بین جرزها که در واقع واحدهای مقرنس هستند.

چهارم: قرنیز دیگری که در بالای مقرنس قرار دارد و در واقع باران‌گیر سه قسمت اول است (همان) که همین عناصر در کعبه زرتشت یا در آرامگاه داریوش در نقش رستم دیده می‌شود. برخی از باستان‌شناسان کعبه زردشت را محل حفظ کتاب مقدس زرتشتیان (اوستا) می‌دانند. بر روی دیوارهای سنگی این اثر چند کتیبه ایجاد شده است. کتیبه‌ها به خط پهلوی و زبان یونانی است. فلاندن در سال ۱۸۴۳ میلادی از کتیبه‌های کعبه زردشت رونوشت برداشته است. ترجمه این کتیبه‌ها به وسیله پروفیسور اسپرینگینگ صورت گرفته است. در ورودی کوچکی در دیوار شمالی است (سعیدی، ۱۳۷۸: ۱۹۹). او همچنین نوشته است: «طرح ساختمانی کعبه زردشت، نفوذ معماری فرهنگ اورارتو یا مادی را می‌رساند. کاردانی معماری با ذوق هنری هخامنشی در آمیخته و بنایی به وجود آورده که در عین سادگی و استحکام، از زیبایی خاص برخوردار است» (همان: ۱۹۲). در دوران اشکانی نیز نقش آفرینی بیشتر مقرنس در آثار معماری ایرانی ملاحظه می‌شود. نام سرزمین پارت در کتیبه‌های باقی مانده از زمان داریوش «پرتوه» آمده است. این واژه به زبان پارسی «پهلوه» و منسوب به ایالت پهلوه می‌باشد؛ لذا

سرزمین پارت‌ها را پهلوی خوانده‌اند (مشکور، ۱۳۷۳:). در دوران اشکانی قرنیز و مقرنس با هم بکار رفته‌اند. به عنوان مثال: کاخ آشور در عراق یا کاخ هترا که از مقرنس‌های بریده‌بریده استفاده شده‌است. این شهر علاوه بر نقش مذهبی نقش تجاری و اداری مهم یافته است و آثاری مهم مثل پیکره های اشکانی در آن جا به دست آمده است (محمودیان، ۱۳۹۳: ۱۱۲). دوران ساسانی را هم می‌توان دوره رواج و پیچیدگی بیشتر عنصر مقرنس در معماری قبل از اسلام دانست.

اشکال مختلف مقرنس

مقرنس‌های جلو آمده: در این نوع مقرنس مصالح از خود بناست که در نهایت سادگی و بدون هیچگونه پیرایه‌ای به صورت آجر یا گچ، انتهای سطوح خارجی نمای بیرون ساختمان را آرایش می‌دهند و استحکام آنها زیاد است (محمودیان و...، ۱۳۹۳: ۵۴).

مقرنس های روی هم قرار گرفته: گذشته از مصالح اصلی بنا مانند گچ و آجر و سنگ، در سطوح داخل و خارج بنا به کار می‌روند و غالباً در چند ردیف (دو تا پنج یا بیشتر) روی هم قرار دارند و دارای ثبات متوسطی است.



مقرنس های معلق: این نوع مقرنس ها شبیه استالاکتیت آهکی آویزان در غارهاست و غالباً از چسباندن مواد مختلف چون گچ، سفال، کاشی و ... به سطوح مقعر داخل بنا صورت می گیرند که آویزان به نظر می رسند و دارای ثبات کمی می باشند.

مقرنس های لانه زنبوری: چنانکه از نام این دسته از مقرنس ها پیداست، شبیه لانه زنبور و در مجموع کندوهای کوچک بر روی هم قرار گرفته اند. این دسته از نظر شکل ظاهری شبیه به مقرنس های معلق اند.

تاریخ مقرنس در سرزمین های اسلامی

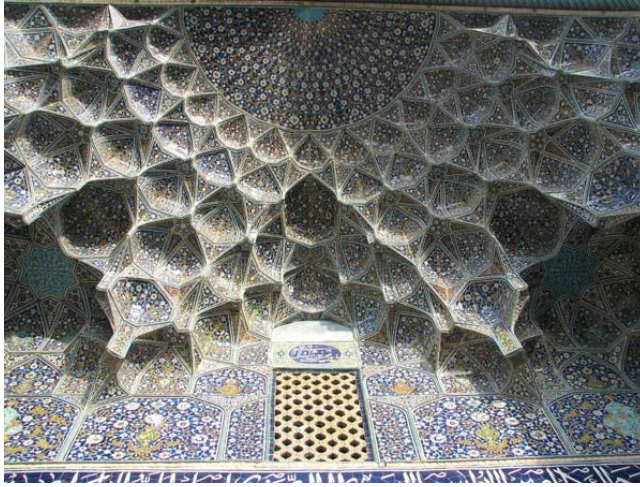
به دلیل عدم دسترسی به اسناد و مدارک کافی متأسفانه اطلاعات و تاریخ دقیقی در زمینه تاریخچه مکان‌های و آغازگران مقرنس به عنوان عنصری تزئینی در معماری مشخص نیست. بررسی هانشان می‌دهد این هنر مانند بسیاری از هنرهای شناخته شده و مطرح دیگر در جهان ریشه در خاک کهن ایران زمین دارد. مقرنس در دیرباز حتی قبل از دوره تاریخی در معماری نقشی فعال بر عهده داشته‌است. آنچه در سایر بلاد اسلامی دیده می‌شود خود مخلوطی است از فرهنگ و معماری آن دیار با ریشه‌های مقرنس ایرانی است. بررسی آثار بر جای مانده نشان می‌دهد که مقرنس از آغاز برای تبدیل پلان مربع به دایره استفاده می‌شده‌است. پس، مقرنس در ابتدا نقشی کاربردی داشته نه تزئینی، در بسیاری از بناهای برجای مانده از گذشته مقرنس نقش تبدیل یک پلان مربع به یک گنبد ایفا نموده‌است. از دوران هخامنشی به بعد مقرنس تحول و تغییر چشمگیری پیدا کرد که به عنوان نمونه می‌توان از آتشگاه پاسارگاد در ایران را نام برد. این بنا مربوط به قرن ششم قبل از میلاد است. همین عناصر در کعبه زرتشت یا در مقبره داریوش در نقش رستم دیده می‌شود (همان: ۵۶).

مقرنس ها از دیدگاه فنی و کاربردی

مقرنس‌ها به دو سبک اجرا می‌شوند در هر مقرنس از پایین به بالا عناصر ریزتر و کوچکتر می‌شوند. مقرنس در نقاط مختلفی در سرستون‌ها و گیلوئی‌ها و کتیبه‌ها و چشمه طاق‌ها کار می‌شود.



نامگذاری مقرنس مثل مقرنس چشمه طاق گیلوئی، کتیبه و مقرنس سرستون بر اساس محل ساخت آن است. در مورد چشمه طاق چون در قوس‌ها و طاقی‌ها کار می‌شود، مقرنس قوس هم دارد. به هر حال، آنچه در همهی این انواع مشترک است، عناصر سازندهی آن است که بنا بر اصطلاح سنتی آلت می‌نامند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از : شاپرک، طاس، تخته، شمسه عرقچین، چهار لنگه منتظم و... آلات نامبرده جزء آلات مشترکند؛ ولی بعضی از انواع وجود دارند که فقط با مصالح گچ یا آینه یا آجر بکار می‌روند و استفاده از آنها با مصالح دیگر مجاز نیست (همان: ۵۷).



مقرنس در دوره اسلامی

پس از ورود اسلام به ایران هنرهای ایرانی با حفظ پیشینه تاریخی خود جنبه‌ای الهی یافتند. در این میان مقرنس هم چون سایر آثار هنری شکل اصلی و آشنای خود را در دوران اسلام یافت. مقرنس در چهار قرن صدر اسلام به طور پراکنده در منابع معرفی شده است. به عنوان مثال مقبره شاه اسماعیل سامانی از قرن سوم هجری قمری در بخارا که دارای قرنیز ساده در انتهای دیوارها در بالا و پایین آن یک ردیف طاقنما و مقرنس در گوشواره‌های زیرین گنبد مقبره است. در دوره حکومت غزنویان هنر، تحول و تغییری شدید داشت. در این دوره به دلیل استفاده زیاد و رواج استفاده از گوشواره، زمینه مناسبی برای ایجاد و کاربرد مقرنس پدید آمده بود. برج طغرل نیز که مربوط به قرن ۵ و ۶ است در چهار ردیف دارای مقرنس می‌باشد. گنبد معروف کبود در مراغه، گنبد نظام الملک و تاج الملک مسجد جامع اصفهان نیز از آثار مقرنس دار این دوره قلمداد می‌شود. در دوره مغول، انواع مقرنس به کار می‌رفت، از جمله

مقرنس مسجد علیشاه تبریز و مناره‌های مسجد اشترجان. در همین ایام مقرنس لانه زنبوری به صورت نادری وجود دارد از جمله مقبره شیخ عبدالصمد در نطنز مربوط به سال ۷۰۷ که تقریباً تمام سطح داخلی گنبد را پر کرده است. از بناهای معروف مقرنس دار این دوره مقبره امیر تیمور در سمرقند است که نورپردازی آن بر روی مقرنس های بنا متمرکز شده است. مسجد گوهر شاد و مسجد کبود تبریز که گوشواره سردر داخلی بنای مقرنس دار است و اصل مقرنس ها آجری هستند و قطعات موزائیک و کاشی را به آن چسبانده اند (همان: ۵۹).



مقرنس در دو قرن پنجم و ششم هجری قمری و یا به عبارتی در دوره سلجوقیان در مرحله تحول سریع قرار گرفت در اکثر بناهای این دوره مقرنس های زیبایی دیده می شوند. آشکارترین نمونه معماری عهد سلجوقی مسجد جامع اصفهان است که گنبد مقرنس کاری شده آن از شاهکارهای معماری اسلامی به شمار می رود. در دوره صفویه مقرنس کاملاً نقشی تزئینی داشت و توسط کاشی و موزائیک مزین می گردید. در این دوران مقرنس استالاکتیتی (آویزان) رواج پیدا کرد. مقرنس در عهد صفوی در

سر ستون ها به کار برده می شد. عمق مقرنس ها نیز در این زمان بیشتر گردید. بیشتر بناهای این دوره، از جمله امامزاده اسماعیل، بالای در ورودی مسجد امام اصفهان، باغ چهل ستون، کاخ عالی قاپو که مجموعه ای از نماهای قلبی شکل، لوزی های نامنظم و ستاره های چهار پر و مثلث های باریک است از مقرنس بهره برده اند.

در دوره زنده: آنچه ما در این زمان شاهد آن هستیم تقلیدی از بناهای دوره صفوی و سبک صفوی است و مقرنس نیز به عنوان عضوی از اعضای سازندهی معماری و هنر به همان سبک ادامه داد. از بناهای معروف این دوره کاخ خورشید مربوط به دوره افشاریه و قسمت ستون دار تالاره مسجد وکیل شیراز و بنای هفت تن شیراز است.

در دوره قاجاریه: در معماری این دوره به وضوح می توان رد پای آمیختگی هنر و فرهنگ ایران شرقی و غرب را یافت و تزئینات معماری هم چون دوران گذشته اما با رنگ و بویی جدید ادامه پیدا کرد. از جمله بناهای معروف این دوره که دارای تزئین مقرنس هستند می توان به مسجد سپهسالار تهران، تیمچه امیرالدوله کاشان که مقرنس های متعددی در آن به کار رفته است، اشاره کرد (همان: ۶۱).



مقرنس در نقاط دیگر جهان

در سوریه و ترکیه کاربرد سنگ برای مقرنس بیش از سایر مصالح بود. در این کشورها به دکوراسیون سنگی، ساختی داده شد که با آنچه در ایران با سفال و گچ انجام می‌گرفت تفاوت داشت. به هر حال، در سوریه دوران رواج مقرنس را می‌توان از قرون ۱۲ و ۱۳ میلادی دانست. شکوفایی این هنر زیبا را در زیر بالکن انبارهای مدرسه ابن طولون می‌توان دید. از نمونه‌های دیگری از شکوفایی این هنر در مصر می‌توان به مقبره‌ی سنجر سالار اشاره کرد. ورودی با طاق‌های استالاکتیت نیز در مسجد قاهره پایه‌گذاری شد. در معماری اندلسی و مغربی گنبد‌ها مبدل به صورتی از مجموعه‌هایی نظیر کندوهای عسل، تابع هندسه مربع و مستطیل گشتند که بر گرداگرد یک دایره می‌چرخیدند (همان: ۶۲).

منابع و مآخذ:

- احسانی، محمد تقی؛ (۱۳۶۸)، هنر فلز کاری در ایران، چ اول، تهران: علمی و فرهنگی.
- انصاری، جمال؛ (۱۳۶۰)، هنر مقرنس‌سازی در آثار معماری ایران، مجله موزه‌ها، سال اول، شماره یکم، ص ۱۵.
- بلر شیلا و ام بلوم جانانان؛ (۱۳۸۱)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه اشراقی اردشیر، چاپ اول، تهران، انتشارات سروش.
- بلو کباشی، علی؛ (۱۳۷۵)، قهوه‌خانه‌های ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بورکهارت، تیتوس؛ (۱۳۶۵)، هنر اسلامی و زبان بیان. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: سروش.
- پوپ، آرتور؛ (۱۳۵۵)، هنر ایران در گذشته و آینده، ترجمه عیسی صدیق، تهران: مدرسه عالی خدمات جهانگردی و اطلاعات.
- زمانی، عباس؛ (۱۳۵۰)، مقرنس تزئینی در آثار تاریخی ایران، هنر و مردم جلد ۳-۱.
- سرفراز، علی اکبر وبهمن فیروزمندی؛ (۱۳۷۳)، مجموعه دروس باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی، ماد هخامنشی اشکانی ساسانی، جهاد دانشگاهی هنر، چاپ اول.

- سعیدی، فرخ؛ (۱۳۷۸)، راهنمای تخت جمشید، نقش رستم و پاسارگاد، تهران: پازینه.
- طلایی، حسن؛ (۱۳۷۴)، باستان شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد، چاپ اول، تهران: سمت.
- عمید، حسن؛ (۱۳۴۶)، فرهنگ عمید، تهران: انتشارات جاویدان.
- محمودیان، حبیب اله؛ (۱۳۷۷)، راه‌ها و معابر باستانی غرب زاگرس در دوران پارت و ساسانی، ایلام: انتشارات سبز رویش.
- ؛ (۱۳۸۳)، معرفی اجمالی قلعه‌های باستانی استان ایلام، گویش.
- و آزاده محمودیان؛ (۱۳۹۳)، آشنایی با تاریخ معماری، ایلام: نشر زاگرو.
- و آزاده محمودیان؛ (۱۴۰۰)، آشنایی با معماری تزئینی، چاپ سوم، ایلام: نشر زاگرو.
- معصومی، غلام رضا؛ (۱۳۸۳)، تاریخچه علم باستان شناسی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- مشکور، محمد جواد؛ (۱۳۷۲)، تاریخ ایران زمین، تهران: اشراقی.
- موسوی، زهرا؛ (۱۳۸۱)، «هنر مقرنس در معماری». ماهنامه کتاب ماه. خرداد و تیر، شماره ۴۵ و ۴۶. (۱۰۲ تا ۱۰۶).
- همایونی، صادق؛ (۱۳۵۵)، حسینیه مشیر. تهران: انتشارات سازمان جشن و هنر.

Study of historical and archeological developments of Diwala land Dr. Habibollah Mahmoodian .

Abstract

Based on historical documents and archaeological findings, numerous monuments and sites in the Zagros region (west of the Iranian plateau) have survived from different periods of human life, which confirms the settlement and life from the cave period to the next period. Some of the most important settlements, cities and population centers in the communication route of caravans or passages, roads and tribes of ancient roads have been introduced so far; → However, in some cases, cities and population centers and places Such cities are not yet known. In this article, in addition to a brief introduction of some cities from the historical period of the region, studies have been done about the land of Diwala and the city of Al-Riz (Radin), etc ...In order to achieve this important goal, the geography of the West Zagros and its vital resources, the historical geography of the region, the ways and historical passages of the Zagros inhabitants and the archeological sites related to the subject are studied .

Keywords: Diwala, Alraz (Redin), Mans, Green Crescent, Godar Khosh.

A look at the bow in the historical period with emphasis on the three iron arrows found in Asemanabad plain Dr. Ali Nourallahi

Abstract :

In 2002 and 2003, three iron arrows were accidentally found by the author in the east of AsemanAbad plain, Studies show that they belong to the Parthian-Sassanid period. In this paper, these three data are examined from different aspects .Due to the fact that in the aforementioned periods, the structure of bows underwent a fundamental change and their efficiency and performance were increased. As this weapon played a major role in the battles and feasts and hunting of this period .In general, in this article, I have dealt with the history, structure of Iranian Bows and the importance, position and chronology of this data .In the end, I have presented a conclusion of the content .

Keywords: Parth, Sassanid, Asemanebad, bow, iron arrow, hunting.

Identification of rock structures in Mehran plain, An introductory discussion with the help of Google Earth images. Amir Khanmoradi

Abstract

The images provided in the Google Earth app, which provide users with a good view of the earth's surface and even the process of its changes, have caused archaeologists to pay special attention to this new tool in archaeological studies in recent years.

With the help of this tool, a survey was designed and implemented in the small plain of Mehran to identify rock structures.

Previously, in the Dehloran plain, many examples of this type of stone structures have been identified and even one example of these stone structures has been excavated.

The present article will identify these structures in Mehran plain through Google Earth satellite images, will ask a few questions and have a preliminary discussion about their use.

Keywords: Google Earth, stone structures, nomadism, Mehran plain, Dehloran plain.

A study of calligraphy in the early centuries of Islam With emphasis on calligraphy decorations in architectural works .

Azadeh Mahmoudian

Abstract

Historical studies show that trying to communicate with fellow human beings has been of particular importance in human societies. Because, through verbal communication, he met his basic needs to some extent, but these conditions were not enough to maintain communication and many needs of daily social life .

Therefore, thinking, discovering and recognizing methods and patterns of communication has continued. Man has been able to use symbols, lines and images to write his inner secrets and meet his communication needs. Early drawings, up to the drawing of various images on rocks and cliffs, have been part of these efforts in various places .The first line has numerous images, signs and symbols that have been used to express different concepts. Images, signs, symbols of numbers and lines used on tools such as clay, ceramics or metals, as well as seals and beads in different eras have been part of human efforts to express and reflect events .

Calligraphy is the common language of art for all human beings, which has gone through various stages since ancient times, Calligraphy is one of the most prominent common arts in different societies that has had special features in the Islamic lands. Because, in the basis and beginning of its formation, it is known as the art of embodying the word of revelation .Considering that calligraphy and writing have played a key role in presenting human thought and have been the cause of the emergence of valuable art with beauties and delicacies, therefore, in this article, different dimensions of this issue have been examined .

Keywords: Hieroglyphic Script, Kufic sScript, Transcription, Portrait Painting, Calligraphy, Bead

Cognitive study of the column element in stone architectural works. Dr. Ali Khaki, Dr. Parisa Pourmohammadi, Habibollah Rashid Beigi ,

Abstract

An examination of the remains of stone architectural structures in Iran shows that Iranian artists and architects with their thinking and contemplation have been able to display their art in the field of stone architecture. Among the components of stone architecture, the column has a special elegance and feature, therefore, it is very important in archaeological studies. In the architecture of palaces, mansions and halls created in ancient cities and places such as: Persepolis, Pasargad, Susa, etc., stone has been used to study the patterns, techniques and methods used of this element in stone architecture considered by archaeologists and artists. Therefore; in this article, an attempt has been made to study this important element from different dimensions .

Keywords: Column pedestal, stone architecture, headstone, Hegmataneh, SadSetun, Apadana.

A study of Moghnarnas art in Iranian architectural works With emphasis on the Islamic Period Zeinab Lotfi.

Abstract

Moghnarnas work is one of the decorative elements of architecture that is important in beautifying buildings, especially mosques and tombs. Moghnarnas are used in buildings in the form of overlapping floors to decorate buildings or to gradually transform from one geometric shape to another. These Moghnarnas can be considered as effective means of making domes. Architects have created beautiful masterpieces in the field of decorative architecture by using their ingenuity and creativity in the interior and exterior levels of buildings using bricks, plaster, etc. Moghnarnas are usually formed on the recessed surfaces of the corners under the roof. But the location of this decorative element can be on the walls, ceilings, corners, entrances, etc..In this article, an attempt has been made to study the history of the developments of Moghnarnas art in Iran and the works of the remaining index in historical places.

Keywords: Moghnarnas Art, Decorative Architecture, DokanDavoud, Dome, Assyrian Palace, Hatra.

In this issue you read:

1. Study of historical and archeological developments of Diwala land. Dr. Habibollah Mahmoodian.
2. A look at the bow in the historical period with emphasis on the three iron arrows found in the Asemanabad Low land plain
Ali Nourallahi
3. Identification of rock structures in Mehran plain, An introductory discussion with the help of Google Earth images
Amir Khanmoradi
A study of calligraphy in the early centuries of Islam With emphasis on calligraphy decorations in architectural works.
Azadeh Mahmoudian.
4. Cognitive study of the column element in stone architectural works. Dr. Ali Khaki, Dr. Parisa Pourmohammadi, Habibollah Rashid Beigi,
5. A study of Mogharnas art in Iranian architectural works
With emphasis on the Islamic period Zeinab Lotfi

Referees this issue:

Dr. Mohsen Tavakoli

Dr. Soheila Darvishi

Dr. Leyla Khosravi

Dr. Ebrahim Moradi

Dr. Lily Niakan

Features

The articles should be the result of authors' studies.

The article should not be published in another publication

The publication of the paper is subject to the final approval of the quarterly editorial board.

Acceptance of the paper for printing, after approval by the jury.

Responsibility for the content of the article is the responsibility of the author (s).

The magazine is free to edit its literary and technical content without altering its content.

The article should not be larger than the 20 standard pages of the Quarterly.

The full name of the author, grade, university, place of teaching or education, field of study and telephone number of the author are added on separate pages.

Submission of the article is possible only through the e-mail of the Ilam Studies Department.

The titles of tables, images, maps, drawings and charts are listed below with the number (description and mention of the source).

Paper structure

The article should have the following structure:

Abstract, introduction, original text, conclusion, writing, sources and abstract.

Title: The overall title of the article is in a way that expresses the content of the article.

Author's Specifications: Includes name, family, degree, academic degree, and field of study, university where it is taught or studied.

Abstract: A comprehensive description of the article with limited terms, including: problem statement, purpose, research method and research

findings. It should be noted that the abstract of the article should not exceed 200 words (12 lines).

Key words: It contains 4 to 7 specialized words that are important.

INTRODUCTION: The main issue is the main problem and the purpose of the research; in this section, research findings in the area of the problem should be briefly discussed

Original text: Contains the main text of the article and can be associated with the table, image, and graph.

Conclusion: Includes Summary and Conclusion

Writing: Important statements which comes after coclution

Sources: listing article references based on journal structure

English abstract: English abstract should be exactly the translation of the Persian abstract

Text style

The article should be written with the font B zar and the size 13, the distance between the lines of 1.15 (single) and in the word format. Abstract, key words, references in parentheses, poems, and any thing that comes in parentheses should be written in size 11. Direct transcripts of more than five rows, should be come apart from the original text, with a centimeter indent on each side and with the same font, but with a size of 11.

Referrals to resources

References in the article should be documentary and based on valid evidences.

Reference inside the text: Author's surname, year of publication: page number(s),

Farsi example: (Negahban, 54: 1376), Latin: (Smith 1999: 33)

Reference to the book in the section of the final references: surname of the author, author's name, date of publication (in parentheses), title of the book, name and surname of the translator or editor, volume, print edition, publisher's name,

Place of publication.

Reference to the article: author's surname, author's name, date of publication of the work (in parentheses), the title of the article (in parentheses), the name of the author or translator, the main title of the

encyclopaedia or the journal, the period or year of publication, Number of article pages.

Year of defense (in parentheses), the title of the thesis,

The defense grade, the name of the supervisor, the name of the university and the school of study.

Reference to historical documents: title of document, classification and access number, name of book archive

Referrals to Internet sites: Surname of the author, author's name, date of entry in the website (in parentheses), title of article or work (in parentheses), electronic address of the website.

The sources of the paper are arranged alphabetically and based on the author's surname; the sources mentioned at the end of the article are the same sources used within the text.

The title of books and articles in the sources of the end of the article should be mentioned completely. Non-Persian sources should bring after Persian sources.

Note: All papers received will be judged by two judges

Editorial board:

Dr Karam Adibifar

Specialty: **Sociology**

Dr. Frangis Darvishi

Specialty: Archaeological

Dr. Shahin Heidari

Specialty: Architecture-Energy

Dr. Gholam Hossein Karimi Dousan

Specialty: Linguistics

Dr. Haji Karimi

Specialty: Geohydrology

Dr. Leyla Khosravi

Specialty: Archaeological

Dr. Reza Khani

Specialty: English Language and Literature

Dr. Ali Khaki

Specialty: Structural Architecture

Dr. Ebrahim Moradi

Specialty: Archaeological
Dr. Khodakaram Mazaheri
Specialty: Archaeological
Dr. Lily Niakan
Specialty: Archaeological
Dr. Mohsen Tavakoli
Specialty:
Dr. Siavash Yari
Specialty: History of Islam.

Quarterly Ilamology Studies Quarterly Specialty

Number 21 * sixth year, winter 1400

Owner and responsible manager:

Dr. Habibollah Mahmoodian

Editor: Dr. Siavash Yari

Managing Director: Azadeh Mahmoudian

Director of Technical and Media Affairs:

Omid Mmahmoodian.

Persian editor: Ali MohammadNiakan.

English Editor: Dr. Parisa Pourmohammadi

Review Page: Masoumeh Safaeinia

License number: 78809 1395/10/6

Publisher: Zagro Publishing

Number: 500

Price: 75,000 Tomans